

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور

۱۳۹۱/۱۲/۱۶

ره‌توشه راهیان نور
متون علمی - آموزشی مبلّغان
محرم ۱۴۳۸ ه.ق - ۱۳۹۵ ه.ش
«ویژه خوهران»

تهیه و تدوین:
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان ویژه محرم الحرام ۱۴۳۸ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش (ویژه خواران) / گروه نویسندگان: تهیه معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، گروه تأمین منابع. مشخصات نشر: قم: قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
شابک: ۳-۱۷۹۲-۰۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان دیگر: ره‌توشه راهیان نور «ویژه خواران» متون علمی آموزشی مبلغان محرم ۱۴۳۸ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش.
موضوع: اسلام - تبلیغات - راهنمای آموزشی
موضوع: خانواده‌ها - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع: زنان در اسلام
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، گروه تأمین منابع
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب قم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۱۳۹۵/۶۲/۸۴ BP۱۱۱۶۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۱۱۷۳

ره‌توشه راهیان نور

محرم ۱۴۳۸ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش

متون علمی - آموزشی مبلغان «ویژه خواران»

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناظران علمی: سعید روستاآزاد، علی اکبر مؤمنی و علی رضا انصاری
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۹۷ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکارانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی خانی ● صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور
- کارشناس تحریریه: محمد حسین فکور ● کارشناس بازاریابی: محمود نوراللهی
- مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب.

تمام حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست مطالب

پیش‌سخن	۱۳
عزاداری؛ بایدها و نبایدها	۱۵
مقدمه	۱۵
الف. بایسته‌های محتوایی عزاداری	۱۶
۱. عقلانیت	۱۶
۲. استفاده از منابع معتبر	۱۸
۳. ارائه مطالب ارزشمند و کاربردی	۲۱
۴. انتخاب اشعار پرمحتوا و اثربخش	۲۲
ب. بایسته‌های روشی عزاداری	۲۶
۱. استفاده از سخنرانان متخصص	۲۶
۲. فرصت‌سازی	۲۷
۳. رعایت آداب و احکام عزاداری	۲۸
ویژگی‌های اخلاقی و سیاسی حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۳۳
اشاره	۳۳

۳۳.....	الف. ویژگی‌های اخلاقی
۳۳.....	۱. عبادت و نیایش
۳۴.....	۲. حجاب و عفاف
۳۵.....	۳. علم و دانش
۳۶.....	۴. صبر و پایداری
۳۷.....	ب. ویژگی‌های سیاسی
۳۷.....	۱. رهبری قیام
۳۹.....	۲. فرهنگ‌سازی سیاسی
۴۱.....	۳. شجاعت سیاسی
۴۷.....	ازدواج دیرهنگام؛ عوامل و راه حل‌ها
۴۷.....	اشاره
۴۸.....	۱. مشکلات اقتصادی
۴۹.....	۲. ازدواجهای ناموفق
۵۱.....	۳. مسئولیت‌گریزی
۵۲.....	۴. مهریه‌های سنگین
۵۵.....	۵. بی‌بندوباری
۵۶.....	۶. وسواس در انتخاب همسر
۵۷.....	۷. ازدواج تحمیلی
۵۹.....	۸. تشریفات و تجملات
۶۱.....	ارتباط کلامی و تأثیر آن بر استحکام خانواده
۶۱.....	اشاره
۶۲.....	تأمین نیازهای عاطفی در خانواده
۶۳.....	توجه به سلامت روان

شيوه‌های ارتباط کلامی	۶۴
۱. سلام.....	۶۶
۲. خداحافظی.....	۶۷
۳. صدازدن	۶۷
۴. مؤدبانه و محبت‌آمیز سخن گفتن.....	۶۸
۵. پاسخ منطقی به عیب‌جویی و دخالت‌های دیگران	۷۰
۶. اظهار تشکر	۷۱
۷. روحیه‌دادن در مشکلات	۷۲
۸. شکیبایی در برابر سخن ناخوشایند.....	۷۴
۹. عدم گفت‌وگو درباره خواستگاران قبل	۷۴
۱۰. ابراز کلامی محبت.....	۷۵
۱۱. بیان خصوصیات نیکوی همسر در مقابل خانواده او	۷۶
۱۲. بیان مطالب مورد علاقه.....	۷۶
۱۳. عذرخواهی و عذرپذیری	۷۷
۱۴. خوب شنونده‌بودن.....	۷۷
۱۵. عدم یادآوری دلخوری‌های گذشته	۷۸
۱۶. اظهار دلتنگی در زمان دوری از یکدیگر.....	۷۹
نقش زن در تأمین شادی خانواده.....	۸۱
درآمد	۸۱
الف. بایستگی شادمانی	۸۲
ب. راه‌ها و عوامل ایجاد شادمانی	۸۲
۱. مثبت‌نگری.....	۸۲
۲. اخلاق نیکو	۸۴
۳. تقواگرایی	۸۵
۴. آراستگی	۸۶

۵. پوشیدن لباس‌های روشن ۸۶
۶. بوی خوش ۸۷
۷. محبت ۸۸
۸. احترام ۸۹
۹. ارتباط کلامی ۹۰
۱۰. روحیه‌دادن به شوهر ۹۱
۱۱. تأمین نیاز جنسی ۹۲
۱۲. عفت و پاکی ۹۳
۱۳. معاشرت ۹۵

۹۲ رفتارشناسی زوجین با خویشاوندان

- ۹۷ اشاره
- ۹۸ بایستگی‌های ارتباط زوجین با خویشان
۱. «ما شدن»، فلسفه زوجیت ۹۸
۲. سفارش اسلام درباره خویشان ۹۸
۳. نکوهش قطع ارتباط با خویشان ۹۹
۴. آثار مثبت ارتباط با خویشان ۹۹
- ۱۰۱ اصول ارتباط زوجین با خویشاوندان
۱. احترام ۱۰۱
۲. مدیریت وابستگی به خانواده ۱۰۲
۳. مدیریت انتظارات ۱۰۳
۴. گذشت از دلخوری‌ها ۱۰۳
۵. رعایت اعتدال در رفت‌وآمدها ۱۰۴
۶. استفاده از راهنمایی و مشاوره با خویشاوندان ۱۰۵
۷. چگونگی برخورد با دخالت‌های خویشاوندان ۱۰۶
۸. حفظ اسرار خویشاوندان ۱۰۷

۹. حفظ اسرار خانواده.....	۱۰۸
۱۰. کنارگذاشتن تجملات و رسوم تکلف‌آور.....	۱۰۹
نتیجه‌گیری.....	۱۱۰
نقش والدین در سعادت یا شقاوت فرزندان.....	۱۱۱
اشاره.....	۱۱۱
ضرورت و اهمیت بحث.....	۱۱۲
تأثیرگذاری والدین در سعادت یا شقاوت فرزند.....	۱۱۲
وظایف اخلاقی و تربیتی والدین.....	۱۱۳
۱. دعا.....	۱۱۴
۲. انتخاب همسر شایسته.....	۱۱۴
۳. لقمه حلال.....	۱۱۵
۴. نام‌گذاری و کام‌برداری.....	۱۱۷
۵. تربیت شایسته.....	۱۱۷
۶. نظارت بر دوستان.....	۱۱۸
۷. زمینه‌سازی برای تحصیل.....	۱۱۹
۸. جاذبه و محبت.....	۱۲۰
۹. الگودهی.....	۱۲۱
۱۰. تأمین نیازهای کودکی.....	۱۲۲
۱۱. امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۲۳
۱۲. فراهم‌نمودن شرایط ازدواج.....	۱۲۴
اهمیت پوشش در برابر محارم.....	۱۲۷
دیدگاه فقه و اخلاق.....	۱۲۷
۱. از نظر حکم فقهی:	۱۲۷
۲. از نظر اخلاقی:	۱۲۷

پیامدهای نوع پوشش در برابر محارم	۱۲۸
توصیه‌ها و راهکارها	۱۳۰
۱. خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم، پس از سنّ معین:	۱۳۰
۲. خودداری از عمل جنسی در برابر فرزندان:	۱۳۰
۳. اجازه‌گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین:	۱۳۰
۴. خودداری از لخت‌شدن در برابر کودکان:	۱۳۱
۵. پوشش مناسب مادر در مقابل فرزند:	۱۳۱
علل مخالفت فرزندان با والدین	۱۳۳
اشاره	۱۳۳
علل و زمینه‌های مخالفت	۱۳۴
۱. ناآگاهی نسبت به آموزه‌های دینی	۱۳۴
۲. خودخواهی فرزندان	۱۳۶
۳. ناسازگاری والدین با یگدیگر	۱۳۷
۴. عدم مهارت‌های روان‌شناختی و رفتاری	۱۳۸
۵. بی‌احترامی	۱۴۰
۶. ماهواره و شبکه‌های مجازی	۱۴۲
۷. ازدواج تحمیلی	۱۴۴
نقش زن در کاهش طلاق	۱۴۹
اشاره	۱۴۹
راه‌های نقش‌آفرینی زن در کاهش طلاق	۱۵۰
۱. درک متقابل	۱۵۰
۲. صبر و تحمل	۱۵۱
۳. خوش‌اخلاقی	۱۵۱
۴. توجه به مسائل معنوی و دینی	۱۵۲

۱۵۴	۵. عفت و پاکدامنی.....
۱۵۴	۶. تمکین در مقابل شوهر.....
۱۵۶	۷. تواضع و فروتنی.....
۱۵۸	۸. پرهیز از چشم‌وهم‌چشمی.....
۱۵۸	۹. قناعت‌مداری.....
۱۵۹	۱۰. بخشش و عذرپذیری.....
۱۶۰	سخن پایانی.....
۱۶۳	کتابنامه

پیش سخن

محرم است و شور حسینی در قلب و اندیشه مشتاقان اهل بیت علیهم السلام می‌جوشد و هر لحظه، از این آسمان بلند کرامت و فتوت، ستاره‌ای جهان‌تاب می‌درخشد و پرده غفلت را کنار می‌زند و راه را به جویندگان حقیقت می‌نمایاند و این همه، ارمغانی است که در این ماه بزرگ، به دلدادگان مکتب عاشورا عنایت می‌گردد و جویباری از رحمت و هدایت را در سرزمین دل‌های اهل ایمان جاری می‌سازد.

آنچه پیش روی دارید، ره‌توشه و یژه خواهران است که به همت شماری از نویسندگان فاضل و پژوهشگران اندیشمند در محورهای مختلف دینی پدید آمده است که از آن جمله می‌توان به موضوعاتی مانند: بایسته‌های عزاداری، اهمیت پوشش و حجاب، مباحث خانوادگی، مقوله ازدواج و نقش زن در استحکام نظام خانواده اشاره کرد که در مجموع، مقالات ارائه‌شده در آن، شامل نکات ارزشمند تربیتی و معارف روشنگر اسلامی می‌باشد.

خوانندگان محترم و خواهران گرامی توجه داشته باشند که به منظور استفاده از مطالب و موضوعات بیشتر درباره محرم و عزاداری امام حسین علیه السلام می‌توانند

به ره‌توشهٔ محرم، ویژه برادران (۱۴۳۸هـ.ق)، مراجعه نمایند و از مقالات متنوع و مباحث مختلف آن بهره‌مند شوند.

امیدواریم، کتاب حاضر، برای علاقه‌مندان به معارف قرآنی و روایی و موضوعات اخلاقی و کاربردی در حوزه خانواده، مفید واقع شود و به توسعه هر چه بیشتر سبک زندگی اسلامی بینجامد و مبلغان محترم پیش از پیش، در مسیر ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام و تربیت معنوی آحاد جامعه توفیق یابند.

در پایان، از تمام کسانی که در امر آماده‌سازی، ویرایش و انتشار این اثر کوشیدند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

عزاداری؛ باید‌ها و نباید‌ها

محمدحسین فکور*

مقدمه

واقعه عاشورا، پرچمی است افراشته بر بلندترین قله‌های انسانیت، و نوری است جان‌بخش که روح و جان مؤمنان و دوستانش را نوازش می‌دهد. ندای حسینی «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»، به همگان می‌آموزد که خواری در برابر ستم‌پیشگان، در مرام سروقامتان جایی ندارد و آدمی را نسزد که جز در برابر معبود خویش سر تعظیم فرود آورد. علاقه‌مندان به سرور آزادگان نیز به پاس این حماسه در طول تاریخ، از عزاداری برای حضرت غافل نبوده‌اند.

بهترین روش عزاداری، آن است که به دور از افراط و تفریط و طبق موازین شرع صورت گیرد و به بیان مصایب، ابعاد شخصیت و قیام امام علیه السلام پرداخته شود. این نوع عزاداری، بایستگی‌های دارد که در نوشتار پیش رو به برخی از آنها اشاره می‌شود.

* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

الف. بایسته‌های محتوایی عزاداری

۱. عقلانیت

از جمله آسیب‌های عزاداری، غیرعقلانی نشان‌دادن آن است؛ یعنی با تمرکز بر اعمال ظاهری عزاداری، آن را از حقیقت تهی‌سازیم و حرکت‌ها و رفتارهایی ناپسند انجام دهیم که نه‌تنها با عقل سلیم همخوانی ندارد، بلکه با احساسات انسانی نیز ناسازگار است؛ اعمالی همچون: قمه‌زدن، راه‌رفتن روی آتش، غلط‌خوردن روی شیشه‌های شکسته و کارهایی از این دست. این امر، سبب می‌گردد که برخی عزاداری را غیرمنطقی و مجنونانه بپندارند. دکتر تیجانی می‌نویسد:

«یکی از علمای گذشته می‌فرمود: شمشیرهایی که در گذشته شیعیان آن را در برابر ظالمان بلند می‌کردند، امروز برای زدن به سرهای خود، از آن استفاده می‌کنند؛ تاجایی که انگلیسی‌ها مقدار زیادی شمشیر، در میان دسته‌های عزاداری در کربلا تقسیم می‌کردند.»^۱

طبق گزارش‌ها، برخی عزاداران به سروصورت خود می‌زنند و یا قلاده به گردن می‌اندازند و هیئت عزاداری دیوانگان تشکیل می‌دهند. بدیهی است که این کارها، مخالف آموزه‌های دینی است. اگر این نوع اعمال در عزاداری‌ها مشروعیت داشت، امامان نیز بر آن تأکید می‌نمودند. در مراسم عزاداری باید شور و شعور مکمل یکدیگر باشند و حتی بیشتر به خرد و دانایی توجه شود؛ زیرا عقل، عشق‌ساز است؛ چنان‌که در کربلا یاران امام پیش از آنکه عاشق‌ترین‌ها باشند، عاقل‌ترین انسان‌ها بودند. راه عشق، از عقل می‌گذرد؛ یعنی عشق حقیقی، مبتنی بر عقل و معرفت است و تا معرفت حاصل نشود، عشق و علاقه

۱. محمد تیجانی، اهل بیت علیهم‌السلام کلید مشکل‌ها، ص ۱۸۶.

ایجاد نمی‌گردد. امام حسین علیه السلام فرمود: «ای مردم! خداوند، موجودات را جز برای شناخت خودش خلق نکرد و چون او را شناختند، باید او را عبادت کنند و با عبادت او، از عبادت غیر او، بی‌نیازی جویند.»^۱

متأسفانه، امروزه برخی عزاداری‌ها بر اساس احساسات و سلیقه‌ها و بدون موازین شرع صورت می‌گیرد. این رویکرد، سبب شده که عزاداری‌ها زیر سؤال رفته و به صورت غیرمنطقی نمود پیدا کند. کافی است، سری به پایگاه‌های اینترنتی بزنی و ببینند دشمنان چطور از قمه‌زنی بر ضد اسلام استفاده می‌کنند. در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های مخالف اسلام در سراسر جهان، با استناد به صحنه‌های قمه‌زنی که در برخی کشورهای اسلامی، نظیر پاکستان و عراق معمول است، تولیدات بسیاری را تهیه کرده‌اند که در آنها چهره‌ای خشن و زشت از اسلام معرفی شده است. شاید به همین دلیل باشد که مقام معظم رهبری، فتوا به حرمت قمه‌زنی داده است:

«قمه‌زنی، علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر، موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود. بنابراین، در هیچ حالتی جایز نیست و هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد، حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند.»^۲

استاد مطهری رحمته الله علیه باور دارد که جریان کربلا پیش از آنکه جریان عاطفه و شور باشد، جریان عقل و منطق است. ایشان ضمن ردّ حضور امّ لیلا در کربلا

۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۲. آیت‌الله خامنه‌ای، أجوبة الإستفتانات، س ۱۴۵۹ و ۱۴۶۰.

می‌گوید: «...یکی از معروف‌ترین قضایایی که حتی یک تاریخ‌به‌آن‌گواهی نمی‌دهد، قصه لیلا، مادر حضرت علی اکبر است. البته ایشان مادری به نام لیلا داشته‌اند؛ ولی یک مورخ نگفته است که لیلا در کربلا بوده است؛ اما چقدر ما روضه لیلا و علی اکبر خواندیم؛ روضه آمدن لیلا به بالین علی اکبر!...»

خیز ای بابا از این صحرا رویم نک به سوی خیمه لیلا رویم^۱

اگرچه امروزه روحانیان محترم چنین مطالبی را مطرح نمی‌کنند، اما متأسفانه، برخی مداحان که به‌تازگی وارد عرصه مداحی شده‌اند، دامادی حضرت قاسم را مطرح کرده، به آن دامن می‌زنند؛ این در حالی است که دامادی قاسم، نه در تاریخ کربلا وجود داشته و نه با عقل همسویی دارد؛ چگونه امکان دارد در سخت‌ترین لحظه‌های جنگ، امام که عاقل‌ترین انسان است، کار خلاف عقل را انجام دهد!

۲. استفاده از منابع معتبر

عاشورا، سرمایه عظیم و تاریخ‌ساز است که با آموزه‌های اسلامی گره خورده است. درستی یا نادرستی این حادثه، ارتباط به اسلام دارد. از این رو، باید مطالب آن مستند و در منابع دست‌اول و معتبر ذکر شده باشد؛ در غیر این صورت، مسائل دروغ، جایگزین واقعیت‌ها می‌گردد. در خصوص منابع معتبر درباره حادثه کربلا جهت مراجعه مداحان و سخنرانان، می‌توان به کتاب‌هایی مانند: ارشاد شیخ مفید، مقتل ابی‌مخنف و لهوف ابن طاووس، اشاره کرد. همان‌گونه که پیشینیان از این کتاب‌ها استفاده کرده، حتی از روی آنها روضه می‌خواندند. همین امر، سبب شده بود مطالب کذب یا تحریف‌شده وارد روضه سیدالشهداء علیه‌السلام

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۷۶.

نشود؛ درحالی که امروزه نکاتی گفته می‌شود که در این منابع وجود ندارد و همین امر، موجب شده مطالب غیرواقعی وارد تاریخ عاشورا گردد. برخی نیز به بهانه‌هایی مثل اینکه بعضی مطالب در فلان کتاب (غیرمعتبر) آمده است و یا این مطالب، زبان حال است، هرچه دلشان می‌خواهد، می‌گویند. هیچ‌گاه نباید در بیان واقعه عاشورا از کتاب‌های غیرمعتبر استفاده کنیم و به بهانه عزاداری و اشک‌گرفتن از مردم، بر مبنای زبان حال امام و یاران ایشان، هرچه خواستیم بگوییم؛ بلکه زبان حال‌گویی برای هرکسی، به حسب شأن اوست. بیان زبان حال امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام باید درخور منزلت و همسو با سیره آنان باشد. امام علی علیه السلام فرمود: «هیچ‌کسی را نمی‌توان با آل محمد قیاس کرد.»^۱ متأسفانه، در این زمینه برخی تحریف‌ها در ماجرای عاشورا اتفاق افتاده است. استاد مطهری رحمته الله به جریان دامادی حضرت قاسم علیه السلام اشاره نموده، می‌نویسد:

«... از این بالاتر، می‌گویند: در همان گرماگرم روز عاشورا که می‌دانیم مجال نمازخواندن هم نبود و امام نماز خوف خواند، امام فرمود: حجله عروسی راه بیندازید؛ من می‌خواهم عروسی قاسم را با یکی از دخترهایم، لااقل شبیه‌اش هم شده، در اینجا ببینم. - حالا، قاسم یک بچه سیزده‌ساله است - چرا؟ آخر آرزو دارم. آرزو را که نمی‌توانم به گور ببرم!

شما را به خدا ببینید! یک حرفی است که اگر به زن دهاتی بگویی، به او برمی‌خورد. گاهی از یک افراد خیلی سطح پایین [می‌شنویم که] من آرزو دارم عروسی پسر را ببینم، عروسی دخترم را ببینم... این مرد عالم، حاجی نوری، می‌گوید: اول کسی که این [قضیه] را در کتابش نوشته است، ملاحسین کاشفی

۱. محمد صحتی سردرودی، عاشوراپژوهی، ص ۴۷۸.

بوده؛ در کتابی به نام روضة الشهداء؛ و اصل قضیه، دروغ و صددرصد دروغ است. سبحان الله! گفت:

بس که بیستند بر او برگ‌وساز گر تو بیننی شناسیش باز

اگر سیدالشهداء علیه السلام بیاید و بیند - او در عالم معنا که می بیند، اگر در عالم ظاهر هم بیاید بیند - چه می بیند؟ می بیند ما برای او اصحاب و یارانی ذکر کرده ایم که او اصلاً یک چنین اصحاب و یارانی نداشته است.^۱

البته گفتنی است که امروزه این مطلب توسط مبلغان و مداحان اهل مطالعه مطرح نمی شود؛ بلکه بیشتر از سوی افرادی کم سواد و مبتدی عنوان می گردد که باید جلو آن هم گرفته شود. همچنین، برخی مداحان به بهانه اینکه حضرت زینب علیها السلام سر خود را به محمل زده، قمه می زنند؛ درحالی که این امر، سند معتبری ندارد؛ زیرا:

اولاً، این داستان از نظر سند، به شدت ضعیف است. این مطلب، در منابع معتبر نیامده و از برخی کتاب ها، مانند کتاب نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام گرفته شده است که نویسنده آن، مشخص نیست. مرحوم شیخ عباس قمی در این زمینه می نویسد: «نسبت سر شکستن به حضرت زینب علیها السلام، بعید است؛ چون ایشان، عقیده بنی هاشم و صاحب مقام رضا و تسلیم است.»

وی سپس، با استناد به کتاب های معتبر تاریخی، اثبات می کند که اسرای کربلا را بر ناقه های عریان و بی جهاز نشانده بودند و اصلاً محمل در کار نبوده تا آن حضرت سرش را به آن بکوبد.^۲

ثانیاً، این گونه رفتارها، مورد نهی حضرات معصومین علیهم السلام است؛ به خصوص

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۷۷.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۳۸.

امام حسین علیه السلام که مصیبت دیدگان کربلا را از چنین اعمالی نهی کرده بودند. امام حسین علیه السلام به خواهرشان فرمود: مبدا شیطان، صبر از کفت براباید؛ «فَنَظَرَ إِلَيْهَا الْحُسَيْنُ علیه السلام وَقَالَ لَهَا يَا أُخِيَّةَ لَا يَذْهَبَنَّ جِلْمَكَ الشَّيْطَانُ.»^۱

با این فرض، چگونه ممکن است حضرت زینب علیه السلام اقدام به شکستن سر خود کند؟ ممکن نیست ایشان برخلاف تذکر امام خویش، چنین عملی را مرتکب شده باشد.

۳. ارائه مطالب ارزشمند و کاربردی

باید اذعان نمود که در دهه‌های اخیر، برخی عزاداری‌ها از محتوای غنی عاشورایی تهی شده است؛ چراکه فلسفه عزاداری که آموختن درس‌ها و پیام‌های عاشوراست، مورد توجه قرار نمی‌گیرد و گاه، بیان آموزه‌های عاشورا از سوی روحانیان، تنها مقدمه‌ای برای جمع‌شدن مردم برای سینه‌زنی و زنجیرزنی مبدل شده است. بر این اساس، شاهد این مشکل خواهیم بود که عزاداری‌ها، صرفاً به حالتی نمایشی درآمد و فقط چشم‌ها را خیره کند و هیچ پیامی در آن نباشد. اینکه بیشتر بر رنگ و لعاب روضه‌خوانی افزوده شود و از محتوا خالی بماند، باعث می‌شود که نگاه‌ها از تفکر و اندیشه در ماهیت انقلاب حسینی به سوی ظواهر سطحی آن معطوف گردد و این، از آسیب‌هایی است که دامنگیر برخی مجالس عزاداری شده است؛ درحالی‌که فرهنگ عاشورا، عمیق‌ترین فرهنگ‌هاست و دسترسی به آن، نیازمند ژرف‌اندیشی است و هدف اصلی عزاداری حسینی، شناخت چرایی قیام و آشنایی با وظایف خویش و یادگیری معارف اسلامی است و صرفاً سینه‌زنی و زنجیرزنی، کافی نیست. امام خمینی علیه السلام در این باره فرموده:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲.

«انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را، خیال نکنید فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهداء. نه سیدالشهداء احتیاج به این گریه‌ها دارد؛ نه این گریه خودش - فی نفسه - کاری از آن می‌آید.»^۱

به جهت همین عزاداری‌های پُرمحتوا و روشمند است که امروزه دشمنان از چنین مراسم‌هایی وحشت دارند و در قالب‌های مختلف با آن مخالفت می‌نمایند؛ اما آنان با عزاداری‌های انگلیسی مخالف نیستند و آن را تبلیغ نیز می‌کنند.

۴. انتخاب اشعار پُرمحتوا و اثربخش

از جمله عناصر بسیار مهم و تأثیرگذار در روند شکل‌گیری مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام، مداحان و مرثیه‌خوانان هستند. امامان علیهم السلام عزاداری توسط مداحان را تأیید می‌کردند؛ با این تفاوت که ایشان شعرای متعهد و بنامی چون: «کمیت اسدی»، «دِعْبَل خُزاعی» و یا «سید حَمیری» را تأیید نموده، به اشعار و مداحی آنان سمت‌وسو می‌دادند.

هارون مکفوف، یکی از یاران امام صادق علیه السلام، می‌گوید: به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، فرمود: «برایم مرثیه بخوان.» برایش خواندم. فرمود: «این‌گونه نمی‌خواهم؛ آن‌گونه که در کنار قبر آن حضرت علیه السلام مرثیه می‌خوانید، بخوان.» و من خواندم:

أَمْرٌ عَلَى جَدِّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الرُّكِيَّةَ...

«از کنار قبر حسین علیه السلام گذر کن و به استخوان‌های پاک او بگو...»

دیدم آن حضرت به گریه افتاد. سکوت کردم؛ ولی فرمود: «ادامه بده.» ادامه

۱. امام خمینی رحمته الله، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۲۴.

دادم. فرمود: «باز هم بخوان.» خواندم تا به این بیت رسیدم که:

يَا مَرْيَمُ قَوْمِي فَأَنْدُبِي مَوْلَاكِ وَعَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بِيُكَاكِ^۱

«ای مریم!^۲ برخیز و بر مولای خود ندبه کن و با گریهات بر حسین علیه السلام

رستگاری طلب کن.»

دیدم امام صادق علیه السلام گریه کرد و بانوان نیز شیون سر دادند. وقتی آرام شدند،

حضرت فرمود: «ای ابوهارون! هرکس بر امام حسین علیه السلام مرثیه بخواند و ده نفر را

بگریاند، پاداش او بهشت است.»

از دعبل خُزاعی نقل شده است که من در ایام شهادت امام حسین علیه السلام به

محضر امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم. دیدم حضرت محزون و اندوهگین نشسته و

یارانش نیز گرد آن حضرت نشسته‌اند. هنگامی که مرا دید، فرمود: «ای دعبل،

خوش آمدی! آفرین بر کسی که با دست و زبانش ما را یاری می‌کند!» سپس، در

کنار خویش برای من جا باز کرد و مرا کنارش نشانید. آنگاه به من فرمود: «ای

دعبل! دوست دارم امروز برای ما مرثیه بخوانی.» آنگاه امام رضا علیه السلام برخاست و

پرده‌ای میان ما و حرم‌سرای خویش زد و خانواده‌اش را پشت پرده نشانید. سپس،

به دعبل فرمود: اشعار خود را بخوان و وی نیز مرثیه‌ای را در ماتم امام حسین علیه السلام

و اهل بیتش خواند که قسمتی از آن چنین است:

«ای فاطمه! اگر پیکر به خاک و خون غلطیده حسین را که تشنه‌کام کنار شَطِّ

فرات به شهادت رسیده، به خاطر آوری، در آن هنگام، ای فاطمه! کنار آن پیکر،

به چهره‌ات سیلی می‌زنی و اشک چشمانت را بر رخسارت سرازیر می‌سازی.

ای فاطمه! ای دختر بهترین مردم، برخیز! و بر ستارگان آسمان‌ها در آن صحرای

۱. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۰۴.

۲. مقصود، مریم بنت‌عمران، مادر حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد.

خشک ناله بزن؛ چرا گریان نباشم، وقتی که به خاطر آورم دختران زیاد در قصرهای خویش درامان‌اند؛ ولی حریم خاندان رسول خدا دریده شده است؛ درحالی‌که آل‌زیاد در دژهای محکمی آسوده‌اند، فرزندان رسول خدا در صحراهای خشک و سوزان سرگردان‌اند. آری! تا آن زمان که خورشید در عالم پرتوافشانی می‌کند و ندای مؤذنی برای نماز بلند است و تا وقتی که خورشید طلوع و غروب می‌کند و به هنگام شبانگاهان و صبحگاهان، بر آنان می‌گیرم.»^۱

همچنین، دعبل گفت:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ وَمَنْزِلُ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ^۲

«خانه‌های شما ای آل‌محمد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مدارس آیات خدا بود که دشمنان نور، تلاوت قرآن را در آن خاموش کردند و محلّ نزول وحی الهی بود که اکنون، از همه چیز تهی گشته است.»

به هر حال، همان‌طورکه ملاحظه می‌کنید، آیا واقعاً این‌گونه اشعار در تحریک عواطف و گریه مؤثر است و یا به قول استاد مطهری، گفتن: زینب مضطربم، الوداع، الوداع؟^۳

امروزه، مداحان می‌توانند با الگوگرفتن از شاعران مرثیه‌خوان زمان ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و انتخاب اشعار پرمحتوا، اثربخش و جان‌سوز، اقدام به برگزاری عزاداری‌های شایسته کنند؛ مثلاً به جای توصیف چشم و ابروی حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَامُ، می‌توانند این اشعار را بخوانند:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي
إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي

۱. نعمت‌الله جزائری، ریاض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۵۲۷.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۲۹۱.

وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ نَجَلِ النَّبِيِّ الظَّاهِرِ الْأَمِينِ

«به خدا سوگند! اگرچه دست راستم را قطع نمودید، ولی من پیوسته از دینم حمایت می‌نمایم و از امامی صادق‌الیقین که فرزند پیامبر پاک و امین است، حمایت می‌کنم.»

استاد شهید مطهری رحمته الله ضمن انتقاد از اشعاری که برخی شعار می‌دهند، می‌گوید:

«عظمت اباعبدالله، چیز دیگری است. او، چیزی است، ما چیز دیگری. شعارهایی که در سینه‌زنی‌ها و نوحه‌سرایی‌ها می‌دهید، شعارهای حسینی باشد. نوحه، بسیار بسیار خوب است. ائمه اطهار دستور می‌دادند افرادی که شاعر بودند، نوحه‌خوان بودند، نوحه‌سرا بودند، بیایند برای آنها ذکر مصیبت بکنند. آنها شعر می‌خواندند و ائمه اطهار گریه می‌کردند. نوحه‌سرایی و سینه‌زنی و زنجیرزنی، من با همه اینها موافقم؛ ولی به شرط اینکه شعارها شعارهای حسینی باشد؛ نه شعارهای من‌درآوردی؛ «نوجوان اکبر من، نوجوان اکبر من»، شعار حسینی نیست. شعارهای حسینی، شعارهایی است که از این تیپ باشد؛ فریاد می‌کند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا؟^۲ [ای مردم!] آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل رویگردان نیست؟ در چنین شرایطی، مؤمن - نگفت حسین یا امام - باید لقای پروردگارش را بر چنین زندگی‌ای ترجیح بدهد.» و یا: «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛^۳ - هر جمله‌اش، سزاوار است که با

۱. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

۳. همان.

آب طلا نوشته شود و در همه دنیا پخش گردد و این، باز هم کم است - من، مرگ را جز خوشبختی نمی بینم. من، زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی نمی دانم.»
 مرا عار آید از این زندگی
 که سالار باشم کنم بندگی^۱

ب. بایسته‌های روشنی عزاداری

۱. استفاده از سخنرانان متخصص

بی تردید، تبلیغ، یک هنر و تخصص است. کسی در این عرصه موفق است که با فنون سخنرانی و روش خطابه آشنایی داشته و هنر تبلیغ را بداند؛ اما متأسفانه، بسیاری از آسیب‌های موجود در مجالس عزاداری، ریشه در همین امر دارد؛ یعنی در این مجالس، معمولاً معارف اسلامی و احکام شرعی، توسط اشخاصی بیان می‌شود که فاقد تخصص لازمند و بدین ترتیب، احکام را نادرست یا وارونه مطرح می‌کنند. همچنین، بسیار دیده شده که سخنران یا مداح مجلس عزاداری، آیات قرآن یا زیارت‌هایی را که می‌خواند، صحیح تلفظ نمی‌کند.

بر این اساس، اگر خانمی که جلسه عزاداری را مدیریت می‌کند، از تحصیلات حوزوی مرتبط با چنین جلساتی بی‌بهره باشد، با دادن اطلاعات نادرست، چه بسا مخاطبان بسیاری را دچار مشکل می‌نماید و مسائلی را به مردم و نسل جوان تعلیم می‌دهد که صحت ندارد؛ به عبارت دیگر، ایجاد تعارض‌های فکری با نقل مطالب غیرواقعی و سست، خرافه‌گرایی، مخلوط کردن حقایق با وقایع ساختگی و مسائلی از این دست، ممکن است طیف وسیعی از

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

شرکت‌کنندگان را نسبت به دین دچار تردید نماید و یا برایشان نوعی بدبینی ایجاد کند. از این رو، بهترین روش، استفاده از خواهران و برادران طلبه‌ای است که مدارج علمی لازم را در حوزه‌های علمیه گذرانده‌اند. این افراد می‌توانند با ارتقای بینش مذهبی و دادن اطلاعات درست و مورد نیاز به مخاطبان، زمینه را برای رشد دینی خود و دیگران فراهم سازند. البته خواهران و برادران طلبه باید توجه داشته باشند که هیچ‌گاه بدون تحقیق و مطالعه، اقدام به برگزاری جلسات سخنرانی و یا مراسم عزاداری نکنند و با مطالعه مستمر و روشمند در این مسیر گام بردارند.

۲. فرصت‌سازی

مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام، فرصتی بسیار ارزشمند به دست می‌دهد تا خطیبان به بیان احکام و مباحث شرعی، اخلاقی و اعتقادی بپردازند و عزاداران حسینی را با معارف دینی آشنا کنند. بر این اساس، همان‌گونه که در محرم سال ۶۱ هجری، امام حسین علیه السلام برای احیای دین قیام کرد، مراسم عزاداری آن حضرت نیز باید برای احیای دین و ترویج معارف الهی، بستری شایسته و مناسب را فراهم سازد.

هر چه داریم از حسین و کربلاست کربلا شیرازه آیین ماست

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحْبِبُهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا؛^۱ چنین مجالسی را دوست می‌دارم. پس، امر (مکتب) ما را زنده نگه دارید. خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را احیا نماید.»

ناپلئون بناپارت می‌گوید:

۱. عبدالله حمیری، قرب الإسناد، ص ۴۱۸.

«ما باید برای برپایی یک همایش اجتماعی یا سیاسی، ده‌ها هزار کارت چاپ کنیم و با چه زحماتی آن کارت‌ها را به اشخاص برسانیم. از این گذشته، از ده‌ها هزار نفر، تنها هزار نفر حاضر می‌شوند و کار ناتمام می‌ماند؛ ولی مسلمانان و شیعیان، با نصب یک پرچم سیاه در یک مکان، می‌گویند: ما می‌خواهیم برای حسین عزیزمان گریه کنیم. ده‌ها هزار نفر در ظرف دو ساعت، در مجلس جمع می‌شوند و همه مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی خود را در آن مجلس حل و فصل می‌کنند.»^۱

۳. رعایت آداب و احکام عزاداری

عزاداری، آیین و رسم دیرینه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است که با سنت‌ها و بافت جامعه ما درآمیخته است. به همین دلیل، همواره سعی شده این سنت ارزشمند که آثار بسیار نیکویی در جامعه بر جای نهاده و به فرموده امام خمینی علیه‌السلام اسلام را زنده نگه داشته، در مدار موازین شرعی قرار بگیرد و با وزانت هرچه بیشتر برگزار شود. از این رو، مراجع عظام تقلید در جهت برگزاری بهتر مراسم عزاداری، توصیه‌ها و فتواهایی صادر نموده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

- رعایت احکام عزاداری:

سؤال: آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی شرکت کنند؟

جواب: شرکت زنان در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی، شایسته نیست.^۲

۱. <http://news.aqr.ir>.

۲. آیت‌الله خامنه‌ای، أجوبة الإستفتانات، س ۱۱۴۳.

سؤال: آیا خواندن زن در مجالس عزاداری با علم او به اینکه مردان نامحرم صدای او را می‌شوند، جایز است؟

جواب: اگر خوف مفسده باشد، باید از آن اجتناب شود.^۱

سؤال: ایستادن و نگاه خانم‌ها به مردانی که در خیابان مشغول عزاداری هستند، چه حکمی دارد؟ و مسئولیت دست‌اندرکاران هیئت در این مورد چه مقدار است؟

جواب: نگاه کردن خانم‌ها به بدن مردان نامحرم، جایز نیست.^۲

سؤال: راه رفتن خانم‌ها در عقب دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم ارتکاب معصیت نباشد، اشکال ندارد.^۳

سؤال: در مجالس زنانه، زنان مداحی و سخنرانی می‌کنند و صدای آنها به گوش مردان رهگذر می‌رسد. آیا این عمل، جایز است؟

جواب: آیت‌الله فاضل لنکرانی: شنیدن صدای ایشان، اگر در معرض ریبه و التذاذ نباشد، حرام نیست.^۴

سؤال: حتماً دیده‌اید که در برخی موارد، مرثیه‌خوانی و یا مداحی زنان در مجلسی که برای خانم‌ها برپا شده، به گونه‌ای است که صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد. آیا این عمل، جایز است؟

جواب: آیات عظام فاضل، صافی، امام خامنه‌ای، نوری، امام خمینی، تبریزی، وحید، بهجت و سیستانی: اگر صدای آنان باعث لذت‌بردن و تهییج

۱. همان، س ۱۱۴۱.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله صافی گلپایگانی: .

۳. همان.

۴. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۲۵، س ۲۱۸.

شهوَت نامحرم شود، جایز نیست^۱

- رعایت آداب عزاداری:

امام حسین علیه السلام و یارانش، تنها برای احیای دین اسلام از جان، مال و خانواده خویش گذشتند؛ اما برخی عزاداران به واجبات خود اهمیت نداده، از انجام گناهان ابایی ندارند یا صرفاً در زمان و مکان خاصی دین‌دار می‌شوند؛ حال آنکه فرد دین‌دار، در هر زمان و مکانی که باشد، باید خود را ملزم به رعایت دستورها و رهنمودهای الهی نماید؛ مثلاً زن مسلمان، در حَرَم یا پارک، در جشن یا عزا و امام‌زاده یا کنار دریا، در همه جا باید اهل حجاب باشد. رعایت حجاب، به داخل حَرَم اختصاص ندارد که وقتی از آن مکان بیرون رفت، چادرش را تازه، داخل کیفش پنهان کند.

متأسفانه، برخی در شب‌های ماه محرم، با تمام وجود عزاداری می‌کنند و از دل و جان برای آن حضرت می‌گریند و بر سر و سینه می‌زنند؛ اما نماز صبح آنان قضا می‌شود یا اینکه با زبانی که «حسین حسین» گفته‌اند، زبان به غیبت و تهمت می‌کشایند و بر سر پدر و مادر خود فریاد می‌زنند و یا در بیرون از هیئت‌های عزاداری، به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی چیزی به نام دین و اعتقادات برای آنها معنا ندارد. بعضی‌ها نیز به علت شدت عزاداری صدایشان گرفته و صورت آنان از گریه خیس شده، اما شب‌ها در اینترنت، دنبال مطالب و

۱. همان، س ۲۱۸۲؛ صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۲، س ۱۶۸۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، أجوبة الإستفتانات، س ۱۱۴۵؛ نوری همدانی، استفتانات، ج ۲، س ۵۴۵؛ امام خمینی، استفتانات، ج ۳، احکام نظر، س ۵۷ و ۶۵؛ تبریزی، استفتانات، س ۱۰۵۸؛ دفتر آیات عظام: وحید، بهجت و سیستانی؛ آیت‌الله مکارم شیرازی: «خیر، جایز نیست.» (مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، س ۷۶۴؛ همان، ج ۱، س ۷۸۵)

تصاویر غیراخلاقی و مستهجن هستند. عده‌ای میلیون‌ها تومان برای عزاداری سیدالشهداء علیه السلام هزینه می‌کنند، درحالی‌که هنوز حقوق واجبی همچون خمس یا زکات را پرداخت ننموده‌اند و حق‌الناس را ادا نکرده‌اند و اهمیتی به فقیران و نیازمندان پیرامون خویش نمی‌دهند.

اینها، بخشی از آدابی است که یک عزادار واقعی بایسته است به آنها توجه نشان دهد و در واقع، گفتار و کردارش باید به‌گونه‌ای باشد که سیره و منش امام حسین علیه السلام آن را تأیید کند و همسو با هدف قیام عاشورا باشد.

ویژگی‌های اخلاقی و سیاسی حضرت زینب علیها السلام

* سیده طاهره موسوی

اشاره

حضرت زینب علیها السلام از افراد تأثیرگذار در نهضت امام حسین علیه السلام بود و نقش بنیادین در مصونیت‌سازی آن داشت؛ به گونه‌ای که نام ایشان با قیام کربلا گره خورده است. تأثیر رهبری ایشان در این قیام، کمتر از تأثیر خون شهیدان نیست. از سوی دیگر، حضرت دارای خصوصیات سیاسی و اخلاقی است که از وی شخصیتی موفق ساخته است. این نوشتار می‌کوشد ویژگی‌های اخلاقی و سیاسی ایشان را بررسی نماید.

الف. ویژگی‌های اخلاقی

۱. عبادت و نیایش

حضرت زینب علیها السلام در خانه‌ای پرورش یافت که در آن، عبادت، جوهر و زینت زندگی بود و شخصیت حضرت در چنین خانه‌ای نورانی شکل گرفت. ایشان آن گونه به نماز می‌ایستاد که گویی فاطمه علیها السلام به نماز ایستاده است و چنان

مناجات می‌کرد که یاد پدر را در خاطره‌ها زنده می‌نمود.^۱ عبادت زینب ع به‌گونه‌ای بود که امام حسین ع به خواهرش فرمود: «یا اُحْتَاهُ لَانْتَسِنِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ»؛^۲ خواهرم! مرا در نماز شب فراموش مکن. این مطلب، نشان از آن دارد که این بانوی بزرگوار به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به هدف آفرینش انسان نایل شده بود.^۳ به همین دلیل بود که سختی‌ها و مصیبت‌های روز عاشورا، او را از عبادت‌های مستحبی باز نداشت؛^۴ حتی شب یازدهم نیز نماز شب خود را ترک نکرد. امام سجاده ع در این باره فرمود: «زینب ع در طول راه شام، هرگز نافله نماز شب را ترک نکرد و با تمام گرفتاری‌ها و مصائب، آن را انجام داد. شبی دیدم عمه‌ام نشسته نماز می‌خواند. وقتی علت آن را پرسیدم، گفت: نشسته نماز می‌خوانم؛ چون سه شب است که بسیار گرسنه‌ام و ضعف مرا فراگرفته است؛ زیرا ایشان سهم خود از طعام و خوراک را میان کودکان تقسیم می‌کرد...»^۵

محمدجواد مغنیه می‌گوید: «ایمان زینب، همچون ایمان رسول خدا ص بود. این سخن را از روزی مبالغه نمی‌گویم. چه دلیلی بهتر از اینکه آن حضرت در شب یازدهم محرم، نماز شب خود را ترک نکرد.»^۶

۲. حجاب و عفاف

حضرت زینب ع با الهام از قرآن و آموزه‌های مادر خویش، حجاب و

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۷۹.
۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۱۱، ص ۹۵۴.
۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب ع»، مکتب اسلام، شماره ۳، ص ۵۶.
۴. علی نقی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب ع». فصلنامه علمی تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۴.
۵. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۲.
۶. عایشه بنت الشاطیء، مع بطله الکر بلا، ص ۶۱؛ به نقل از: پیام زینب ع، ص ۵۰.

عفاف را مانند گوهر، ارزشمند می‌دانست. از این رو، حجاب و عفت، آن قدر از نگاه زینب علیها السلام اهمیت دارد که حتی در دوران اسارت نیز آن را حفظ می‌کند.^۱ علامه مامقانی می‌گوید: «زینب در حجاب و عفت، یگانه بود. از زمان پدر و برادرانش، هیچ‌کس از مردان او را ندیده بودند.»^۲

یحیی مازنی، یکی از اهالی مدینه، می‌گوید: من در شهر مدینه و در همسایگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام بوم و منزلم پهلوی خانه‌ای بود که زینب، دختر علی علیه السلام در آنجا زندگی می‌کرد. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برود، در دل شب و به همراه پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام می‌رفت. علی علیه السلام در مورد این گونه تشرّف زینب علیها السلام، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبُ؛^۳ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند.»

۳. علم و دانش

یکی از درجات والای زینب علیها السلام، مقام دانش بی‌کران است. او از خاندانی است که از کودکی، علم به آنها چشاند شده و وجودشان از آن سیراب گردیده است.^۴ ایشان دارای این جایگاه رفیع علمی بود؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام خطاب به عمه‌اش فرمود: «وَ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرٌ مُعَلَّمَةٌ فَهَمَّةٌ غَيْرٌ مَفْهَمَةٌ؛^۵

۱. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طه‌ورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۲.
۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.
۳. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۹۵۵.
۴. اعظم نوری، «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره اول، ص ۱۰۵.
۵. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۵.

بحمدالله، تو دانشمندی معلم‌نندیده و فهمیده‌ای فهم‌نیاموخته هستی.»

ابن حجر عسقلانی، زینب علیها السلام را با صفاتی چون: عاقله، خردمند و حکیم توصیف می‌کند. خطبه‌های زینب علیها السلام همراه با استدلال به آیات قرآن در مسجد ابن‌زیاد و در دربار یزید، هرکدام شاهی بر این مدعاست.^۱ همچنین، روایات بسیاری از زینب علیها السلام نقل شده است که یکی از آنها، خطبه حضرت زهرا علیها السلام است. این، در حالی است که ایشان، دختری خردسال است.^۲

برگزاری کلاس‌های درس تفسیر قرآن، یکی دیگر از نشانه‌های علم زینب علیها السلام است. زنان و دختران مشتاق دانش، به علی علیه السلام پیام فرستادند و گفتند: «ما شنیده‌ایم که دختر شما، زینب علیها السلام، همانند مادرش، زهرا علیها السلام، دارای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید، در محضرش حاضر شده، از دانش ایشان بهره‌مند شویم.» علی علیه السلام نیز اجازه داد تا دختر عالمه‌اش بانوان کوفه را آموزش دهد و مشکلات علمی آنان را حل نماید.^۳

۴. صبر و پایداری

گواهی تاریخ، نشان می‌دهد که غم‌ها و مصیبت‌های فراوانی، چون رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شهادت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام بر حضرت زینب علیها السلام وارد شده بود و ایشان در برابر همه آنها صبر و استقامت ورزید.^۴ مقاومت در برابر شداید و سختی‌ها و نشان‌ندادن ضعف در انجام وظیفه، از ویژگی‌های شایسته

۱. اعظم نوری، «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره اول، ص ۱۰۵.

۲. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۱.

۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب علیها السلام»، مکتب اسلام، سال ۴۵، شماره ۳، ص ۵۶؛ ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۷.

۴. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طهورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۰.

آن حضرت است. این توانمندی، در ایشان آن‌چنان برجسته است که در زیارت‌نامه ایشان می‌خوانیم: «وَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ؛^۱ فرشتگان آسمان، از صبر تو به شگفت آمدند.»

ریشه این توانمندی، چند چیز است: نخست اینکه وی درک بالایی از خدا داشت و به او عشق می‌ورزید و رضایت حق را در صبوری می‌دید. برای رضای خدا، سختی‌ها را تحمل می‌کرد و از حوادث جانکاه پیش آمده، هیچ گلایه‌ای نداشت. دوم اینکه او می‌دانست رسالتش جز به صبر و مقاومت سامان نمی‌پذیرد. بی‌صبری، نشانه ضعف است که او و خاندانش از آن مبرا هستند. سوم آنکه حضرت، قیام و شهادت و اسارت در راه خدا را مسیر هدایت خود می‌دید و آن را با تمام وجود باور داشت و می‌دانست پیامدهای صبوری او - یعنی هدایت مردم و انجام وظیفه الهی - در برابر این شداید چقدر گران‌بهاست.^۲

بنابراین، می‌توان گفت زینب علیها السلام، الگوی تمام‌نمای صبر است؛ زیرا در سخت‌ترین لحظات، سر تسلیم و رضا برای خداوند فرو آورد و بردباری را پیشه خود ساخت و شگفتی همگان را برانگیخت.^۳

ب. ویژگی‌های سیاسی

۱. رهبری قیام

نهضت کربلا، دو مرحله داشت که مرحله اول آن را، امام حسین علیه السلام رهبری نمود و در این رهبری نیز بسیار موفق بود. حضرت دعوت مردم کوفه را اجابت

۱. ابن‌مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۰۹.

۲. علی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام»، فصلنامه علمی تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۵.

۳. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طهورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۴.

کرد و ایام حج از مکه خارج گردید. همچنین، خطرات بنی‌امیه را به مردم گوشزد نمود و با آنان اتمام حجت کرد و همگان را از اهداف خود آگاه ساخت. این امور، در فرهنگ‌سازی نهضت امام بسیار مؤثر بود.

مرحله دوم رهبری نهضت، بر عهده زینب علیها السلام است. مهم‌ترین وظایف زینب علیها السلام پس از عصر عاشورا، پیام‌رسانی، سرپرستی اهل‌بیت امام و پاسداری از نهضت و رساندن پیام «هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ» برای جهانیان بود. ایشان نیز در رهبری نهضت، بسیار شایسته عمل کرد؛ زیرا تهدیدها را تبدیل به فرصت نمود و رسالت خود را با موفقیت به پایان رساند.

سرّی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند اگر زینب نبود

بنابراین، بعد از شهادت امام و یارانش، رهبری قیام را یک زن به عهده می‌گیرد؛ درحالی‌که طرف مقابل او، مرد قرار دارد. این امر، در طول تاریخ بی‌سابقه است. معمولاً آنچه در تاریخ اتفاق افتاده، این است که رهبران نهضت‌ها مرد بودند. از سوی دیگر، زینب علیها السلام در حالی رهبری نهضت را عهده‌دار می‌شود که کسی جز اهل‌بیت اسیرشده، او را همراهی نمی‌کنند.

مهم‌تر از همه اینکه این زن، یزید قدرتمند را شکست می‌دهد؛ زیرا بعد از خطبه زینب علیها السلام در کوفه و نیز خطبه امام سجاد علیه السلام در شام، افکار عمومی تغییر نمود و مردم فهمیدند که یزید چه جنایتی را مرتکب شده است. از این‌رو، خود یزید اظهار ندامت و پشیمانی کرد که چرا دست به چنین جنایتی زده است.

مطلب دیگر اینکه این رهبری حضرت، در حال اسارت و در قید و بند دشمن صورت می‌گیرد و این خود، هنر و شاهکار زینب علیها السلام است.

۲. فرهنگ‌سازی سیاسی

یکی از راهبردهای زینب علیها السلام، رشد و بلوغ سیاسی جهان اسلام بود. حضرت باید اندیشه سیاسی مردم را نهادینه‌سازی می‌کرد؛ زیرا دشمن در صدد تحریف عاشورا و سرپوش نهادن بر جنایات خود بود. اگر سیاست‌های راهبردی ایشان نبود، دشمن پرونده کربلا را برای همیشه مختمه اعلام می‌نمود. همان دشمنی که جواز قتل امام را صادر کرده و حجت خدا را کشته بود، می‌توانست نهضت حسینی را تحریف نماید. از این رو، زینب علیها السلام بزرگ‌ترین رسالت خود را در قالب دعا، خطبه و عزاداری ادامه داد و این‌گونه، مردم کوفه و شام را از خواب غفلت بیدار نمود و این، مهم‌ترین عامل مصونیت‌بخشی قیام امام بود؛ البته حضرت زینب علیها السلام این امر را نخست از کوفه آغاز نمود.

نهادینه‌سازی رشد سیاسی در کوفه: سپاهیان دشمن بعد از شهادت امام و یارانش، اهل بیت علیهم‌السلام را وارد شهر کوفه کردند. هنگامی که کاروان اسیران به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه به تماشای آنان آمدند.

زینب علیها السلام بر آن بود تا کوفیان را آگاه کند. از این رو، با شجاعتی علی‌گونه بر مسند خطابه قرار گرفت و فرمان سکوت داد و ایستاد. ناگهان نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد.^۱ سپس، فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، أَمَا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْخَنْدَلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هَدَاتِ الزَّفْرَةَ إِنَّمَا

۱. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۶؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۴۰.

مَتَّكُمُ كَمَثَلِ النَّبِيِّ نَقَضَتْ عَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثَا...^۱ ستایش، از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکوکارش. ای مردم کوفه! مردمان حيله‌گر و خیانتکار! گریه می‌کنید؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله‌هایتان آرام نگیرد! کار شما، مانند آن زنی است که رشته‌های بافته‌شده خود را پنبه می‌کند. به خدا سوگند! باید گریه کنید، دامان خود را به ننگی آلوده‌اید که پلیدی آن را تا ابد نتوانید شست. چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا، خاتم پیامبران، معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدايید؟ آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران باعفت و باوقاری را از خاندان او به کوچه‌وبازار کشانده‌اید؟ چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟ و چه حرمتی از او شکسته‌اید؟»

محورهای خطبه

۱. حضرت در ابتدای خطبه، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعبیر به «پدر» می‌کند و با انتخاب این کلمه، نسبت خویش را با پیامبر روشن ساخت؛ تا همه بدانند که این قافله، از کدام طایفه است.
۲. سپس، مردم را به ضعف آنان (پیمان‌شکنی) آشنا نمود.
۳. حضرت با بیان صفاتی همچون: «درمان دردها»، «چراغ راه امت» و «پناهگاه جمع»، به معرفی شخصیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پرداخت تا بار دیگر مردم با امام عَلَيْهِ السَّلَام آشنا شوند و اینکه او، نه تنها خارجی نیست، بلکه فرزند علی و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَام است.
۴. آنگاه، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و خانواده پیامبر را معرفی کرد؛ تا به آنان بفهماند که

۱. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۴.

با شهادت امام و اسارت اهل بیت علیهم السلام، چه جنایات هولناکی مرتکب شده‌اند. سخنان حضرت، افکار عمومی را تغییر داد و مردم کوفه به شدت تحت تأثیر خطبه زینب علیها السلام قرار گرفتند؛ تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان، موهای خود را افشان نموده، خاک بر سر و روی خود می‌ریختند. سخنرانی زینب علیها السلام در کوفه، سبب شد که مردم کوفه در صدد قیام علیه یزید برآمدند و از جمله نتایج آن، قیام توأین بود.

۳. شجاعت سیاسی

یکی از ویژگی‌های سیاسی زینب علیها السلام، شجاعت سیاسی ایشان است. حضرت در رهبری سیاسی نهضت، نشان داد که در برابر ظلم نباید زانوی غم در بغل گرفت. او شعار معروف برادرش «هیهات منّا الذّلة» را در کربلا، کوفه و شام به نمایش گذاشت و در واقع، شجاعت سیاسی حضرت، در برابر ابن‌زیاد و یزید به اوج خود رسید؛ چنان‌که حضرت این دو را تحقیر نمود و عملکرد آنان را به چالش کشاند.

سخنی در مجلس عیدالله‌بن‌زیاد: عیدالله‌بن‌زیاد مجلس جشنی در کوفه برقرار کرد و دستور داد سرهای شهیدان را آوردند. سپس، بازماندگان شهیدان از جمله اهل‌بیت را وارد کردند. «هنگامی که زینب به مجلس پسر زیاد وارد می‌شد، پست‌ترین لباس را به تن داشت و صورتش را با آستین پوشانده بود.»^۱ توجه ابن‌زیاد به او جلب شد و پرسید: «این زن کیست؟ یکی از دختران پاسخ داد: «هَذِهِ زَيْنَبُ بِنْتُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ.» ابن‌زیاد گفت: «شکر خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و افسانه شما را دروغ نمود!»

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۵.

زینب علیها السلام در پاسخ فرمود: «ستایش برای خدایی است که ما را به وجود پیامبرش گرامی داشت و ما را از پلیدی پاک ساخت. فاسق، رسوا می‌شود و فاجر، دروغ می‌گوید و او، غیر از ماست و ستایش، مخصوص خداست.» ابن‌زیاد پرسید: «رفتار خدا با برادر و خاندان خود را چگونه دیدی؟» زینب علیها السلام پاسخ داد: «اینان مردمی بودند که خداوند کشته‌شدن را برای آنان مقرر نموده بود و آنان نیز به آرامگاه خود شتافتند؛ ولی [بدان که] به‌زودی خدا میان تو و ایشان جمع می‌کند و تو را بازخواست می‌کند. پس، نگران باش که در آن روز، پیروزی از آن کیست!»^۱

این‌گونه، زینب علیها السلام در دارال‌اماره، ابن‌زیاد را کوچک شمرد و توان سخن‌گفتن را از پسر زیاد گرفت.

نهادینه‌سازی رشد سیاسی در شام: سیدبن طاووس می‌نویسد: زنان و بازماندگان اهل بیت را درحالی‌که به ریسمان‌ها بسته شده بودند، به مجلس یزید وارد نمودند... هنگامی که چشم زینب به سر خونین برادرش افتاد، با صدای محزون فریاد زد: «ای حسین، ای محبوب رسول خدا، ای پسر مکه و منا، ای پسر فاطمه زهرا، بانوی همه زنان جهان، و ای پسر دختر مصطفی!»^۲ راوی گوید: به خدا سوگند که با این ندای زینب علیها السلام، تمام کسانی که در مجلس بودند، گریستند.

سپس، زینب علیها السلام از جا برخاست و بعد از حمد الهی فرمود:

«أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ... ؛ ای یزید! آیا اکنون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی،

۱. همان.

۲. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۱.

می‌پنداری ما نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی؟ و تصور کردی این نشانه قدر و منزلت تو نزد خداست؟ از این رو، باد غرور به بینی انداختی و به خود بالیدی و از اینکه دیدی دنیا در کمند تو درآمده و امور تو سامان یافته و مُلک و خلافت ما در اختیار تو قرار گرفته، شادمان شدی؟ کمی آهسته‌تر! آیا سخن خداوند را فراموش کردی که فرمود: «آنها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند]، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است. ما به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای است.»^۱

«أَمِنَ الْعُدْلُ يَا بْنَ الطُّلَقَاءِ ... ؛ ای پسر آزادشده‌ها! آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده‌ها بنشانی؛ ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر کرده و به این سو و آن سو بکشانی و درحالی که پرده حرمت آنان را دریده و چهره‌های آنان را در معرض دید مردم قرار داده‌ای، آنها را توسط دشمنان در شهرهای مختلف بگردانی تا مردم هر کوی و برزن به تماشای آنان بنشینند و افراد دور و نزدیک و پست و شریف، به چهره‌هایشان چشم بدوزند؛ با آنکه همراه آنان، مردان و حامیانشان نبودند؛ [ولی چه سود از این سخنان؛ زیرا] چگونه می‌توان به حمایت و مراقبت آن کس امید داشت که [مادرش] جگر پاکان را به دهان گرفته و گوشتش از خون شهیدان روییده!»

«اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَأَنْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا، ... ؛ خدایا! حق ما را بستان و از ستمگران بر ما، انتقام بگیر و خشمت را بر آن کس که خون ما را بر زمین ریخت و حامیان ما را کشت، فرو فرست. به خدا سوگند! [با این جنایت]، جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی و در حقیقت، خود را نابود کردی.

به یقین، با حمل باری که - از ریختن خون فرزندان رسول خدا و هتک حرمت آن حضرت در ارتباط با خاندان و جگرگوشه هایش - بر دوش داری، بر رسول خدا وارد خواهی شد. در آنجا خداوند آنان را گرد خواهد آورد و پریشانی آنان را برطرف خواهد ساخت و داد آنها را بستاند؛ «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده اند، مرده اند؛ بلکه زندگان جاویدند و نزد پروردگارشان روزی می خورند.»^۱

در شام، زینب علیها السلام که به ظاهر اسیر بود، با قدرت سخنوری اش دشمن را به اسارت گرفت و پُرصلابت ظاهر شد؛ آن چنان که تیغ زبان زینب علیها السلام، همه آنچه یزید تنیده بود، از هم گسست و چهره واقعیت را نمایان ساخت. یزید که در برابر افشگری های اهل بیت علیهم السلام درمانده بود، برای حفظ موقعیت پوشالی خود، راهی جز خشونت ندید. از این رو، چند بار به قتل امام سجاد علیه السلام فرمان داد؛ ولی چون این کار را به زیان خود دید، از آن چشم پوشید.

محورهای خطبه زینب علیها السلام

۱. تحقیر یزید: حضرت، یزید را با عنوان «فرزند طلقا» (يَا بَنَ الطَّلَقَاءِ)، خطاب نمود. این سخن، اشاره به داستان فتح مکه دارد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر مشرکان مکه منت گذاشت و آنان را آزاد کرد. همچنین، حضرت یزید را «فرزند زن جگرخواره» خطاب نمود که اشاره به کار زشتی است که هند، در جنگ اُحد بعد از به شهادت رسیدن حمزه انجام داد؛ یعنی جگر حمزه را به دندان کشید.
۲. یادآوری «سرنوشت ظالمان»: زینب علیها السلام با تلاوت آیه ۱۰ سوره روم: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ...»، یزید را ستمکار معرفی کرد و در واقع، به عاقبت دردناک ستمگران اشاره نمود.

۱. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۵ و ۲۲۱.

۳. پوشالی دانستن قدرت یزید: زینب علیها السلام یزید را شایسته سخن گفتن ندانست و این‌گونه نشان داد که او آن‌قدر در چشمش کوچک است که حتی لیاقت تحقیر را نیز ندارد.

۴. ارزش شهادت: زینب کبری علیها السلام، شهادت را نقطه اصلی قیام اسلامی قرار داد و آن را رمز پیروزی عاشوراییان دانست. او با تلاوت آیه ۱۲۲ آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا...»، خواست بر همگان ثابت کند که در منطق حسین علیها السلام، شکست راه ندارد. مرگ در راه خدا و پیروزی ظاهری، هر دو به معنای پیروزی است.

۵. جاودانگی قیام: زینب کبری علیها السلام با اشاره به آینده قیام حسینی، فرمود: «ای یزید! هرچه می‌توانی در راه دشمنی ما مکر نما. به خدا قسم که نمی‌توانی نام ما را از خاطره‌ها محو نمایی و فروغ وحی ما را خاموش سازی و از این راه، به آرزوی نهایی خود برسی!» که سر انجام، پیروزی از آن ماست. هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم، دوام ما

ازدواج دیر هنگام؛ عوامل و راه حل‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم حسینی*

اشاره

در خصوص ازدواج جوانان، بارها بحث شده است؛ ولی یکی از موضوع‌هایی که نیاز به بازخوانی بیشتر دارد، ازدواج دیر هنگام می‌باشد؛ زیرا این امر، موجب بروز مشکلات فردی و اجتماعی فراوانی گردیده است و این، در حالی است که اسلام سفارش نموده جوانان زودتر ازدواج نمایند؛ زیرا این امر، پاکدامنی، ارزش‌مداری و حفظ دین را در پی دارد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «هرکس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند، به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد.»^۱ همچنین، حضرت فرمود: «مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَقُولُ يَا وَيْلَاهُ عَصَمَ هَذَا مِنِّي ثَلْثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدَ فِي الثُّلْثِ الْبَاقِي؛^۲ هرکس در آغاز جوانی ازدواج کند، شیطانی که مأمور

* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

اوست، فریاد می‌زند: ای وای! او دو سوم دینش را از دسترس من حفظ کرد و یک سوم دیگر را هم می‌تواند با تقوا حفظ کند.»

این نوشتار، می‌کوشد موانع ازدواج و راه حل‌های آسان‌سازی آن را بررسی نماید که در محورهایی چند سامان یافته است.

۱. مشکلات اقتصادی

ترس از مخارج زندگی و تنگدستی، باعث می‌شود تا بسیاری از جوانان ازدواج نکنند یا به‌نوعی از آن سر باز زنند؛ زیرا هراس دارند که نتوانند در آینده، زندگی خود و همسر و فرزندان‌شان را تأمین کنند. طبیعی است، هر جوانی تمایل به ازدواج دارد؛ ولی بسیاری از آنها این عذر را می‌آورند که مخارج عقد، عروسی، تهیه منزل و لوازم زندگی را نداریم. با این بهانه‌ها، بهترین اوقات جوانی را در حال تجرد به سر می‌برند و هرچه برای آنان دلیل و آیه و روایت می‌آوریم که روزی دست خداست و او به متأهلان قول داده که به فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌کند^۱، قبول نمی‌کنند و می‌گویند: مشکلات اقتصادی، این فرصت را از ما گرفته است؛ افزون بر آن، شاید آیات و روایات اسلامی، فقط ناظر بر زمان رسول خدا ﷺ باشند!

راه حل:

لازمه بهانه این افراد، آن است که - نعوذ بالله - بگوییم کلام خدا یا اهل

۱. نور، آیه ۳۲: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید؛ همچنین، غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند، گشایش‌دهنده و آگاه است.»

بیت علیه‌السلام، برای دوران خاصی بوده است؛ درحالی‌که قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام، برای همه عصرهاست. اتفاقاً در زمان پیامبر هم جوانانی بودند که از شدت فقر و تنگدستی به حضرت پناه می‌آوردند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان پیشنهاد ازدواج می‌داد تا خداوند به آنها وسعت رزق دهد و از فقر نجات یابند؛ «**الْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالنِّكَاحِ**»^۱

از طرفی، می‌توان از خرج‌های اضافی چشم‌پوشی کرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «جوانان می‌گویند: اگر ازدواج کنیم، بعدش چه کار کنیم؛ برای خانه، برای شغل و مانند اینها؟ این موارد، قیودی هستند که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. خدای متعال وعده داده که آنها را کفایت خواهد کرد. ازدواج در وضع معیشت انسان، دشواری خاصی به وجود نمی‌آورد؛ بلکه به عکس، خداوند از فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌کند. بله، این ما هستیم که برای خودمان به جای خرج، برج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم که البته مشکل پیش می‌آید.»^۲

۲. ازدواج‌های ناموفق

شکست در زندگی، همیشه برای آدمی دغدغه‌آفرین است. به همین دلیل، بسیاری از انسان‌ها ترجیح می‌دهند تا کمتر تجربه کنند و کسانی که خویش را شکست خورده می‌پندارند، سعی می‌کنند کمتر خود را درگیر مشکلات نمایند. بعضی افراد نیز در زندگی خود و با اطرافیان، تجربه شکست ازدواج را داشته‌اند. همین امر، هراس و دید منفی نسبت به ازدواج در آنها ایجاد نموده است و در نتیجه، به بهانه‌های مختلف، از ازدواج طفره می‌روند. از سوی دیگر، آمار

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۲. محمدجواد علی‌اکبری، مطلع عشق، ص ۱۱۸.

طلاق‌های به‌وجودآمده، این نگرانی را افزایش داده است.

راه‌حل:

نداشتن اعتماد به نفس در شخص، مهم‌ترین عامل ترس از شکست و سرزنش دیگران است. همین ضعف اعتماد به نفس و ترس، سبب می‌شود تا در زندگی خطرپذیر نباشند و همیشه از دست‌زدن به کارهای بزرگ خودداری کنند؛ اما انسان‌های موفق، علاوه بر احتیاط، همیشه دل به دریا زده، در طول زندگی خود خطرات را با جان و دل پذیرفته‌اند. به گزارش هافینگتن پست، شبکه خبری آنلاین در آمریکا: «خطرکردن، بخشی از زندگی روزمره انسان‌ها، از لحظه تکامل آنهاست. اگر در آن روزها اجدادمان قدرت خطرکردن نداشتند، هرگز نمی‌توانستند به بقای خود ادامه دهند و نسل انسان منقرض می‌شد. این توانایی بشر، موجب شده او به جامعه پیچیده امروزی دست یابد؛ دورانی که انسان علاوه بر تداوم حیات، به موهبت‌های دیگری چون: عشق، پول و قدرت نیز دست یافته است.»^۱

در هر شکستی، فرد بیشتر از خود تجربه، از سرزنش‌های دیگران می‌ترسد و همین ترس از شماتت‌ها، باعث می‌شود تا از خطرپذیری دوری کند؛ در صورتی که راه رسیدن به هدف، آن است که در این راه بی‌مهابا پیش برویم. امام علی علیه السلام در سفارشی به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّا تَمُّ يَكْفِيكُمْ مَنْ أَرَادَكُمْ وَيَعَى عَلَيْكُمْ»^۲ در راه خدا، از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نهراسید تا هرکه قصد بد یا ستم به شما دارد، از شما منصرف شود.»

۱. پایگاه خبری تابناک، «تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۲/۱»، کد خبر: ۳۸۰۴۶۹.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۹.

اگر یک نفر ازدواج ناموفق داشت، به معنای آن نیست که دیگران هم در این امر دچار شکست خواهند شد. جهت‌رهایی از این ترس، باید به کسانی فکر کنند که انتخاب درست و خوب داشته، زندگی بسیار موفق و شادابی دارند. امروزه، شاهد صدها ازدواج موفق هستیم که می‌تواند الگوی خوبی برای ما باشد. البته اقدام به ازدواج، به معنای عدم دقت و احتیاط نداشتن نیست؛ زیرا توجه و آینده‌نگری، از جمله لوازم یک ازدواج موفق به شمار می‌رود؛ اما صرف شکست فلان فرد، نباید سبب گردد که ازدواج را به تأخیر بیندازیم.

۳. مسئولیت‌گریزی

خداوند هیچ‌یک از موجودات را در جهان بیهوده نیافریده است؛ بلکه برای همه آنها مقصدی را معین نموده است تا با تلاش و کوشش به سرمنزل مقصود برسند؛ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ؛^۱ ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست، از روی بازی نیافریدیم.»

از جمله عواملی که می‌تواند به هر انسانی، در رسیدن به کمال کمک کند، ازدواج و انتخاب شریک مناسب برای زندگی است؛ زیرا این امر، موجب حفظ دین و کمال می‌گردد؛ اما متأسفانه، مسئولیت‌گریزی بعضی از جوانان، سبب می‌شود که به شکلی از ازدواج سر باز زنند. عواملی همچون رفاه‌طلبی و ترس از محدود شدن آزادی فردی نیز باعث شده که بسیاری از پذیرش ازدواج روی گردان باشند و همچنین تبعات آن، مانند: قبول مسئولیت اداره زندگی، برآوردن خواسته‌های همسر و تربیت شایسته فرزند، موجب گردیده که آنان از گام نهادن در این مسیر منصرف شوند.

راه‌حل:

وجود مسئولیت، در لحظه‌لحظه زندگی، حقیقتی غیرقابل انکار است؛ چنان‌که آیات قرآن با صراحت به آن اشاره دارد و با سخن از رستاخیز انسان‌ها و لحظات پاسخگویی افراد، می‌فرماید: «وَقَفُّوهُمْ إِنِّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۱ آنها را نگاهدارید که باید بازپرسی شوند.»

بدیهی است، چنانچه انسان به طور مستقیم وارد عرصه زندگی نشود و با مشکلات آن دست و پنجه نرم نکند، نمی‌تواند از خامی به درآید و به موجودی مفید تبدیل شود. خانواده، بهترین میدان عمل در رویارویی با دشواری‌ها و مسائل جدی زندگی است. اگر نبرد و مبارزه با مشکلات در زندگی انسان نباشد، روح او رشد نمی‌کند؛ چنان‌که جسم انسان، اگر سختی نکشد و از کار و حرکات سنگین کناره‌گیری کند، رفته‌رفته کم‌طاقة و ضعیف می‌شود.

۴. مهریه‌های سنگین

تعیین مهریه‌های سنگین و نجومی، چند سالی است که مانع ازدواج گردیده است. برخی با این توجیه که مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته و یا به این باور که مهریه زیاد، ضامن حفظ و استمرار پیوند زناشویی است، مهریه‌های سنگینی را معین می‌کنند؛ اما افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که این کار نمی‌تواند ضامن خوشبختی عروس و داماد باشد. بر اساس یک تحقیق، ۷۸ درصد جوانان، مهریه سنگین را موجب گریز از ازدواج می‌دانند.^۲

راه‌حل:

همان‌طورکه اشاره شد، مهم‌ترین دلیلی که خانواده‌ها برای قرار دادن

۱. صفات، آیه ۲۴.

۲. پایگاه اینترنتی جام جم آنلاین، شماره خبر: ۱۰۰۰۰۴۱۷۲۰۹۱.

مهریه‌های زیاد اعلام می‌کنند، این است که مهریه سنگین، موجب دوام و ثبات زندگی می‌شود و مانع از این می‌شود که مردها به راحتی زن را طلاق دهند. این دلیل، قابل پذیرش نیست؛ زیرا مهریه زیاد، ضامن دوام زندگی افراد نیست؛ چراکه اگر این‌گونه بود، زندگی‌هایی که بر پایه مهریه زیاد استوار شده، نباید به هیچ‌وجه منجر به طلاق شود؛ درحالی‌که امروزه مصادیق و نمونه‌های مختلفی از این نوع طلاق‌ها را شاهدیم.

واقعیت، آن است که صداقت و محبت دو طرفه، بهترین وسیله برای حفظ و دوام زندگی است. از سوی دیگر، تجربه ثابت کرده است که تعیین مهریه سنگین از سوی دختران، نخستین بذریعۀ اعتمادی را در خانواده می‌پاشد. بر اساس دستورات دینی، ازدواج آسان، تنها راهکار فایده‌آمیز بر معضل مهریه‌های سنگین است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ»^۱ بهترین مهریه، سبک‌ترین آن است.» همچنین، حضرت فرمود: «إِنَّ مِنْ أَيْسَرِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خَطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا»^۲ از مبارکی زن، این است که راحت خواستگاری شود و مهریه‌اش سبک باشد.» همچنین، می‌فرماید: «تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ؛ إِنَّ الرَّجُلَ لِيُعْطِيَ الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً»^۳ در مهریه آسان بگیری؛ زیرا مرد، کابین [سنگین] زن را می‌دهد؛ اما [این امر] در دلش نسبت به او کینه و دشمنی ایجاد می‌کند.»

در اینجا ممکن است گفته شود که زمانه تغییر کرده و اکنون در هزاره سوم هستیم و رسم و رسوم آن دوران، به ما ربطی ندارد. در پاسخ باید گفت: دوران

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۶۷.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. محمود بن عمر زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۲۱.

پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌توان از این مشکلات دست‌وپاگیری که اینک گریبان‌گیر جامعه اسلامی شده، استثنا کرد؛ زیرا در آن دوران نیز ثروتمندان و قدرتمندان، مراسم عروسی پُرتشریفاتی برپا می‌کردند و دختران خود را به افرادی ترویج می‌نمودند که از قدرت و امکانات مالی برخوردار باشند و از عهده انتظارهای آنها برآیند؛ ولی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با این رسوم موهوم مبارزه کرد و دختران ثروتمند را به مردان بی‌بضاعت، و یا دختران فقیر را با مردان بامکت ترویج نمود.^۱

قتل مادرزن به دلیل مهریه زیاد: ماجرا از این قرار بود که مرگ مشکوک زنی در یک کلبه در تالش به پلیس محل اعلام شد و در ادامه، تیمی از مأموران در محل حاضر شدند و در بررسی‌های اولیه دریافتند که زن ۵۲ ساله بر اثر اصابت گلوله اسلحه شکاری، به قتل رسیده است.

در تحقیقات مشخص شد، دختر مقتول چندی پیش به علت اختلافاتی که با همسرش بر سر مهریه داشته، او را به زندان انداخته بود و یگانه مظنون موجود در این پرونده، همسر او بود. به همین جهت، دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت و بالاخره در بازجویی‌ها راز این جنایت کشف شد و گفت: وقتی همسر مرا به خاطر مهریه به زندان انداخت، از او و خانواده‌اش کینه به دل گرفتم و در طول مدتی که در زندان بودم، به دلیل مهریه سنگینی که خانواده همسر بر من تحمیل کردند، فقط به انتقام فکر می‌کردم و پس از آزادی، به خانه پدرم رفتم و اسلحه شکاری او را برداشتم و به خانه مادرزنم رفتم. او در خانه تنها بود؛ با هم درگیر شدیم که در یک لحظه، کنترلم را از دست دادم و با شلیک گلوله او را کشتم.^۲

۱. گروهی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۵۹.

۲. پایگاه خبری تحلیلی حقوقی کشور؛ حقوق نیوز، «تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۱۴»، کد خبر: ۱۶۶۴.

۵. بی‌بندوباری

دنیای مدرن، انسانی را پرورانده است که اصل در زندگی او، لذت‌بردن و بهره‌مندی فردی و ارضای خواسته‌های شخصی است. بی‌بندوباری جنسی و فراهم‌بودن کامجویی‌های جنسی برای مردان و زنان، یکی از نابهنجاری‌های هر جامعه‌ای است که نابودی خانواده‌ها را هدف گرفته است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند، روابط آزاد دختر و پسر، نیاز به ازدواج را در جوانان کم‌رنگ کرده است؛ زیرا برخی جوانان برای ارضای غرایز جنسی خود، به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند و در نتیجه، وجود زمینه‌های انحرافی و روابط آزاد دختر و پسر، یکی از عوامل افزایش سن ازدواج می‌باشد؛^۱ چراکه ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی و کامجویی‌ها می‌دانند؛ درحالی‌که در زمان تجردشان، بی‌هیچ تعهد و محدودیتی می‌تواند به هوسرانی پرداخته، با هر شخص یا اشخاصی که بخواهند، می‌توانند رابطه برقرار نمایند.

راه‌حل:

درست است که ازدواج، انسان‌ها را محدود کرده، نسبت به زندگی متعهد می‌نماید، ولی این محدودیت، در واقع، نعمت الفت و پیوند نسبی است که خداوند به انسان هدیه داده است؛ مثل اینکه یک فوتبالیست وقتی وارد زمین چمن می‌شود، به تبع، محدودیت‌هایی از قبیل خط‌های داور و خط‌انگشتن را باید تحمل کند؛ اما این امر، محدودیت غیرمنطقی نیست؛ بلکه لازمه یک بازی سالم و قانونی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند ازدواج را مایه پیوند نسبی و یک تکلیف قرار داد و با آن، ارحام را به هم پیوست.»^۲

۱. غلامحسین سفیدگران، بررسی مسائل و مشکلات زنان، ص ۶۳۲.

۲. سید مرتضی فیروزآبادی، فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۳۴.

از طرفی، خیلی ساده‌انگاری است که درباره ازدواج این‌گونه فکر کنیم و در همه مسائل، فقط قسمت خالی لیوان را ببینیم.

۶. وسواس در انتخاب همسر

دقت در انتخاب همسر مناسب و هم‌شان برای زندگی مشترک، کار پسندیده و نیکویی است که انسان برای شریک زندگی خود انجام می‌دهد. اگر قرار است سال‌ها با کسی زندگی کند، باید شخصی را برگزیند که از جهات اخلاقی، فکری و فرهنگی مورد تأیید باشد. همین امر، باعث سختگیری افراد در انتخاب همسر می‌شود. این دقت و سختگیری، تا آنجا که به سلامت و سعادت زندگی بینجامد، سازنده و سرنوشت‌ساز است؛ اما این کار نباید از حد متعادل خارج شود و سبب بروز وسواس در انتخاب همسر شود؛ چراکه حساسیت و سختگیری بیش از حد، موجب بیزاری از ازدواج و تأخیر در آن خواهد شد.

راه‌حل:

وسواس، در واقع، فکر یا تصویری است که باوجود اراده انسان، به هوشیاری (ذهن) وی هجوم می‌آورد، شاکله روانی آدمی را تحت سیطره خود قرار داده، اضطراب گسترده‌ای را در او برمی‌انگیزد.^۱ وسواس، به دو گونه است: وسواس در رفتار و عمل، و وسواس در تصمیم‌گیری و انتخاب. وسواسی که جوانان در ازدواج درگیر آن هستند، تصمیم‌گیری نسبت به همسر آینده است؛ به‌گونه‌ای که فرد در همه جنبه‌های زندگی دچار تردید می‌شود و همین امر، باعث اختلال و اشکال در تصمیم‌گیری او می‌گردد. این گونه افراد، فقط به دنبال انتخاب همسری ایده‌آل و آرمانی هستند و اگر شخصی فقط در یکی از ملاک‌ها از حد معیارشان

۱. پریخ دادستان، روان‌شناسی مرضی تحولی، ج ۱، ص ۱۴۷.

کمتر باشد، از خیر آن می‌گذرند؛ غافل از اینکه گل بی‌عیب، وجود ندارد و هرکسی به‌نوبه خود کاستی‌هایی دارد. آرزو و رؤیاهای پوچ، مانع از درست فکرکردن و انتخاب صحیح هر جوانی در امر ازدواج می‌شود. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «**الْأَمَانِي تَغْمِي عِيُونَ الْبَصَائِرِ**»^۱ آرزوها، چشمان بینای انسان را کور می‌کند.» این‌گونه افراد، به دلیل وسواس زیاد، قادر به انتخاب نیستند و آن قدر این وسواس ادامه پیدا می‌کند که باعث می‌شود انسان همیشه مجرد بماند و یا مجبور به ازدواج با کسی شود که بدترین گزینه است.

بهترین راه حل برای چنین افرادی، آن است که معیار و ملاک صحیحی برای انتخاب داشته باشند تا هیچ‌وقت دچار سرگردانی و اشتباه نشوند و همچنین، از سختگیری‌های بیش از حد بپرهیزند؛ چراکه به هیچ‌وجه نمی‌توانیم انسانی را بیابیم که از هر لحاظ کامل باشد.

۷. ازدواج تحمیلی

پدر و مادر، خیر و صلاح فرزندان را می‌خواهند و هرچه درباره فرزندان خود می‌گویند و هر تصمیمی که می‌گیرند، در راستای همین خیرخواهی و صلاح‌اندیشی آنهاست؛ متأسفانه، برخی والدین با خودخواهی یا نادانی، تیشه به ریشه فرزندان را می‌زنند و با نظرهای ناصواب و دخالت‌های بیجا در عرصه‌های مختلف، موجبات تباهی فرزندان خود را فراهم می‌سازند. از جمله این دخالت‌ها، در موضوع انتخاب همسر نمود پیدا می‌کند؛ یعنی خواسته‌ها و نظر فرزند خویش را نادیده گرفته، ازدواج دلخواه خود را به او تحمیل می‌کنند و یا هنگامی که همسر مناسبی برای فرزندشان پیدا می‌شود، با بهانه‌ها، شرط‌ها و

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵.

توقعات نابجا، مانع آن می‌شوند و همین امر، باعث ترس فرزندان از ازدواج شده، به افزایش سن ازدواج در آنان می‌انجامد.

خانمی می‌گوید: «سه ماه پیش، پدرم مرا به ازدواج مردی ۴۵ ساله درآورد؛ و حال آنکه من دختری هجده ساله هستم و هیچ نوع علاقه‌ای به او ندارم. پدرم به این دلیل که به آن مرد مقروض است و نمی‌تواند آن را بپردازد، به این کار اقدام کرده و در واقع، مرا به او فروخته است. اکنون، پس از ازدواج، علاوه بر اینکه می‌بینم مهر درست و حسابی ندارم، شوهرم نیز با من بدرفتاری می‌کند و به علت سن زیادش، دوستانم به من سرکوفت می‌زند.»^۱

راه حل:

شارع مقدس، همان‌گونه که آزردن و ناراحتی پدر و مادر را سبب عاق شدن فرزندان شمرده، ضایع کردن حق فرزندان را نیز سبب عاق شدن والدین نسبت به فرزندان معرفی کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَايَهُمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا»^۲ چنانچه فرزند اگر حقوق پدر و مادر را به جا نیاورد، عاق پدر و مادر می‌شود، پدر و مادر نیز اگر حق فرزندشان را رعایت نکنند، عاق فرزند می‌شوند.» از جمله مواردی که باعث ظلم به فرزندان و ضایع کردن حق آنان می‌شود، این است که پدر و مادر نظر خود را در هر موضوعی، به خصوص ازدواج، به فرزندان تحمیل کنند. امام علی علیه السلام خطاب به پدران و مادران می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»^۳ آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۳۰۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

فشار به فرزندان خود تحمیل نکنید؛ چراکه آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.» ابن‌ابی‌یعفور به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم علاقه دارند زن دیگری را به همسری خود درآورم. حضرت فرمود: «زن دلخواه خودت را بگیر و آن را که والدینت می‌خواهند، ترک گوی.»^۱

۸. تشریفات و تجملات

مانع دیگر، رواج تجملات در مراسم ازدواج است. در حال حاضر، در جامعه ما شرایط سختی برای جوانان پدید آمده که ازدواج‌های آسان را به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل کرده است. برخی جوان‌ها مدت‌ها عقد دائم کرده‌اند؛ اما توان برگزاری مراسم عروسی را ندارند؛ به‌خصوص که حتی برپایی یک مراسم ساده عروسی نیز هزینه سنگینی در پی دارد. به همین دلیل، سال‌ها مراسم ازدواج این افراد به تأخیر می‌افتد.

راه‌حل:

در سال‌های گذشته، بزرگ‌ترها مراسم عروسی فرزندشان را در حیاط خانه برگزار می‌کردند و با یک برنامه‌ریزی دقیق، مراسم خوبی برای فرزندان خود تدارک دیده، اسراف نمی‌کردند و برای عروس و داماد خرج اضافه نمی‌تراشیدند؛ اما در حال حاضر، به جز هزینه‌های مربوط به خواستگاری، بله‌برون و جشن نامزدی، بیشترین هزینه ازدواج، مربوط به مراسم عروسی است که شامل: لباس عروس و داماد، آرایشگاه، آینه و شمعدان، محضر، سفره عقد، خرید کردن عروس و داماد، آتلیه عکس و فیلمبرداری، کارت عروسی، چسباندن گل به ماشین و تهیه دسته‌گل عروس، اجاره تالار و باغ یا شام عروسی می‌شود؛

درحالی‌که با مدیریت صحیح بودجه و هزینه‌عروسی، می‌توان شروع بهتری را
برای زندگی مشترک به ارمغان آورد.^۱

۱. گروهی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۵۹.

ارتباط کلامی و تأثیر آن بر استحکام خانواده

مریم اسماعیلی*

اشاره

محبوب‌ترین بنا نزد خداوند، بنای خانواده است.^۱ بر این اساس، اسلام بر تشکیل و استحکام آن بسیار تأکید کرده است. این بنای مقدس، جایگاه محبت و مودت و کانون اصلی تکوین شخصیت انسان است. در اسلام، خانواده وسیله تکامل، آرامش روحی و روانی انسان به شمار می‌رود.^۲ به همین جهت، از ازدواج با افرادی که بد اخلاق هستند، نهی شده است؛ زیرا این امر، سبب تزلزل ارکان خانواده می‌شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «اِذَا جَاءَكُمْ مَن تَرَضَّوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُؤُجُوهُ وَ اِنْ لَا تَفْعَلُوْا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْاَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيْرٌ»^۳ با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج کنید و اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.»

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۱۴، ص ۳: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بِيَّ فِي الْاِسْلَامِ بِنَاءٌ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّرْوِيْحِ.»
۲. حشمت‌الله ایران‌مهر، دانستی‌های ازدواج، ص ۹۱.
۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

منظور از اخلاق نیک، تنها خنده‌رویی نیست؛ بلکه، صفات اخلاقی پسندیده است. یکی از نمودهای خوش‌خلقی، زیبایی در گفتار است که باعث ایجاد ارتباط‌های مهربانانه میان اعضای خانواده می‌گردد و در تربیت فرزندان، نقش مؤثری ایفا می‌کند. زبان، ترجمان و بیانگر احوال درون است. «از کوزه همان برون تراود که در او است.» زبان، دریچه‌ای است که محتویات درون را ظاهر می‌نماید.^۱

در این نوشتار که در طی سه محور سامان‌دهی شده، پس از بیان موضوع تأمین نیازهای عاطفی در خانواده و توجه به سلامت روان، به بررسی شیوه‌های ارتباط کلامی در خانواده می‌پردازیم.

تأمین نیازهای عاطفی در خانواده

برای تعریف نیازهای عاطفی، باید گزاره‌های دینی به‌خوبی بررسی شود. مضامین فراوانی در اسلام وجود دارد که از نیازهای عاطفی زنان در خانواده حکایت می‌کند؛ مثلاً سفارش مردان به معاشرت خوب با همسران^۲ و تأکید بر نگهداری شایسته زن مطلقه، پس از رجوع شوهر به او،^۳ دلیل بر این ادعا است. همچنین می‌توان استجاب رفتار توأم با احترام و محبت شوهر نسبت به وی را به دست آورد. با توجه به اینکه عفو و گذشت، تأثیر مستقیمی در کاهش تنش و آسیب‌های عاطفی دارد، می‌توان به اهمیت این موضوع پی بُرد؛^۴ نمونه آن، لزوم عفو و گذشت شوهر، از خطای همسر می‌باشد.^۵

۱. علی‌اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۱۱۳.

۲. نساء، آیه ۱۹: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.»

۳. بقره، آیه ۲۲۹: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ.»

۴. حسین بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۳۱-۳۲.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸.

در برخی روایات، محبت به همسر، جزء اخلاق پیامبران به شمار آمده است.^۱ روایاتی نیز به شوهران درباره اکرام همسران و بزرگداشت زنان سفارش کرده‌اند^۲ و بهترین مردان کسی دانسته شده که در تکریم همسر خود، بیشتر بکوشد.^۳ بعضی احادیث نیز به اهمیت پاکیزگی و آراستگی شوهر تأکید نموده‌اند.^۴ سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام چنین بوده است. و یا روایات دیگر، مردان را به رعایت خواست همسر در خصوص تهیه لوازم خانگی سفارش می‌کنند.^۵ البته با توجه به گزاره‌های دینی، اهتمام اسلام را درباره تأمین نیازهای عاطفی زن توسط شوهر^۶، بهتر می‌توان تحلیل نمود.

توجه به سلامت روان

سلامت جسم و روان انسان، از جمله اموری است که اسلام به آن توجه خاصی نموده است. عدم تأمین نیازهای جسمانی و روانی، اگر مدت بسیاری ادامه یابد، سبب ایجاد اختلال‌های رفتاری و بیماری‌های روان‌تنی، یعنی بیماری‌های جسمی که در اثر عوامل روانی، به‌خصوص اضطراب و نگرانی به وجود می‌آید، خواهد شد.

بر این اساس، باید گفت یکی از عوامل افسردگی زنان، نداشتن ارتباط مناسب کلامی با همسرشان می‌باشد و این مسئله، گاهی از عدم اطلاع از

۱. همان، ص ۹: امام صادق علیه‌السلام: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ.»

۲. همان، ج ۳، باب ۳۲، ص ۳۸۱، ح ۴.

۳. همان، ج ۱۵، باب ۴۹، ص ۵۸.

۴. همان، ج ۱۴، باب ۱۴۱، ص ۱۸۳.

۵. همان، ج ۳، باب ۲۳، ص ۵۶۸.

۶. حسین بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۳۲.

تفاوت‌های میان زن و مرد و آگاهی‌نداشتن از خصوصیات روحی-روانی طرفین نشأت می‌گیرد.^۱

خانواده، اولین و مهم‌ترین مکان برای رعایت بهداشت روانی است. توجه به ارزش انسان، داشتن برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌مند، توکل بر خدا، قناعت، پرهیز از اندوه و کنترل خشم، امید، مهربانی با خانواده، میان‌رویی در کارها، تفریح و شوخ‌طبعی، در شمار امور کمک‌کننده به بهداشت روانی است. آیات قرآن نیز به بهداشت روانی توجه کرده است. تأکید به ازدواج،^۲ اجتناب از روابط نامشروع،^۳ روابط صحیح با همسر،^۴ رفتار صحیح با والدین^۵ و رفتار صحیح با فرزندان^۶، از جمله این سفارش‌ها هستند.

با دقت در نکات یادشده می‌توان گفت: از جمله مسائل مؤثر در این امر، «چگونگی ارتباط کلامی» و «چگونه سخن گفتن» است.

شیوه‌های ارتباط کلامی

تردیدی نیست که ارتباط کلامی درست و مناسب، بیشترین تأثیر را در ایجاد محبت دارد و اگر نادرست باشد، از مؤثرترین عوامل برای نفرت‌انگیزی است. بنابراین، هدف از بررسی ارتباط کلامی، به دست آوردن مطالبی است که عشق و علاقه را در خانواده افزایش می‌دهد.

۱. همچون: فرار از واقعیت‌ها، خودخواهی و زیاده‌خواهی، حالت بدبینی و تهاجمی، سرسختی و لجباجت، تشویش خاطر، افسردگی و اندوهگینی و تغییر حالات و رفتار.
۲. نور، آیه ۳۲؛ نحل، آیه ۷۲؛ اعراف، آیه ۱۸۹؛ روم، آیه ۲۱.
۳. اسراء، آیه ۳۲؛ نور، آیه ۲۱؛ مانده، آیه ۵.
۴. نساء، آیه ۱۹؛ طلاق، آیه ۲.
۵. احقاف، آیه ۱۵؛ اسراء، آیه ۲۳.
۶. بقره، آیه ۲۳۳؛ لقمان، آیه ۱۷-۱۸؛ نحل، آیه ۵۹-۵۸؛ ممتحنه، آیه ۱۲.

صحبت از عشق و محبت در خانواده و راه‌های افزایش آن نیز، به این دلیل است که «عشق، قوای خفته را بیدار و نیروهای بسته و مهارشده را آزاد می‌کند... و الهام‌بخش و قهرمان‌ساز است... عشق نفس را تکمیل، و استعدادات حیرت‌انگیز باطنی را ظاهر می‌سازد. از نظر قوای ادراکی، الهام‌بخش است و از نظر قوای احساسی، اراده و همت را تقویت می‌کند.»^۱

این محبت و عشق باید دوام داشته باشد و بعد از سپری شدن دوران جوانی و از بین رفتن طراوت آن، کانون زندگی را باصفا نگه دارد.^۲ در این حالت، ارتباط کلامی درست، بسیار مؤثر خواهد بود و بر عکس، اگر ارتباط کلامی بین اعضای خانواده کاهش یابد، پیامدهای زشتی را در پی دارد. به اعتقاد کارشناسان، اعضای یک خانواده در شبانه روز باید ۲ تا ۳ ساعت با یکدیگر ارتباط کلامی و گفت‌وگو داشته باشند؛ در حالی که هم اکنون این میزان، بسیار کاهش پیدا کرده است. «کاهش گفت‌وگو و ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. نتایج یک پژوهش که در گروه آسیب‌شناسی اجتماعی در بنیاد علوم رفتاری انجام شده، نشان می‌دهد میزان هم‌کلامی والدین شاغل با فرزندان در روز، فقط ۴۹ دقیقه است! آنها به دلایلی همچون: گرفتاری‌های شغلی، مشکلات رفت‌وآمد یا تماشای تلویزیون، فقط حدود ۴۹ دقیقه در روز را با فرزندان خود سپری می‌کنند و هم‌کلام می‌شوند.»^۳ در این جا به اختصار شیوه‌ای از ارتباطات کلامی بین اعضای خانواده ارائه می‌شود:

۱. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۴۹-۵۰.

۲. علی‌اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۱۶۵.

۱. سلام

خانواده، اجتماع کوچکی است که رعایت برخی اصول، موجب استحکام آن می‌گردد؛ به عنوان نمونه، همان‌طور که سلام‌کردن در برخوردهای اجتماعی، سبب الفت و محبت است، در نظام خانوادگی نیز موجبات همدلی را فراهم می‌آورد. شاید بر همین اساس باشد که در اسلام، به سلام‌کردن تأکید خاصی شده است.^۱

در خانواده نیز یکی از راه‌های ایجاد انس و الفت و زدودن کدورت‌ها، سلام‌کردن است. از این رو، لازم است زن و مرد در اوقاتی همچون ورود به خانه یا هنگام بیدارشدن از خواب، با نشاط و انرژی به یکدیگر سلام کنند و در انجام این عمل پسندیده، بر هم سبقت بجویند. این عمل، علاوه بر ایجاد و عمق‌بخشی به انس میان زن و شوهر، رابطه عاطفی محکمی میان فرزندان و والدین نیز پدید می‌آورد. این موضوع، به گونه‌ای اهمیت دارد که پیامبر ﷺ سلام‌کردن بر کودکان را جزء سنت خود برشمرده است.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی شوهر به خانه وارد می‌شود، باید به خانواده‌اش سلام کند، پیش‌تر کفش را به زمین بزند و سرفه کند تا خانواده‌اش را از آمدن خود خبر دهد؛ مبادا چیزی ببیند که او را ناخوش آید.^۳

همچنین زمانی که کدورتی رخ می‌دهد، بهتر است زن و مرد در سلام‌کردن بر یکدیگر سبقت بگیرند. کسی که شروع‌کننده سلام است، در مبارزه با هوای نفس قدم اول را برداشته، راه را برای صلح و گذشت هموار نموده و به ترویج ارزش‌ها در خانواده همت گماشته است.

۱. نساء، آیه ۸۶: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها.»

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۰.

۳. همان، ج ۷۶، ص ۱۱.

۲. خداحافظی

از امور دیگری که میان اعضای خانواده، انس و الفت ایجاد می‌کند، خداحافظی است. شاید این امر مسئله کوچکی به نظر برسد، اما در واقع، راهکار مهمی است که نباید از آن غافل شد. مرد زمان خروج از منزل، با این واژه کوتاه و محبت‌انگیز، عواطف زن را برمی‌انگیزد و دل او را گرم نگه می‌دارد و نتیجه این عمل، محبت‌زایی و تحکیم رابطه عاطفی میان اعضای خانواده است. در مقابل، زن نیز با شوق و انگیزه بیشتر مشغول کارهای خانه می‌شود.

۳. صدازدن

هر یک از زن و مرد باید دیگری را به نامی صدا کند که او بیشتر دوست دارد. استفاده نام کامل و مورد علاقه طرف مقابل، ایجاد محبت می‌کند و چون اسلام به زن و شوهر درس محبت می‌دهد، سفارش می‌نماید که زن را با کلمه‌ای صدا بزند که او می‌پسندد. نام‌ها و عناوین از لحاظ زشتی و زیبایی و خوش آمدن و بد آمدن، در خلوت و جلوت یا در شهر و روستا، با یکدیگر فرق دارند. به هر حال، بهتر است طوری باشد که شنونده احساس افتخار کرده، میان آنها محبت، صفا و صمیمیت بیشتری ایجاد کند.^۱

برخی بر اساس سخن «تَسْقُطُ الْأَدَابُ بَيْنَ الْأَحْبَابِ»، در نوع صدازدن دقت نمی‌کنند؛ در حالی که چنین تفکری غلط است و خوب صدازدن، رفتاری عقلایی و از آداب و رسوم زندگی نیک به شمار می‌رود.^۲

امام خمینی رحمته الله علیه به خوبی این ادب را رعایت می‌نمود. ایشان در نامه‌ای که به همسرش می‌نویسد، ایشان را با تعابیری چون «عزیزم» و «قربانت» یاد

۱. همان، ص ۱۴-۱۶.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۳۴.

می‌نماید.^۱

۴. مؤدبانه و محبت‌آمیز سخن گفتن

گفت‌وگوی زن و مرد، باید مؤدبانه و محبت‌آمیز باشد؛ نه خصمانه و نفرت‌انگیز. یک مطلب را می‌توان طوری بیان کرد که شنونده پاسخ نیکو دهد و همان مطلب را می‌توان به صورتی گفت که طرف مقابل یا جواب ندهد یا جواب تندی داشته باشد.

توصیه اسلام این است که هنگام سخن گفتن با یکدیگر، جملاتی که از همه زیباتر و مؤدبانه‌تر است، انتخاب شود تا پاسخی زیبا شنیده شود. گاهی آمرانه سخن گفتن زن، حساسیت مرد را برانگیخته و نه تنها زن به خواسته‌اش نمی‌رسد، بلکه امکان به وجود آمدن برخورد لفظی و تنش هم وجود دارد. گاهی نیز ممکن است، ضمن صحبت، زن یا شوهر کلمه یا جمله‌ای بگوید که اثر بد آن تا سال‌ها در ذهن طرف مقابل باقی مانده، حتی باعث افسردگی و دلسردی از زندگی شود.

تمرین مهارت کنترل خشم، به همسران کمک می‌کند که در استفاده از کلمات، دقت لازم را مبذول دارند. البته باید توجه داشت که گاهی علاوه بر واژه‌های مؤثر در ایجاد محبت یا نفرت، حرکات دست و چشم و ابرو و آهنگ صدا نیز در این مسئله تأثیر دارد؛ مثلاً گفتن کلمه «چشم» در مقابل خواسته همسر، بسیار محبت‌آفرین و معجزه‌گر است.^۲

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... وَ أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنَنَّ الْفَعَالَ؛^۳

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۱.

۲. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ص ۴۴-۴۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۳.

با زنان خوش‌گفتار و نیکوسخن باشید تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند.»

در حدیثی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛^۱ زیبا سخن بگویند تا پاسخ زیبا بشنویند.»

و نیز حضرت می‌فرماید: «عَوَّدُ لِسَانِكَ لَيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلِ السَّلَامِ، يُكْثِرُ مُجِيبُونَ وَ يُقَلُّ مُبْغِضُونَ؛^۲ زبانت را به سخن ملایم و سلام‌کردن عادت بده تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شوند.»

امام علی علیه السلام گفتار نرم و ملایم را از نشانه‌های پرهیزکاران بر می‌شمارند.^۳ علاوه بر «نیک سخن گفتن»، «سخن نیک گفتن» هم اهمیت دارد. زن و مرد، هم در ادبیاتی که به کار می‌برند و هم در محتوای کلام باید دقت نظر داشته باشند؛ به نمونه زیر توجه شود:

خانم موقر و متینی که حدود ۳۶ سال داشت، با حالت خشم وارد دادگاه شد و درباره تقاضای طلاق گفت:

حدود دوازده سال است که با همسرم ازدواج کرده‌ام. مرد خوبی است. بسیاری از مُحَسِّنَات یک آدم کامل و دوست‌داشتنی را دارا است؛ اما هرگز نمی‌خواهد بفهمد که من همسر او و مادر دو فرزندش هستم. به خیال خودش مرد مجلس‌آرایی است؛ اما مجالس را با دست انداختن من می‌آراید. نمی‌توانید درک کنید که چه قدر زجر کشیده‌ام، اعصابم به کلی خراب شده، دائماً مجبورم به پزشک مراجعه کنم، هزار بار با شوهرم حرف زده‌ام، خواهش و التماس کرده‌ام

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۵.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۹۳.

که من همسر تو هستم، سن و سالی دارم، درست نیست که پیش آشنا و غریبه صد جور شوخی زنده و غیر دوستانه با من می‌کنی، متلک می‌گویی که دیگران بخندند و مثلاً خوش بگذرانند. من اغلب از همه خجالت می‌کشم و چون از اول شوخ‌طبع و بذله‌گو نبوده‌ام، هیچ وقت نمی‌توانم با شوهرم مقابله به مثل کنم. بنابراین، چون خواهش و تمناهای من فایده‌ای ندارد، با تمام رنج‌هایی که می‌دانم در انتظار نشسته، خواهم ساخت تا از مرد قدرشناسی که هیچ احترام مرا نگه نداشته، جدا شوم.^۱

۵. پاسخ منطقی به عیب‌جویی و دخالت‌های دیگران

ممکن است، مرد و زن از سوی خانواده طرف مقابل، مورد عیب‌جویی و بدگویی قرار گیرند که زمینهٔ دل‌سردی زن و شوهر از زندگی با یکدیگر را فراهم می‌نماید؛^۲ به این معنا که گاهی دخالت‌ها و دل‌سوزی‌های بی‌مورد - و نه راهنمایی و انتقال تجربه - در زندگی مشکل و اختلاف ایجاد می‌کند؛ گرچه این دخالت‌ها بیشتر اوقات با نیت خیرخواهانه صورت می‌گیرد، اما چون روشمند نیست، گاهی اوقات نتایج ناخوشایندی را در پی دارد.^۳ البته گاهی نیز متأسفانه برخی دخالت‌ها به منظور اهداف دیگر صورت می‌گیرد؛ به داستان ذیل توجه نمایید:

تازه‌عروسی که در پایان اولین هفتهٔ ازدواج، سوزن خورده بود، پس از عمل جراحی به خبرنگار گفت: یک هفته است با مرد ۲۴ ساله‌ای به نام... ازدواج کرده‌ام. روزی که به خانه شوهر می‌رفتم، حس می‌کردم که مانند زنان دیگر

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۴۳.

۲. مرتضی انصاری، انتخاب برتر زندگی بهتر، ص ۵۶-۵۸.

۳. حسن خسروی، زندگی سالم و ایده‌آل از نظر اسلام، ص ۹۴-۹۹.

خوش‌بخت خواهم شد؛ ولی هنوز چند روز نگذشته بود که ناسازگاری شوهر و خواهرش آغاز شد و زندگی‌ای که فکر می‌کردم برایم بهشتی خواهد بود، به جهنمی سوزان تبدیل شد. اقوام شوهر در این مدت کم، آن قدر مرا اذیت کردند که از زندگی سیر شدم و به وسیله خوردن سوزن، اقدام به خودکشی کردم.^۱

در این صورت، زن و شوهر نباید تحت تأثیر این‌گونه حرکات قرار گیرند؛ بلکه با کلامی منطقی و ادبیاتی زیبا، مانع دلگیر شدن خانواده و بی‌احترامی به آنها شده، به این‌گونه گفتارهای بی‌اساس و گاهی مملو از بدبینی، غیبت و تهمت، پایان داده و این آموزه قرآنی را مد نظر قرار دهند: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.»^۲

۶. اظهار تشکر

یکی از عوامل گرمی خانواده، تشکر زبانی از یکدیگر است. این امر، باعث ایجاد انگیزه برای انجام وظایف و نیز تقویت روحیه اعتماد به نفس در همسران، به خصوص زن که عواطف بیشتری دارد، می‌شود.

نباید تصور کرد که تأمین نیازهای اقتصادی جهت قدردانی، کافی است؛ زیرا تأثیر روانی تشکر زبانی چنان است که چیزی جایگزین آن نمی‌شود. این تصور نیز که کار بیرون منزل، وظیفه مرد بوده و به تشکر نیازی ندارد، درست نیست؛ بلکه تشکر زبانی از مرد، در روح او اثر مطلوبی گذاشته، سبب موفقیت بیشتر او می‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۱۰۲.

۲. فرقان، آیه ۶۳.

لِلذَّغَمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ؛^۱ در تورات نوشته است که سپاسگزاری کن از کسی که به تو احسان نمود و احسان کن به کسی که از تو سپاسگزاری نمود؛ زیرا اگر در برابر احسان سپاسگزاری کنی، پایدار می‌شود و اگر ناسپاسی‌اش کنی، دوام نخواهد یافت.»

اینک به نمونهٔ ذیل توجه کنید:

بانوی خانه‌دار ۲۹ ساله‌ای از تهران می‌نویسد: شوهر حق‌شناسی دارم. از صبح تا شام رنج می‌برم، زحمت می‌کشم، تمام کارهای خانه از شستن ظروف و لباس‌ها، از پختن غذا تا تزئین اتاق‌ها و بافتنی‌های لازم را برای او و فرزندان انجام می‌دهم، ولی وقتی به خانه می‌رسد، مثل این که هیچ کاری انجام نشده است. اصلاً توجهی به هیچ چیز ندارد. لباس‌های اتوشده و کفش‌های واکس‌زده او را که جلوی من می‌گذارم، یک متشکرم، یا دستت درد نکند هم نمی‌گوید. اگر من هم برایش تعریف کنم، با تندی حرفم را قطع می‌کند که خوبه، این قدر کارهایت را به رخ من نکش، مگر چه کار کرده‌ای؟ شاخ غول شکسته‌ای یا از قلّه دماوند بالا رفته‌ای؟ در صورتی که اگر زحمت‌های من نبود، حالا هشتش‌گرو نهش بود.^۲

۷. روحیه‌دادن در مشکلات

معمولاً مشکلات بیرون از خانه مرد، بیشتر از مشکلات درون خانه بوده و سبب می‌شود درگیری ذهنی مرد بیشتر باشد. در این میان، زن باید در رویارویی مرد با مشکلات و رفع آن، پناه مرد باشد. با سخنانش، روحیه مرد را در برخورد

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۴.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۷۹.

بهبتر با مشکلات تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن گفتن مرد از بعضی مشکلاتش فراهم کند.^۱

در این خصوص، می‌توان از زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دین بهره گرفت. همسران آنان در میان انبوهی از مشکلات، به ایشان روحیه می‌دادند؛ برای مثال، نگاه‌کردن حضرت علی علیه‌السلام به چهره فاطمه زهرا علیها‌السلام، حزن و اندوه را از دل حضرت می‌برد؛^۲ وقتی نگاه‌کردن چنین اثری دارد، به‌یقین، حرف‌زدن با آن بانوی کریمه، تأثیر بیشتری در این زمینه داشته است. هنگامی که زن، محیط خانه را با گفتار نیک، از مهر و محبت آکنده سازد، حریم منزل به صورت مأمنی برای مرد درآمده، نشاط و امید به او می‌بخشد و به قدرت‌مندی او افزوده می‌شود. شاید بر این اساس است که هنر آرامش‌بخشی با کلام نیکو، از ویژگی‌های زنان شایسته به شمار می‌رود.^۳

در خانواده‌هایی که به این بیماری مبتلا نیستند، اعضای خانواده، به‌ویژه همسران، درباره موضوعات گوناگون با هم حرف می‌زنند. لازم نیست حرف‌ها همیشه جدی و با اهداف متعالی باشد. همین که زن و مرد درباره موضوع ساده‌ای مثل طعم غذا یا رنگ لباس صحبت می‌کنند، نشانه سلامت رابطه آنها است؛ ولی در خانواده‌های بیمار، گفت‌وگو در حدّ ضرورت صورت می‌گیرد. هر کس وقتی حرف می‌زند که واقعاً به گفتن چیزی نیازمند است. پس نباید به‌سادگی از کنار این سکوت بگذریم و باید تلاش کنیم با همسر خود از هر دری حرف بزینیم؛ از اتفاقات محیط کار گرفته تا برنامه‌های تلویزیونی، یا آنچه در

۱. فرض‌الله‌قلی‌زاده، ازدواج‌پیوندی‌مقدس، ص ۶۶.

۲. اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة‌الائمة، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳. مجید رشیدپور، مراحل ازدواج در اسلام، ص ۷۹.

خیابان پیش آمده. باید سعی کنیم، دلخوری‌ها و نگرانی‌های خود را به او بگوییم.

۸. شکیبایی در برابر سخن ناخوشایند

کانون خانواده اقتضا می‌کند که از هرگونه بدگویی و کلمات ناخوشایند پرهیز شود؛ اما گاهی ممکن است، زن یا مرد با کلمات تند و خشنی از سوی همسر خود مواجه شود. در این حالت، باید سعی کرد متانت خود را حفظ نمود و مواظب زبان خود بود؛ تا جایی که صحنه نزاع را طوری تغییر دهیم که فرد عصبانی نتواند به خسونت خود ادامه دهد؛ نه این‌که با پاسخی شبیه یا بدتر از آنچه شنیده، بر آتش معرکه بیفزاییم.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ»^۱ هر کس بر اخلاق تند و خشن همسرش شکیبایی ورزد، همانا پروردگار به او پاداش شاکران عنایت خواهد کرد.»

۹. عدم گفت‌وگو درباره خواستگاران قبل

گاهی زن برای عزیزکردن خود یا جبران حقارت‌ها، از خواستگاران قبلی سخن گفته، این امور را به رخ شوهر می‌کشد؛ در حالی که باید توجه داشته باشد که این‌گونه سخنان، نه تنها او را عزیز نمی‌کند؛ بلکه موجب کدورت و یادآور خاطره‌ها می‌شود و زیان فراوانی متوجه زن می‌گردد؛^۲ حتی ممکن است پیامدهای ناخوشایندی در بر داشته باشد؛ مثلاً همسرش تصور کند که آن چنان

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۲. علی‌اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۲۵۷.

که باید محبوب زن نیست یا حتی ممکن است موجبات سوء ظن مرد به زن را فراهم کند؛ به این معنا که همسرش با کسی در ارتباط بوده و او را دوست داشته است و این امر، بنای خانواده را آسیب‌پذیر می‌نماید؛ زیرا از مهم‌ترین اصول در یک خانواده مستحکم، اعتماد زوجین نسبت به یکدیگر است.

۱۰. ابراز کلامی محبت

در برخی روایات، بر اهمیت ابراز کلامی محبت نسبت به همسر تأکید شده است؛ زیرا ابراز محبت طرفین به یکدیگر، اثر روحی بسیاری داشته، استحکام بنای خانواده را به دنبال دارد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۱ مردی که به همسرش بگوید: من تو را دوست دارم، این کلام هیچ‌گاه از قلب او خارج نمی‌شود. «وجود زن باید از وجود مرد، عطوفت و احساسات بگیرد تا بتواند فرزندان را از سرچشمه فیاض عواطف خود سیراب کند. رکن حیات خانوادگی، احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. از این عواطف است که هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان، صفا می‌گیرد.»^۲

البته باید توجه داشت که اگر در ابراز محبت زبانی والدین به فرزندان دقت نشود، اثر مخرب آن بیشتر خواهد بود؛ چرا که بی‌عدالتی یا زیاده‌روی در این کار، چه بسا آتش حسادت و کینه را میان فرزندان به وجود می‌آورد و فرزندی که از محبت کمتری برخوردار شده یا محبتی ندیده، شخصیت خود را در هم شکسته می‌بیند، دست به هر کاری می‌زند و اگر نتواند کاری بکند، دچار بیماری روانی می‌شود.^۳

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱-۹.

۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۲۶.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۲۸-۳۲۰.

۱۱. بیان خصوصیات نیکوی همسر در مقابل خانواده او

همه انسان‌ها، داشتن موقعیت قابل قبول در جامعه را امری نیکو قلمداد می‌کنند. در مقیاس کوچک‌تر، زن و مرد به دنبال کسب جایگاه مطلوب در خانواده خود و نیز خانواده همسر هستند. یکی از راه‌های رسیدن به این جایگاه مطلوب، انجام وظایف به شکل احسن و داشتن روحیه متواضعانه است. در این میان، هر یک از طرفین می‌تواند با کمک به همسر خود به این احساس خوشایند سرعت بخشیده، گامی در استحکام خانواده خود بردارد؛ از جمله کمک‌های همسران، بیان خصوصیات نیکوی همسر در مقابل فرزندان و خانواده خود و خانواده همسر می‌باشد که به عبارتی، اعلام رضایت از همسر و تقویت اعتماد به نفس او، و در نهایت، موجب استحکام خانواده است.

۱۲. بیان مطالب مورد علاقه

زن و شوهر در گفت‌وگوهایی که با هم دارند، می‌توانند ویژگی‌های شخصی و نیز انتظاراتی را که از همسر خود دارند، بیان کنند؛ زیرا این اقدام، زمینه شناخت آنها نسبت به یکدیگر را بهتر مهیا کرده، تفاهم بیشتری را فراهم می‌نماید و از سوی دیگر، سوء تفاهم‌ها و دلخوری‌های ناشی از عدم شناخت را کاهش می‌دهد؛ چرا که وقتی هر یک از آنها به علاقه‌های طرف مقابل پی ببرد و بداند همسر او از چه چیزهایی ناخرسند و از چه چیزهایی ناراحت می‌شود، برای جلب محبت او، نه تنها سعی می‌کند خاطر همسرش را آزرده ننماید، بلکه زمینه خشنودی او را فراهم می‌سازد. به علاوه، اگر رفتاری را که خود نمی‌پسندد، در همسر مشاهده کرد، چون از قبل می‌داند که این رفتار یکی از ویژگی‌های فردی او است و نه ابزاری برای اذیت کردن، آن را آزاری از سوی همسر تلقی نکرده، به آسانی آن را تحمل می‌کند.

۱۳. عذرخواهی و عذرپذیری

کسی که بر نفس خود تسلط دارد، وقتی اشتباهی از او سر می‌زند، غرور و تکبر را کنار نهاده، عذرخواهی می‌کند و از کسی که حق او را نادیده گرفته یا ضایع کرده، دلجویی می‌نماید.

این مسئله، در خانواده اهمیت فراوانی دارد. وقتی هر یک از زن و مرد مقید باشند که بعد از بروز هر اشتباهی، عذرخواهی کنند، دیگر زمینه‌ای برای کینه‌جویی به وجود نمی‌آید و به انتقام‌گیری منجر نخواهد شد. افزون بر آن، فرزندان نیز می‌آموزند در روابط اجتماعی اگر خطایی از آنها سرزد، به دنبال اصلاح آن بر آیند و یکی از راه‌های اصلاح، عذرخواهی است.

باید توجه داشت که مشکلات خانوادگی، به ندرت محصول اشتباهات یک طرف است. جنس مشکلات خانوادگی، از تعامل نادرست ساخته می‌شود. بنابراین، هر یک از زوجین، سهمی هرچند کوچک در بروز مشکل دارند. گفت‌وگوی میان زوجین برای حل مشکلات، در صورتی نتیجه می‌دهد که هر دو طرف، صادقانه به اشتباهات خود اعتراف کنند.

در ضمن، اگر یکی از زن و شوهر عذرخواهی کرد، باید طرف مقابل عذرخواهی او را قبول کند. امام علی علیه السلام فرمود: «بَشُرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَ لَا يَقْبَلُ الذَّنْبَ»^۱ بدترین مردم، کسی است که عذرخواهی دیگران را نپذیرد و از خطای‌شان نگذرد.»

۱۴. خوب شنونده‌بودن

گاهی برای انسان موقعیت‌هایی پیش می‌آید که فشار روحی بسیاری بر او وارد می‌کند؛ چنان‌که ممکن است، برای یکی از زوجین یا فرزندان این اتفاق

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: خوانساری، ج ۴، ص ۱۶۵.

بیفتد؛ حتی ممکن است، هیچ کس نتواند برای انسان کاری انجام دهد؛ اما اگر همسران برای یکدیگر و والدین برای فرزندان، زمینه‌ای را فراهم آورند که فرد مواجه‌شده با مشکل، به راحتی درد دل کند و احساس نماید که شنونده‌ای خوب برای حرف‌هایش وجود دارد، در این صورت، علاوه بر کم‌شدن فشار روحی و رسیدن به آرامش، در موقعیتی قرار می‌گیرد که از راهنمایی‌های اعضای خانواده‌اش بهره می‌گیرد. بر فرض اینکه مشکل فرد حل هم نشود، اما همین که احساس می‌نماید دیگران با او همدلی می‌کنند، به تقویت روحیه فرد می‌انجامد. باید توجه داشت که وجود این زمینه، برای فرزندان حیاتی‌تر است؛ چرا که در صورت نبود آن، برای رسیدن به آرامش، چه بسا گرفتار دام صیادان شده، حیثیت و آبروی خانواده را نیز بر باد دهند.

۱۵. عدم یادآوری دلخوری‌های گذشته

در زندگی هر انسانی، امکان پیش آمدن دلخوری و درگیری لفظی وجود دارد؛ چرا که زن و مرد سلیقه‌ها، تمایل‌ها و نیازهای روحی - روانی متفاوتی دارند و اگر از نظر مذهبی، فرهنگی و اقتصادی، سطح خانوادگی آنها متفاوت باشد، بر شدت این امر نیز افزوده می‌شود.

چنانچه زمانی این مسائل در زندگی رخ داد، بهترین راه برای پایان ماجرا، کوتاه آمدن یکی از طرفین، به خصوص زن، می‌باشد. بهتر است، به جای یادآوری دلخوری‌ها، به حل مشکلات بپردازند و البته بهترین حالت برای حل مشکل و ارائه راهکار، گفت‌وگو در فرصتی مناسب است. بدیهی است که یادآوری دلخوری‌ها به بهانه‌های مختلف، به هیچ وجه به نفع زندگی نیست و حتی گاهی زمینه‌ساز اختلافات شدیدتر بعدی خواهد شد.

۱۶. اظهار دلتنگی در زمان دوری از یکدیگر

وقتی زن و مرد مدتی از هم دور باشند، بیان احساسات، رشته محبت میان آنها را محکم‌تر می‌کند؛ برای مثال، دلتنگی خود را از دوری او ابراز کند و یا نگرانی خویش را به صورت تلفنی و با کلمات زیبا، از تأخیر و دیر آمدن همسر خود بیان کند و زمانی که یکدیگر را دوباره ملاقات کردند، خوشحالی و دلتنگی‌اش را به زبان آورد؛ البته در این خصوص نباید از کلماتی استفاده کرد که توییحی بوده یا نشانه شک کردن به یکدیگر باشد. ضمن اینکه باید توجه داشت، ابراز احساسات یا ارادت از طریق روش‌هایی مانند پیامک و پست الکترونیکی، هرگز تأثیر و نتیجه صحبت کردن و شنیدن صدا را ندارد.

نقش زن در تأمین شادی خانواده

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابازاده*

درآمد

اسلام، به تحکیم نهاد خانواده، اهمیت فراوانی داده و در جهت بالندگی و استحکام آن، راه‌های بسیاری را معرفی کرده است. یکی از راه‌های اثربخش در این جهت، ایجاد فضای شادی و نشاط در خانواده است. زن و مرد که دو رکن مهم خانواده به شمار می‌روند، در شادکامی زندگی نقش برجسته‌ای دارند؛ ولی زن به دلیل نقش کلید که در مدیریت خانه ایفا می‌کند، در این زمینه مسئولیت سنگین‌تری دارد؛ زیرا همه اعضای خانواده بیشتر با او در ارتباط هستند و شادی او، ضامن شادمانی همه اعضای خانواده است. در چنین فضایی، زن نباید اجازه دهد که افکار منفی یا ناامیدکننده، ریشه‌های شادکامی را در زندگی او از بین ببرند.

این نوشتار، طی دو محور کلی سامان یافته، می‌کوشد تا نقش زن را در تأمین شادی خانواده تبیین نماید.

الف. بایستگی شادمانی

یکی از نیازهای طبیعی انسان، نشاط و شادمانی است که نقش مؤثری در تقویت اراده انسان دارد و کارهای بزرگ و برنامه‌های سنگین را آسان و سبک می‌کند. شادابی، رنج و زحمت را قابل تحمل می‌سازد و به‌دنبال آن، انسان به آرامش می‌رسد. از سوی دیگر، گاهی روح آدمی خسته و بیمار می‌شود و برای رفع بیماری و افسردگی آن، نیاز به دارویی به نام «شادمانی» دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ؛^۱ همانا دل‌ها خسته می‌شوند؛ همان‌گونه‌که بدن‌ها خسته می‌شوند. به‌وسیله سخنان حکمت‌آمیز و مطالب سودمند، خود را از خستگی بیرون کنید.» و یا حضرت در فرازی دیگر فرمود: «السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ؛^۲ شادی، باعث انبساط روح و ایجاد نشاط می‌شود.»

ب. راه‌ها و عوامل ایجاد شادمانی

مهم‌ترین راه‌ها و علل دستیابی به شادمانی و نشاط، عبارت‌اند از:

۱. مثبت‌نگری

مثبت‌نگری، موضوعی است که روان‌شناسان به آن توجه وافری نشان داده، از آن به‌عنوان «روان‌شناسی مثبت‌اندیشی» یاد کرده‌اند.^۳ در روایات نیز از این ویژگی به نام «حُسن ظن یا خوش‌گمانی» یاد گردیده است. تفکر مثبت و خوش‌بینی معقول، رمز خوش‌بختی و نشاط در زندگی فردی و خانوادگی و نیز

۱. علی‌بن‌حسن طبرسی، مشكاة الأنوار، ص ۲۵۶.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۱۱۳.

۳. مجله حدیث زندگی، ش ۹، ص ۳۱.

عامل تسلیم‌نشدن در برابر عوامل منفی و بحران‌زاست.^۱ ارزش مثبت‌اندیشی وقتی معلوم می‌شود که بدانیم امید و نشاط در سایه خوش‌بینی حاصل می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ أَفْضَلِ السَّجَايَا وَأَجْزَلِ الْعَطَايَا»^۲ خوش‌گمانی، از بهترین صفات انسانی و پُربارترین مواهب الهی است.»

خوش‌بینی، اقسام گوناگونی دارد که یکی از آنها، خوش‌بینی نسبت به اعضای خانواده است؛ مثلاً بایسته است که زن رفتار و گفتار اعضای خانواده را حمل بر راستی و درستی نماید. در مقابل این صفت، بدبینی قرار دارد که از نظر قرآن، گناه محسوب می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری گمان‌ها پرهیزید که بعضی از آنها، گناه است.»

اگر زن و شوهر نسبت به هم خوش‌بین باشند، فضای خانواده دور از استرس و اضطراب خواهد بود؛ اما اگر این دو نسبت به هم بدبین باشند، اعضای خانواده افسرده، عصبانی و ناراحت می‌باشند. متأسفانه، برخی خانم‌ها، نه تنها آرامش و شادمانی را وارد خانواده نمی‌کنند، بلکه با سوءظن بیجا، حریم خانواده را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهند که نتیجه آن، افسردگی اعضای خانواده است.

زنی به شوهری شکایت کرد و گفت: یکی از دوستانم گفت: شوهرت به خانه یک خانم رفت و آمد دارد. او را تعقیب کردم و دانستم که حقیقت دارد.

۱. الوود همپتن، نگرش مثبت، ترجمه فهمیه نظری، ص ۱۱.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۵.

۳. حجرات، آیه ۱۲.

بسیار ناراحت شدم و به خانه پدرم رفتم. اکنون از شما می‌خواهم که شوهر خطاکارم را تنبیه کنید. شوهر ضمن تأیید سخنان زن، گفت: برای خرید دارو به داروخانه رفتم. ضمن خرید متوجه شدم زنی که برای خرید شیرخشک به داروخانه آمده، پولش کم است. به او کمک کردم و بعداً که فهمیدم او زن بیوه و بیچاره‌ای است، به کمک‌هایم ادامه دادم. داوران پس از تحقیق، متوجه حُسن نیت شوهر شدند و آنان را آستی دادند.^۱

۲. اخلاق نیکو

یکی از عوامل نشاط و شادابی، خوش‌اخلاقی است. کسی که با مردم خوش‌رفتاری کند، با چهره‌ای خندان سخن بگوید و در برابر مشکلات بردبار باشد، همواره عزیز و محترم است و به بیماری‌های روانی مبتلا نمی‌شود؛ اما کسی که بداخلاق باشد، با صورت درهم‌کشیده با مردم ملاقات نماید و یا تندخو و بدزبان باشد، زندگی تلخ و ناگواری خواهد داشت. خوش‌اخلاقی، برای همه لازم است؛ به‌ویژه برای زن و شوهر؛ زیرا این دو، همیشه با هم هستند. اگر زن می‌خواهد خودش، همسر و بچه‌هایش طعم زندگی سعادت‌مند را بچشند و شاداب باشند، باید اخلاقش را اصلاح کند و همیشه شاد و خوش‌برخورد باشد. با اخلاق خوش می‌توان خانه را به صورت بهشت درآورد. آیا حیف نیست که این محیط شاداب را با بداخلاقی، به جهنمی سوزان تبدیل کنیم! بیشتر طلاق‌ها نیز در اثر بدرفتاری زن و شوهر صورت می‌گیرد.

زنی به شورای داوری شکایت کرد که شوهرم همیشه ناهار و شام را بیرون از خانه می‌خورد. شوهر جواب داد: علت رفتارم این است که زخم اصلاً با من سازگاری ندارد و بداخلاق‌ترین زن دنیاست. زن ناگهان خیز برداشت و در

۱. روز نامه اطلاعات، تاریخ: ۱۳۴۹/۴/۲۵.

حضور اعضای داوری، شوهرش را کتک زد.^۱

در آموزه‌های دینی، بداخلاقی بسیار نکوهش شده است؛ چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ‌کار واجب و مستحبی را از او نمی‌پذیرد و هیچ‌کار نیکش را نمی‌پذیرد تا وقتی که شوهرش را راضی کند؛ هر چند روزها روزه بگیرد و شب‌ها عبادت نماید.»^۲

۳. تقواگرایی

انسان وقتی در زندگی به شادی واقعی دست می‌یابد که حدود الهی را رعایت نماید و اراده‌ای در جهت «پرهیز» در خود به وجود آورد. ارضای تمایلات به هر شکل، شادی‌آور نیست؛ یعنی لذت و خوشی، همیشه در انجام‌دادن نیست؛ گاهی نیز در «پرهیزکردن» است. برخی اوقات اتفاق می‌افتد که با انجام کارهایی که عادتاً باید لذت‌بخش باشند، هیچ لذتی به انسان دست نمی‌دهد و حتی ممکن است آن کار، عذاب وجدان هم در پی داشته باشد؛ چراکه روح، آماده لذت‌بردن نیست. یک غذای لذیذ، رابطه جنسی و خانه بسیار زیبا، اگر حرام و نامشروع و غصبی باشد، برای انسان سالم و طبیعی، تلخ و ناگوار است.

اساساً روح انسان، در پرتو «پرهیز» به شادی و نشاطی می‌رسد که با هیچ‌یک از شادی‌های دیگر قابل مقایسه نیست.^۳ به قول شیخ بهایی:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت نخوانی^۴

۱. همان، تاریخ: ۱۳۵۰/۱۱/۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

۳. گروهی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۱۷۴.

۴. شیخ بهایی، کشکول، دفتر پنجم.

۴. آراستگی

انسان، به‌مقتضای فطرت، زیباگرا و جویای آراستگی است و از ژولیدگی نفرت دارد. به همین دلیل، اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که همواره نمودهای زشتی را از خود دور سازند و با ظاهری آراسته و زیبا ظاهر شوند.

اگر همه اعضای خانواده، به‌ویژه همسر، این امر را رعایت نمایند، پیوسته خانواده‌ای شاد خواهند داشت. از این‌رو، در آموزه‌های اسلامی به آراستگی ظاهری اعضای خانواده اهمیت داده شده است. زنی که می‌خواهد خود و خانواده را شاد نگه دارد، باید شکل ظاهرش آراسته باشد و دیگر اعضای خانواده را نیز به این سمت و سو هدایت کند؛ زیرا رعایت این امر، باعث ایجاد نشاط، روابط عاشقانه و رضایت شوهر می‌گردد. چه بسا زن با این کار، نقش مهمی در حفظ سلامت روح و شادابی شوهر ایفا کند. از طرفی، با آراستگی خود برای همسرش، توجه او را جلب نموده، خواسته‌های او را از طریق مشروع تأمین می‌کند و شوهرش نیز از نامحرم‌ان چشم می‌پوشد و تنها به او عشق می‌ورزد و در نتیجه، سبب شادابی مرد می‌گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سزاوار نیست که زن، اگرچه پیر باشد، خود را بی‌زیور بگذارد؛ هرچند با آویختن یک گردن‌بند.»^۱

۵. پوشیدن لباس‌های روشن

در روان‌شناسی، مقوله رنگ‌ها و تأثیر آن بر روحیه انسان، بحثی پذیرفته شده است؛ زیرا در آرامش و نشاط‌آفرینی، نقش مؤثری دارند. لباس‌های روشن همسران، دنیایی از شادی را در خانه ایجاد می‌کند و فرزندان را نیز به همین شیوه تربیت می‌نماید. به همین جهت، اسلام به پوشیدن لباس‌های روشن، به‌خصوص سفید، سفارش کرده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «**الْبَيْسُ وَالْبَيَاضُ**

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹.

فَائِنَةٌ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ؛^۱ لباس سفید بپوشید که آن، نیکوترین و پاک‌ترین رنگ‌هاست.))

اما متأسفانه، برخی خانم‌ها صرفاً وقتی می‌خواهند به گردش بروند یا در مجلس جشن، شب‌نشینی و مهمانی شرکت نمایند، آرایش می‌کنند، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشند و به بهترین وجهی که برایشان مقدور است، از منزل خارج می‌شوند؛ ولی به محض بازگشت به خانه، لباس‌های خوب و زیبا را از تن خارج ساخته، لباس‌های معمولی خود را می‌پوشند و یا در داخل خانه، نظافت را رعایت نمی‌کنند، آرایش و زینت خویش را ترک نموده، با موهای ژولیده و لباس‌های ساده در منزل ظاهر می‌گردند.

شخصی می‌گفت: خانم بنده در خانه، با خدمتکاران قابل تشخیص نیست. برخی وقت‌ها با خود می‌گویم: ای کاش خانم، یکی از این لباس‌های قشنگ و زیبایی را که برای محیط کار و مهمانی‌اش دوخته، در خانه می‌پوشید و از این بلوزهای کهنه دست برمی‌داشت. چند بار به او گفتم: عزیزم! دست‌کم روزهای جمعه و تعطیل، یکی از آن لباس‌های قشنگ را بپوش؛ ولی او با ترش‌رویی پاسخ می‌داد: من در مقابل تو یا بچه‌ام، مقید نیستم؛ اما اگر یک روز سر و وضع نامرتب باشد، جلوی همکارانم خجالت می‌کشم.^۲

۶. بوی خوش

در روابط انسان‌ها با یکدیگر و نیز در زندگی خانوادگی، بوی خوش، عاملی فرح‌انگیز و شادی‌بخش است. در مقابل، بوی بد، ناامیدکننده و مایه افسردگی است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن قدر عطر و مواد خوش‌بوکننده بر سر و صورت خود

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵.

۲. ابراهیم امینی، همسررداری، ص ۱۲۹.

می‌زد که گاهی جلوه و براقی آن، در موهای سرش دیده می‌شد. ایشان با مشک و عنبر، خود را خوش‌بو می‌ساخت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ؛^۱ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیش از آنچه برای خوراکی و طعام خرج کند، برای خوش‌بویی خود هزینه می‌کرد.»

۷. محبت

همه انسان‌ها، تشنه محبت هستند و دوست دارند که محبوب دیگران باشند. کسی که بداند محبوب دیگران نیست، خود را بی‌کس می‌شمارد و همواره پژمرده و افسرده است. مرد خانواده نیز تشنه محبت است. از این‌رو، زن باید شوهر خویش را از صمیم قلب دوست داشته باشد تا شوهر نیز به او علاقه‌مند شود؛ زیرا محبت، پیوندی دوسویه است که به استواری بنیان زناشویی می‌انجامد. البته باید توجه داشت که صرف محبت قلبی، کافی نیست؛ بلکه باید آن را به زبان آورد. چه اشکالی دارد که گاهی زن به شوهرش بگوید: عزیزم! واقعاً تو را دوست دارم.

شکسپیر می‌گوید: «آنچه در زن، قلب مرا تسخیر می‌کند، مهربانی اوست؛ نه روی زیبایش. من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربان‌تر باشد.»^۲ خداوند در قرآن کریم به محبتی که بین زن و شوهر وجود دارد، اشاره نموده و فرموده: «خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد.»^۳ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «بعضی زن‌ها برای

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۳۲.

۳. روم، آیه ۲۱: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.»

شوهرشان بهترین غنیمت هستند؛ زنانی که به شوهر خود اظهار عشق و محبت می‌کنند.^۱

عشق بی نظیر فاطمه علیها السلام به امام علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام با عشق و محبتی بی نظیر وارد خانه «ولایت» شد و فداکاری‌های مادرش «خدیجه» را تداومی کرد؛ او در امر شوهرداری و خانه‌داری، چنان شایسته عمل نمود که امام علی علیه السلام فرمود: «قَوَّ اللَّهُ مَا أَعْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَىٰ أَمْرٍ حَتَّىٰ قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَعْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ»^۲ سوگند به خدا! هرگز من همسرم را به خشم نیاوردم و او را به کاری مجبور نساختم؛ تا دعوت حق را لیبیک گفت. او نیز هرگز مرا خشمگین نساخت، نافرمانی نکرد و چنان عشق می‌ورزید که با یک نگاه خود، همه غم‌ها و غصه‌هایم را از دلم پاک می‌کرد.»

۸. احترام

آدم‌ها دوست دارند دیگران به آنان احترام بگذارند و حرمتشان را به نیکی پاس بدارند. در عرصه خانواده نیز رعایت این امر، ضروری است. احترام زن به شوهر، به او توانایی می‌دهد و برای تلاش بهتر و بیشتر آماده‌اش می‌گرداند؛ مانند: سلام‌دادن به شوهر، به احترام او ایستادن، با ادب حرف‌زدن و گوش‌دادن به سخنانش.

بایسته است که زن سعی نماید هنگام ورود مرد به خانه، در را برایش باز کند

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

و با لب خندان به استقبالش برود و هنگام رفتن از منزل، او را بدرقه نماید. همین عمل کوچک، تأثیر شایسته‌ای در روح شوهر بر جای خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ»^۱ خوشا به سعادت زنی که شوهرش را بزرگ شمارد، به او آزار نرساند و مطیع همسرش باشد.»

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبالم می‌آید و چون از خانه بیرون می‌روم، بدرقه‌ام می‌کند. زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: اگر برای رزق و روزی (مخارج زندگی) غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غمگین هستی، خدا اندوهت را زیاد کند (بیشتر به فکر آخرت باشی). پیغمبر فرمود: «برای خدا کارگزارانی است و این زن، یکی از کارگزاران خداست که پاداش او، برابر با نیمی از پاداش شهید است؛ إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ، لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.»^۲

۹. ارتباط کلامی

یکی از نیازهای مهم خانواده، ارتباط‌های کلامی است؛ یعنی اعضای خانواده باید با همدیگر صحبت و گفت‌وگو داشته باشند. این امر، در حل مشکلات، ایجاد صمیمیت و نشاط بین اعضای خانواده، بسیار مؤثر است؛ زیرا دور هم بودن و گفت‌وگو نمودن، ایجاد شادی می‌نماید؛ درحالی‌که عدم رعایت این امر، پیامدهای منفی را به دنبال دارد. به اعتقاد کارشناسان، اعضای خانواده در شبانه‌روز باید ۲ تا ۳ ساعت با یکدیگر ارتباط کلامی و گفت‌وگو داشته

۱. همان، ج ۷۲، ص ۳۵۴.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

باشند. متأسفانه، امروزه این میزان، بسیار کاهش پیدا کرده است. توصیه اسلام این است که هنگام سخن گفتن با یکدیگر، جملاتی را که از همه زیباتر، مؤدبانه‌تر و شادی‌آورتر است، انتخاب کنید تا پاسخی زیبا و نشاط‌آور نیز بشنوید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنَنَّ الْفِعَالَ»^۱ با زنان، خوش‌گفتار و نیکوسخن باشید تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند.» همچنین، حضرت فرمود: «اجْمَلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ»^۲ زیبا سخن بگویید، تا پاسخ زیبا بشنوید.»

۱۰. روحیه‌دادن به شوهر

معمولاً مشکلات بیرون از خانه، بیشتر از مشکلات درون خانه است و همین امر، سبب می‌شود که درگیری ذهنی مرد بیشتر باشد. طبیعی است که این موضوع، شوهر را خسته و ناراحت می‌نماید و نیاز به کسی دارد که او را از این حال خارج نماید؛ بنابراین، خانم خانواده می‌تواند در رویارویی مرد با مشکلات و رفع آن، پناهگاه خوبی برای شوهر خود باشد و با سخنانش، روحیه مرد را در برخورد بهتر با مصائب زندگی تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن گفتن شوهر از مشکلات دیگرش فراهم نماید.^۳

در این خصوص، می‌توان از زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین بهره گرفت؛ چنان‌که همسران آنان در میان انبوهی از مشکلات، به ایشان روحیه می‌دادند؛ برای مثال، وقتی حضرت علی علیه السلام به چهره فاطمه زهرا علیها السلام نگاه می‌کرد، حزن و اندوه از دل ایشان زدوده می‌شد.^۴ اگر نگاه چنین اثری دارد،

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۰۶.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۵۸.

۳. فرض‌الله قلی‌زاده، ازدواج پیوندی مقدس، ص ۶۶.

۴. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، ج ۱، ص ۳۷۳.

به‌یقین، حرف‌زدن با آن بانوی کریمه، تأثیر بیشتری داشته است. هنگامی که زن، محیط خانه را با گفتار نیک، سرشار از مهر و محبت سازد، حریم منزل به صورت جایگاهی آرامش‌بخش برای مرد درآمده، نشاط و امید به او می‌بخشد و به قدرتمندی او نیز افزوده می‌شود. شاید بر این اساس است که هنر آرامش‌بخشی با کلام نیکو، از ویژگی‌های زنان شایسته به شمار می‌رود.^۱

۱۱. تأمین نیاز جنسی

یکی از عوامل نشاط و استحکام خانواده، رابطه جنسی زن و شوهر است. آمارها نشان می‌دهد که بیشترین دلیل افزایش طلاق در خانواده‌ها، رعایت نکردن این امر می‌باشد. زن در خلوت خود با همسرش، باید با ظرافت‌های خاص، آمادگی جنسی خویش را نشان دهد. از این رو، در اسلام پیش‌قدمی زن در مسائل جنسی، مستحب شمرده شده است. به همین دلیل، زن و شوهر برای ادامه زندگی مشترک، باید نیازهای جنسی همدیگر را تأمین کنند؛ زیرا رضایت‌مندی از روابط جنسی، یکی از عوامل پایداری، نشاط خانواده و سعادت زن و شوهر است.

بر اساس نظر بسیاری از روان‌شناسان، اگر زوجین روابط جنسی خوبی با هم نداشته باشند، آمادگی دارند هر موضوع کوچکی را به بحرانی بزرگ تبدیل کنند و حتی کار به جدایی و طلاق بینجامد. بنابراین، زن موفق، زنی است که از خواسته‌های جنسی شوهر غفلت ننماید. قرآن کریم، زنان را به کشتزاری تشبیه می‌کند که صاحبش در چهارچوب شرعی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.^۲ پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «بهترین زنان، زنی است که نسبت به بیگانه عقیف و

۱. مجید رشیدپور، مراحل ازدواج در اسلام، ص ۷۹.

۲. بقره، آیه ۲۲۳: «بَسَاؤَكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ.»

پاکدامن، و شوهر دوست باشد.^۱ حضرت در بیانی دیگر فرمود: زن وظیفه دارد که با بدن و لباس معطر و پاکیزه، توأم با آرایش و آراستگی، کنار شوهر باشد و با ظرافت خاص، آمادگی خویش را در تمام ساعات مناسب شبانه‌روز به شوهرش اعلان نماید.^۲ حضرت از این موضوع به‌عنوان یک کار عبادی یاد کرده است.^۳ همچنین، خطاب به زنان می‌فرمود: «بهترین عطرهایتان را بزنید، زیباترین لباس‌هایتان را بپوشید و خود را به بهترین زیورهایتان بیارایید و هر صبح و شام، خویشتان را به شوهرتان عرضه کنید.»^۴

۱۲. عفت و پاک‌ی

عفت و پاکدامنی زن، از جمله مؤلفه‌های مؤثر در محبت و آرامش خانواده است؛ زیرا داشتن چنین ویژگی‌ای، زن را از خطر و نفوذ بیگانگان مصون داشته، موجب اعتماد و آرامش شوهر می‌گردد. رسول خدا ﷺ ضمن اشاره به امتیازهای زنان، «زیبایی» و «دین‌داری» را از جمله اوصاف آنان می‌شمارد و بدین وسیله، «عفت» را نگهدارنده «زیبایی» معرفی می‌کند که بدون آن، آرامش خانواده به خطر می‌افتد.^۵

نظری کوتاه به وضعیت جوامع امروزی، از جمله: پارک‌ها، تفرج‌گاه‌ها، متروها، حتی مراکز آموزشی و علمی و کارگاه‌ها و نیز مجلات و روزنامه‌ها، انسان را با کوهی از غم و اندوه مواجه ساخته، تصویر آسف باری از سستی نظام خانواده را مجسم می‌سازد. بر این اساس، در عصر ما فساد و فحشا به اوج خود

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۴: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْعَلِيمَةُ.»

۲. همان، ص ۵۰۸.

۳. همان، ص ۴۹۵.

۴. همان، ص ۵۰۸.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۱.

رسیده و روند صعودی آن، خانواده‌ها را بیش از پیش تهدید می‌نماید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در عصرهای آینده (مثل زمان ما)، زنانی بی‌حجاب و بی‌حیا، با وضعی آراسته و خودنما ظاهر می‌شوند که پایبندی به دین و مذهب ندارند و خواهان فساد و بی‌بندوباری‌اند.»^۱

متأسفانه، امروزه معنویت کم‌رنگ شده و برخی زنان به بهانه تجددگرایی، عفت را نادیده می‌گیرند؛ مثلاً یکی ارزش‌های مهم که برخی رعایت نمی‌کنند، حجاب است و این، در حالی است که حجاب، واجب است و برخی زنان، تا پای جان از آن پاسداری می‌نمایند.

مرحوم آیت‌الله سید باقر مجتهد سیستانی، پدر آیت‌الله سید علی سیستانی، از علمای بزرگ در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا در چهل جمعه، و هر هفته در مسجدی از مساجد شهر را آغاز می‌کند. ایشان فرمودند: «در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه نزدیک آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد. از جای برخاستم و به دنبال آن نور به در آن خانه رفتم. خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود. از درون خانه، نور عجیبی می‌تابید. در زدم. وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر علیه السلام در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف داشتند. در آن اتاق، جنازه‌ای دیدم که پارچه سفیدی به روی آن کشیده بودند. وقتی وارد شدم و اشک‌ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند: «چرا این‌گونه به دنبال من می‌گردی و رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟ مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم.» بعد فرمودند: «این، بانویی است که در دوره بی‌حجابی (رضاخان

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹.

پهلوی)، هفت سال از خانه بیرون نیامده؛ مبادا نامحرم او را ببیند.»^۱

۱۳. معاشرت

خانواده‌ای که با اقوام و دوستانشان، به صورت حساب‌شده و منطقی، رفت‌وآمد نداشته باشند، معمولاً شاداب نیستند. این‌گونه خانواده‌ها، گوشه‌گیر و افسرده‌اند. از همین رو، اسلام برای ایجاد روحیه شادی و نشاط، توصیه فراوانی به «صله رحم» و دیدوبازدید کرده است؛ زیرا رفت‌وآمدها باعث زنده‌ماندن قلب و شادابی روح خواهد شد. مطالعات نشان داده است دیدوبازدید با اقوام و خویشاوندان، بر مغز تأثیر مثبتی می‌گذارد.

رفتارشناسی زوجین با خویشاوندان

سیده مریم طباطبایی ندوشن*

اشاره

ازدواج، صرفاً پیوند دو فرد با یکدیگر نیست؛ بلکه پیوستگی دو خانواده با فرهنگ، شیوه‌های تربیتی و سبک متفاوت زندگی است. بنابراین، زوجین، برای بالندگی و موفقیت در ازدواج، به دو بال برای پرواز در مسیر زندگی نیازمندند. یک بال، مهارت زوجین برای ارتباط صمیمی و سازنده با یکدیگر است و بال دیگر که ارزش آن کمتر از اولی نیست و چه بسا تقویت‌کننده بال اول است، «مدیریت معاشرت با خویشاوندان هر دو طرف» می‌باشد.

متأسفانه، آنچه نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته، زندگی ماشینی در عصر امروز است که خانواده‌های گسترده را به خانواده‌های هسته‌ای و کوچک تبدیل نموده و به مراتب ارتباطات گسترده را جایگزین ارتباطات محدود کرده است. از سوی دیگر، برخی اختلافات که ممکن است بعد از تشکیل خانواده به وجود آید، روابط زوجین را با خویشاوندان دچار مشکل می‌کند. بر این اساس، بیان

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر حوزه خانواده.

شیوه‌های ارتباطی با خویشاوندان، می‌تواند ارتباطات سطحی را به سوی سبک زندگی اسلامی سوق دهد. در این نوشتار، رفتارشناسی شایسته زوجین با خویشاوندان را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

بایستگی‌های ارتباط زوجین با خویشان

۱. «ما شدن»، فلسفه زوجیت

پیش از ازدواج، ارتباط با خویشان غالباً با همراهی والدین صورت می‌گیرد. از این رو، فرد و بستگانش نسبت به هم احساس عاطفی پیدا می‌کنند. انتظار می‌رود که بعد از ازدواج نیز روابط فرد با بستگان، به دلیل استقلال و اختیار بیشتر، نه تنها کاهش نیابد، بلکه افزایش نیز یابد. در واقع، انتظار آن است که دختر و پسری که ازدواج می‌کنند، یک هویت جمعی دیگر را به زندگی خویش اضافه کنند و آن، «ما» است؛ چراکه فلسفه زوجیت این است که از «من بودن» به «ما شدن» برسیم و بنیان زندگی را با ستون «ما شدن» مستحکم سازیم. بنابراین، بعد از تشکیل خانواده، مسائلی مانند: فامیل من - فامیل تو، مادر من - مادر تو، مشکلات من - مشکلات تو و از این قبیل خودمحموری‌ها، در زندگی زناشویی معنا ندارد و زوجین باید بکوشند تا خودشان را از «من» به «ما» نزدیک نمایند.

۲. سفارش اسلام درباره خویشان

ارتباط با اقوام، دارای مزایای بی‌شمار فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در اسلام این پدیده تحت عنوان «صله رحم» مطرح گردیده و ضرورت آن در روایات و آیات یادآوری شده است. خداوند در قرآن طی بیست‌وسه مورد،

نسبت به اقوام و ذوی القربی سفارش نموده است.^۱ این میزان تأکید، دلیل بر اهمیّت صله رحم در پیشگاه حضرت حق است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ اعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ مَاءٍ شَهِيدٍ»^۲ هرکس با جان و مال خود در راه صله رحم کوشش کند، خداوند بلندمرتبه پاداش یکصد شهید به او می دهد.»

۳. نکوهش قطع ارتباط با خویشان

قطع رحم، آن چنان مورد نفرت حق است که امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند که فرمود: «...از معاشرت و دوستی با کسی که با بستگان خود قطع رحم کرده، بپرهیز؛ زیرا چنین کسی را در سه جای کتاب خدا (بقره، آیه ۲۷؛ رعد، آیه ۲۵؛ محمد، آیه ۲۲ و ۲۳) مورد لعن و نفرین یافته ام.»^۳ از این حدیث استفاده می شود که اسلام به ما اجازه نمی دهد، به دلیل آنکه خویشی از ما یا اقوامی از همسر ما، در بازدید عید کوتاهی کرده اند، با آنها قطع ارتباط کنیم.

۴. آثار مثبت ارتباط با خویشان

در همه که اسلام به آن سفارش می کند، چنان خیر و برکتی نهفته است که گاه انسان، برای فهم کوچک ترین اثر آن، به سال ها پژوهش نیازمند است. آبرهام مزلو، روان شناس غربی، نیازی را با عنوان «نیاز به تعلق داشتن» مطرح می کند که

۱. خداوند مسئله ذوی القربی را در این سوره ها متعدد به تفصیل بیان نموده است از جمله: بقره، آیه ۸۳، ۱۸۰ و ۲۱۵؛ نساء، آیه ۷، ۳۳.

۲. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶.

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ماده «رحم».

این نیاز، به روش‌های متعدد قابل پاسخگویی است؛ از طریق: روابط دوستانه با دیگران، ارتباطات اجتماعی، ارتباط خویشاوندی و ارتباط با همسر.^۱ ریشه بسیاری از مشکلاتی که دامنگیر زندگی‌های امروزه شده، عدم تعلق افراد به یک گروه عاطفی است. یکایک اعضای خانواده، با تعلق به یک گروه عاطفی که گروه خویشاوندی است، از لحاظ روانی، دستاوردهای ارزشمندی را به دست می‌آورند؛ مانند: احساس ارزشمندی و عزت نفس.

پژوهشگران دریافته‌اند که هرچه تماس‌ها و پیوندهای گروهی افراد بیشتر شود، عمر آنها طولانی‌تر خواهد شد.^۲ حدیثی از امام صادق علیه السلام نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند:

«ما، غیر از صله رحم، چیزی نمی‌شناسیم که بر عمر بیفزاید؛ تا آنجا که گاهی [باقیمانده] عمر کسی، سه سال است؛ اما زمانی که اهل صله رحم می‌شود، خداوند سی سال بر عمرش می‌افزاید و آن را سی‌وسه سال می‌کند و گاهی [باقیمانده] عمر کسی سی‌وسه سال است و قطع رحم می‌کند و خداوند سی سال از عمر او می‌کاهد و عمرش را به سه سال کاهش می‌دهد.»^۳

مطالعات نشان داده است، دیدوبازدید با اقوام و خویشاوندان، روی مغز تأثیر مثبت می‌گذارد. در یک تحقیق، روی یک گروه از افراد بعد از دیدار با اعضای خانواده و بر گروه دیگر بعد از تماشای عکس‌ها و تصاویر اقوام، دوستان و غریبه‌ها، ام.آر.آی انجام دادند دریافتند که دیدوبازدید با نزدیکان، - بیشتر از همه - مغز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد... و ایجاد انگیزه و نشاط می‌کند.^۴

۱. دوآن شولتز و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۳۴۴.

2. www.irannaz.com.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

4. www.irannaz.com.

به این تأثیرات روانی، باید آثار مثبت ارتباط با اقوام بر فرزندان را نیز بیفزاییم؛ بچه‌هایی که با فامیل رفت‌وآمد می‌کنند، اجتماعی می‌شوند. تحقیقی که در سطح شهر اصفهان انجام شده، نشان می‌دهد که روابط خویشاوندی سازنده، تأثیر مثبت و معناداری بر سلامت روانی «جوانان» دارد و دختران و پسرانی که روابط فامیلی بیشتری را تجربه می‌کنند، از نظر: هوش اجتماعی، پابندی به آداب جامعه، مشارکت در فعالیت‌های جمعی، اجتناب از مواد مخدر و جرایم دیگر، در سطح بالاتری قرار دارند.^۱

اصول ارتباط زوجین با خویشاوندان

۱. احترام

بیشترین و شاید تنها چیزی که خانواده همسر از عروس و دامادشان می‌خواهند، «احترام» است. احترام، یعنی رعایت آداب اجتماعی در مورد پدر و مادری که سال‌ها همسر ما را با جان و دل پرورش داده‌اند. امام علی علیه السلام فرمود: «يُكْرَمُ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَالْكَبِيرُ لِسِنِّهِ»^۲ دانشمند را به جهت علمش، و بزرگسال را به دلیل سنّ او، باید احترام کرد. امام علی علیه السلام، ضمن انتقاد از ناهنجاری‌های رفتاری مردم، بر این دو مسئله تأکید می‌نماید: «لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَلَا يَعُولُ غَنِيُّهُمْ فَقِيرُهُمْ»^۳ در زمانه‌ای که سر می‌برید که کوچک‌تر، بزرگ‌تر را گرامی نمی‌دارد و ثروتمند، به فقیر رسیدگی نمی‌کند.»

احترام، به معنای منفعل بودن و غلام حلقه‌به‌گوش بودن نیست؛ احترام، یعنی مثلاً هنگام وارد شدن به مکانی، جلوتر از پدر و مادر همسر، وارد نشویم و یا با

۱. برگرفته از: مجله علمی پژوهشی تحقیقات نظام سلامت، دوره ۷، ش ۳، ۱۳۹۰ش.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۹.

نرم‌ترین زبان با آنها سخن گفته، از طعنه و کنایه در گفتار استفاده نکنیم. نکته دیگر اینکه رعایت آداب اجتماعی در مورد پدر و مادر همسر، باید همیشگی باشد و نباید به بهانه گذشت سال‌ها از زمان ازدواج و خودمانی‌شدن، کم‌رنگ شود. بدانیم که احترام به والدین همسر در حضور دیگران، به‌ویژه اقوامشان، برای آنها حلاوت و شیرینی ارزشمندی دارد. عروسی که در جمع، با ادب و با لحن خوشایند با مادرشوهر سخن می‌گوید، مؤدب‌بودنِ شخصیت خویش و محترم‌بودن مادرشوهر را به همگان نشان می‌دهد.

فرق مابین بنی‌آدم و حیوان ادب است

راحت روح زنان، زینت مردان، ادب است

۲. مدیریت وابستگی به خانواده

گاه یکی از زوجین، آن‌قدر به خانواده خویش وابسته است که حریم خصوصی زندگی مشترک را فراموش می‌کند؛ مثلاً گاهی زن هنگام حضور در کنار همسر، مشغول مکالمات تلفنی طولانی مدت با خانواده خود می‌شود و گزارش روزمره و لحظه‌به‌لحظه زندگی خویش را با خانواده‌اش در میان می‌گذارد. اگر موضوع صحبت‌های، چیزی فراتر از بازگوکردن مسائل ضروری باشد، باعث می‌شود پای دیگران به حریم خصوصی زندگی باز گردد و همسر نیز فکر کند که در تصمیم‌گیری‌های زندگی مشترکش، همیشه ردّ پایی از افکار خانواده همسرش وجود دارد. این اتفاق، در خانم‌ها بیشتر وجود دارد و باعث بدبینی مرد به خانواده همسر می‌شود؛ البته همیشه جوانان مقصر نیستند و گاهی برخی پدرها و مادرها به دلیل کم‌تعداد بودن فرزندان، وابستگی زیادی به آنها دارند و نگرانی را بهانه ارتباط افراطی خود مطرح می‌کنند.

۳. مدیریت انتظارات

بعضی از زوجین، از خانواده همسر انتظارات بیش از حدی دارند؛ انتظاراتی مثل: چرا مادرزن از فرزند ما مراقبت نمی‌کند، چرا سوغات سفر مادرشوهر ناچیز بوده، چرا پدر همسر به فکر وضعیت مالی ما نیست و مسائلی از این نوع. توقع داشتن، یعنی توجه ما تنها معطوف به نیازهای خودمان است؛ بدون اینکه توجهی به احساس و خواسته طرف مقابل داشته باشیم. بدیهی است که هرچه توقع ما از دیگران کمتر باشد، آرامش روحی بیشتری داریم و رنجش ما از دیگران نیز کاهش می‌یابد. از قدیم گفته‌اند: «اگر انتظار و توقعی نداشته باشی، همه آدم‌ها را دوست خواهی داشت.»

۴. گذشت از دلخوری‌ها

گاه زوجین با یک تنش در روابطشان با اقوام یکدیگر، پس از سال‌ها زندگی، خاطرات ناخوشایند بله‌برون و سفره عقد را که در آن باعث دلخوری از فرد خطاکار شده، پیش می‌کشند؛ غافل از آنکه دلخوری کهنه، تبدیل به کینه‌ای تازه می‌شود و کینه نیز باعث سردی ارتباط است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَأَحَقُّ وَأَنْزَرُ مِنْ أَنْ تُطَاعَ فِيهَا الْحِقَادُ»^۱ دنیا، کوچک‌تر، حقیرتر و ناچیزتر از آن است که در آن از کینه‌ها پیروی شود.»

ناگفته پیداست که بخشی از کینه‌جویی‌ها با اقوام همسر که گاه در روابط مادرشوهر و عروس یا مادرزن و داماد مشهود است، ناشی از پیش‌داوری زوجین درباره رابطه «داماد و مادرزن» یا «عروس و مادرشوهر» قبل از ازدواج است که آن هم متأثر از خانواده و دوستانی است که ذهنیت منفی درباره اعضای خانواده

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۸۰۴.

همسر دارند و همین کلیشه‌های ذهنی، مانع صمیمیت آنها با خانواده همسر می‌شود.

کینه‌داشتن نسبت به اقوام، باعث دوستی با بیگانگان می‌شود؛ درحالی‌که به تجربه ثابت شده، بیشتر دوستان هنگام گرفتاری، انسان را رها می‌کنند و تنها همان خویشان به یاری‌اش می‌شتابند؛ زیرا پیوند خویشی، پیوندی طبیعی است که به آسانی بریده نمی‌شود. در مثل‌های عامیانه گفته شده: «اقوام و خویشان، اگر گوشت انسان را بخورند، استخوانش را دور نمی‌ریزند.»^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: انسان هیچ‌گاه از خویشانش بی‌نیاز نمی‌شود. اگرچه مال و اولاد داشته باشد، به ملاحظت و احترام آنان احتیاج دارد. آنها هستند که با دست و زبان از او حمایت می‌کنند و به هنگام گرفتاری، زودتر از دیگران به یاری‌اش می‌شتابند.^۲

۵. رعایت اعتدال در رفت‌وآمدها

رعایت عدالت و انصاف، در میزان ارتباط با خانواده‌ها و فامیل هر دو طرف، موضوع مهمی است. بعضی از زوجین خودخواه، خود و فامیلشان را تافته جدابافته‌ای می‌دانند که ارزش صمیمیت و برقراری ارتباط و معاشرت را دارند و در مقابل، اقوام همسر را در سطح پایین‌تری می‌بینند و ارتباط با آنها را خسته‌کننده ارزیابی می‌کنند؛ مثلاً بعضی از خانم‌ها هر روز به منزل پدری می‌روند و در طول هفته به دایی، خاله، عمه یا عموی خودشان سر می‌زنند؛ اما در رفت‌وآمد با خانواده همسر، همچون غریبه برخورد می‌نمایند و حتی از احوالپرسی تلفنی با خانواده همسر نیز امتناع می‌ورزند. بدیهی است که همسران

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۲۱۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۱.

این افراد، دوگانگی در رفتار این افراد را به پای خودخواهی آنها می‌گذارند و سعی در کنش متقابل و دوری از خانواده همسر دارند. این عامل، ریشه بسیاری از اختلافات زوجین و ارتباطات کم‌رنگ با خانواده همسر است.

گاهی نیز بدون آنکه عمدی در کار باشد، رفت‌وآمد با اقوام یکی از زوجین بیشتر می‌شود و این شاید به دلیل خون‌گرمی بیشتر یا برنامه‌ریزی بهتر اقوام برای دور هم بودن باشد. بنابراین، در مورد فامیلی که در این زمینه کاهل هستند، زوجین جوان باید خودشان برنامه‌ریزی را به عهده بگیرند و برای جمع کردن بستگان پیش‌قدم شوند. تماس با خانواده‌های فامیل و دعوت آنها برای حضور در یک فضای سبز با شام ساده خودشان، کار دشواری نیست و بعید است این کار اندک، از عهده کسی بر نیاید.

۶. استفاده از راهنمایی و مشاوره با خویشاوندان

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که از مشورت کردن بی‌نیاز است؛ مگر افراد مغرور، خودم‌محور و خودرأی. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ؛^۱ هرکس خود را از رأی و نظر دیگران بی‌نیاز بداند، خویشتن را به خطر انداخته است.»

زوجین موفق، مشورت را پشتیبان خود می‌دانند و بی‌گدار به آب نمی‌زنند. این افراد شماتت دیگران را کمتر می‌شنوند و انرژی، وقت و هزینه خویش را تلف نمی‌کنند؛ چون از تجربه دیگران بهترین استفاده را می‌برند. مشورت‌خواستن از اقوام همسر، نوعی احترام و بزرگداشت آنهاست و البته گاهی مشورت‌خواستن، تجویزی برای پایان‌دادن به حسادت دیگران نیز هست.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۸، ح ۵۸۳۴.

گاهی اوقات، زوجین از حسادت یکی از اقوام نسبت به خویش‌گلایه دارند؛ مثلاً عروس از حسادت خواهرشوهر یا جاری گله‌مند است. بهترین روش برای کاهش حسادت دیگران، استفاده از مشورت و راهنمایی آنهاست. بدین وسیله، فرد حسود، خود را در موفقیت فرد شریک دانسته، بخشی از پیروزی وی را به خود نسبت می‌دهد و چه بسا همه تلاش خویش را برای موفق شدن او به‌کارگیرد.

۷. چگونگی برخورد با دخالت‌های خویشاوندان

دخالت، با دلسوزی و مشورت فرق دارد. کسی که در زندگی زوجین دخالت می‌کند، کفایت آنها را نادیده گرفته، سعی دارد در هر مورد ریز و درشتی، نظر خود را اعمال نماید و اگر جز به نظر او رفتار کنند، آنها را سرزنش خواهد کرد. «اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران درباره طلاق، این حقیقت را منعکس کرده‌اند که دخالت دیگران، مانند: اقوام، آشنایان و والدین، موجب شعله‌ور شدن اختلافات زنان و شوهران می‌شود که در بعضی از موارد، به طلاق منجر می‌شود.»^۱ بر اساس آمار، «۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌ها، به علت دخالت خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.»^۲

شخصی می‌گوید: «تا حال سه مرتبه مادرزنم ما را تا آستانه طلاق برده. مثل عقرب نیش می‌زند، به دخترش یاد می‌دهد که به من بی‌احترامی کند، به کارهای منزل نرسد و توقعات بیجا داشته باشد. هر وقت به خانه ما می‌آید، تا یک هفته منزل ما به جهنم بدل می‌شود. برای همین، چشم دیدنش را ندارم.»^۳

۱. مقاله «آسیب‌شناسی خانواده»، «تاریخ دسترسی در: ۱۳۹۵/۵/۱۲»، پایگاه اینترنتی تبیان،

نشانی: www.tebyan.net

۲. پایگاه اینترنتی آفتاب، نشانی: www.aftabir.com

۳. اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.

اگر کسی درباره مسائل زوجین اظهارنظر و دخالتی کرد، مصلحت نیست که آشکارا به آنها گفته شود که شما دخالت می‌کنید؛ بلکه شایسته است زوجین با حفظ استقلال خود، به رهنمودهای آنها با نظر مثبت توجه نمایند تا با آرامش لازم فرصت انتخاب صحیح را برای خود فراهم نمایند. در چنین مواردی، باید خیلی سنجیده و حساب‌شده با دخالت والدین برخورد کرد و از مواجهه مستقیم با آنها، جداً پرهیز نمود؛ مثلاً اگر پیشنهادی دارند که زوجین آن را نمی‌پسندند، نباید همان اول با آن مخالفت کنند؛ بلکه بایسته است که به پیشنهاد آنها خوب گوش کرده، بعد از مدتی، آن پیشنهاد را اصلاح نمایند و به والدین بگویند: آیا اگر ما این‌گونه عمل کنیم، بهتر نیست؟ چه بسا وقتی پیشنهاد زوجین را کارآمدتر ببینند، بگویند که این راه، بهتر و صحیح‌تر است. در بعضی موارد نیز بهتر است زوجین تسلیم حرف والدین خود شوند و با قصد قربت و به جهت احترام به آنها، به پیشنهادشان عمل کنند؛ چه بسا خداوند به دلیل احترام فرزندان به والدین خود، برکتی در کار و زندگی آنها به وجود آورد.

۸. حفظ اسرار خویشاوندان

بزرگی هرکس به اندازه اسراری است که در دل دارد. دختر و پسری که به‌عنوان عروس و داماد عضو یک خانواده می‌شوند، در جریان بسیاری از مناسبات، مشکلات و اختلافات درون خانواده قرار می‌گیرند. بنابراین، باید همچون فرزندان آن خانواده، آمین و حافظ اسرارشان باشند. متأسفانه، بعضی از زوجین، همچون «ستون پنجم» و «خبرچین» عمل می‌کنند و کوچک‌ترین اتفاق خانواده همسر را با هیجانی خاص، به خانواده خود یا اقوام گزارش می‌دهند. این مسئله در ازدواج‌های فامیلی، مشکلات بسیاری را ایجاد نموده، باعث عدم اعتماد نسبت به فرد خطاکار می‌شود. حتی اگر راز و سرّ خاصی در

خانواده همسر نباشد، اینکه آنها بر سفره چه غذایی می‌گذارند، چه وسایلی می‌خرند، با چه کسانی اختلاف یا اتحاد دارند، روابط برادران همسر با زنانشان یا خواهران همسر با شوهرانشان چگونه است، همه اینها به‌مثابه رازی است که زوجین از آن آگاهی دارند و مسلماً فاش‌ساختن آنها هیچ نفعی برای زوجین ندارد؛ جز آنکه مشکلات دنیوی و عذاب اخروی را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پندهای خویش به ابوذر چنین فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَافْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛^۱ جلسات خصوصی، امانت است و افشای سرِّ برادر مؤمن، خیانت می‌باشد. پس، از آن پرهیز.»

شیخ صدوق از عایشه روایت می‌کند: روزی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به محضر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و پنهانی با ایشان گفت‌وگو کرد. وقتی درباره مضمون گفت‌وگویش با پیامبر از او پرسیدم، فرمود: «مَا كُنْتُ لِأَفْشَى سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ من راز رسول خدا را افشا نخواهم کرد.»

حدیث دوست‌نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

۹. حفظ اسرار خانواده

زوجین باید بدانند که هر خانواده، رازهای خودش را دارد و برملاشدن این رازها، هم استقلال خانواده را زیر سؤال می‌برد و هم راه را برای دخالت دیگران باز می‌کند؛ مثلاً در صورت اختلاف زوجین، باید از در میان گذاشتن آن با خویشاوندان پرهیز شود؛ زیرا این اختلافات به‌زودی حل خواهند شد و زوجین آن را فراموش می‌کنند؛ اما چیزی که می‌ماند، دید منفی خانواده و خویشان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۹.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۹۵.

نسبت به رفتارهای شما و همسرتان است. پدرها و مادرها نسبت به ناراحتی‌های فرزندان خویش بسیار حساس‌اند و کسی را که باعث آزار فرزندان شده، به‌سختی می‌بخشند. در میان گذاشتن مسائل زناشویی با یک مشاور متخصص، بهترین اقدام در زمینه حلّ اختلاف‌های خانوادگی است. بنابراین، رفتار عاقلانه این است که هریک از زوجین، اسرار زندگی‌شان را حفظ نمایند تا از مشکلات احتمالی مصونیت یابند؛ امام علی علیه السلام فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ»^۱ سینه عاقل، صندوق سِرّ اوست.»

به غیر از موارد اختلافی، در سایر مسائل نیز زوجین باید توافق کنند که چه چیزهایی را نباید به خانواده خودشان بگویند. گفتنی است، در بعضی از مسائل، نظیر: بیماری، اعتیاد و مسائل حاد که حلّ آن از عهده زوجین خارج است، آگاه‌ساختن خانواده‌ها کاری عقلانی و منطقی می‌باشد.

۱۰. کنار گذاشتن تجملات و رسوم تکلف‌آور

یکی از بدترین آفات روابط فامیلی، رسم‌هایی است که ما را گرفتار تکلفات و مشقات زیاد می‌کند؛ مثلاً بعضی خانواده‌ها هیچ‌گاه دو مرتبه پشت سر هم به خانه یکی از اقوام نمی‌روند و می‌گویند: تا آنها به منزل ما نیایند و بازدید ما را پس ندهند، دوباره به منزل آنها نمی‌رویم! بدیهی است، در این صورت، اگر خانواده‌ای که منتظرشان هستیم، گرفتار و بیمار باشند و نتوانند صله را جبران کنند، دیدار مجدد این فامیل با تأخیری طولانی همراه خواهد بود.

رسوم دست‌وپاگیر، گاهی منجر به ایجاد توقعات و دلخوری‌های بیهوده می‌شود. خانم جوانی می‌گفت: «مادر من، اهل به‌رخ‌کشیدن موقعیت فرزندان به فامیل است و هر وقت می‌خواهم فامیل درجه یک خودم را به منزل

۱. محمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴.

دعوت کنم، مادرم تماس می‌گیرد و از برنامه ما برای شام می‌پرسد و اگر بگویم مثلاً قرمه‌سبزی آماده می‌کنم، می‌گوید: آبروریزی نکن و کباب و جوجه از بیرون تهیه کن! همین موضوع، باعث شده من و همسرم به دلیل هزینه‌های زیاد، رغبتی به مهمانی دادن نداشته باشیم.»

نتیجه‌گیری

ناگفته پیداست که زنان با به‌کارگیری زبان احساسی و نرم، در ترغیب شوهر به اجرای اوامر الهی، به‌ویژه در حُسن ارتباط با فامیل هر دو طرف، نقش قابل ملاحظه‌ای دارند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۱ بیشترین خیر و برکت، در زنان است.»

زنان مؤمن، زنانی هستند که احساس مسئولیت و ایمان به قیامت دارند. د و در اجرای اوامر الهی، با همسر خویش توافق دارند و اگر ببینند شوهرشان نسبت به اقوام هر دو طرف کوتاهی نموده و از کمک به آنها دریغ می‌ورزد، او را به حُسن ارتباط و کمک به دیگران ترغیب می‌کنند؛ اما زنانی که برخلاف خواسته حق و بر محور «خود» در حرکت‌اند یا با توقعات بیجای خود، مانع صله رحم می‌شوند، خداوند چنین کسانی را دشمن انسان قلمداد کرده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَعَفَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندانان، دشمنان شما هستند. از آنها برحذر باشید و اگر عفو کنید و چشم پپوشید و ببخشید، [خدا نیز شما را می‌بخشد؛] چراکه خداوند بخشنده و مهربان است.»

۱. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۳۵۲.

۲. تغابن، آیه ۱۴.

نقش والدین در سعادت یا شقاوت فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

اشاره

پدر و مادر، علاوه بر تأمین نیازهای جسمی فرزندان و تأمین غذا و لباس برای آنان، نسبت به فکر و روح یا عقیده و معنویات آنها نیز وظیفه دارند. والدین نمی‌توانند نسبت به آینده فرزندان خویش و سعادت یا شقاوت آنان بی‌تفاوت باشند؛ چون در سرای آخرت، در این باره بازخواست خواهند شد. بنابراین، می‌توان گفت بهترین چیزی که والدین برای فرزندان خویش به ارث می‌گذارند، تربیت و ادب نیکوست؛ نه مال و ثروت دنیایی؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءَ الْأَدَبُ»^۱ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است.

در نوشتار حاضر، ضمن اشاره به اهمیت نقش والدین در سعادت یا شقاوت فرزندان، وظایف اخلاقی و تربیتی آنان را نیز در این خصوص برمی‌شماریم.

* محقق و نویسنده.

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ح ۵۰۳۶.

ضرورت و اهمیت بحث

یکی از بایسته‌های زندگی اجتماعی، تربیت فرزندان است؛ چراکه ایجاد خانواده متعادل و جامعه آرمانی، به این امر بستگی دارد. ازاین‌رو، تعلیم و تربیت فرزندان، همواره از جمله دغدغه‌های انسان‌ها بوده است. امروزه، تربیت فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا دشمنان، فرزندان ما را نشانه رفته و در قالب جنگ نرم، در صدد سست‌نمودن عقاید و هویت‌زدایی آنان می‌باشند. یکی از روش‌های مقابله با شیخون فرهنگی، تربیت روشمند فرزندان است. همچنین، هیچ سرمایه‌ای برای پدر و مادر، ارزشمندتر از آن نیست که فرزندان صالح از خود به یادگار بگذارند که مایه آبرو و سرفرازی آنان در دنیا و وسیله خیر و رحمت برای پس از مرگشان باشند. گاهی نام نیک والدین، توسط فرزندان صالح، باقی می‌ماند و به تعبیر امام سجاد علیه السلام که فرمود: «وَأَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي»^۱، موجب زنده‌ماندن نام و خاطره نیک والدین میان مردم می‌شوند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هرگاه مؤمن از دنیا برود، عملش هم قطع می‌شود؛ مگر از سه مسیر: یکی، صدقه جاریه، دیگری، علمی که مردم از آن سود ببرند و سوم، فرزند صالحی که برای او دعا کند؛ «... أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»^۲

تأثیرگذاری والدین در سعادت یا شقاوت فرزند

برخی تصور می‌کنند که تربیت فرزند، بعد از تولدش آغاز می‌شود؛ حال آنکه این امر، به زمان پیش از تولد برمی‌گردد. ازاین‌رو، در آموزه‌های دینی برای قبل و بعد بارداری زن، آداب و شرایطی تعریف شده است که رعایت یا عدم

۱. صحیفه سجاده، دعای ۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲.

رعایت آن، در شخصیت و آینده فرزند تأثیر شگرفی دارد. بر اساس آمار، تعداد بسیاری از کودکان ناقص‌الخلقه جهان و کودکانی که رشد مغزی، عصبی و جسمی ناقصی دارند، به دلیل تغذیه نادرستی بوده که مادرانشان در دوران بارداری داشته‌اند.^۱ طبق برخی تحقیقات، علاقه‌مندی مادر به فرزند در هنگام شیردادن، در ثبات شخصیت او مؤثر است.^۲ به همین جهت، در روایات تأکید شده که پیش و پس از بارداری، رعایت برخی مسائل ضرورت دارد؛ مثلاً سفارش شده که در هنگام ازدواج، برای فرزنددار شدن دعا کنیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی قصد ازدواج داشتید، چنین دعا کنید: «اللَّهُمَّ... قَدَّرْ لِي وَوَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي؛^۳ ...» بر این اساس، ما و فرزندانمان، در زندگی بر سرِ دو راهی خوش‌بختی و بدبختی قرار داریم. از بدو تولد تا پایان عمر، انسان، بسانِ فلسی متغیر است؛ یا به سوی خیر و سعادت، یا به طرف شرّ و شقاوت قرار داد. از این رو، مراقبت دائمی از فرزندانمان، امری لازم است، تا آنکه به پایان سعادت برسیم؛ نه به فرجام شقاوت.

وظایف اخلاقی و تربیتی والدین

با توجه به مطالب یادشده، وظیفه والدین در این عرصه مشخص می‌شود. اکنون باید دید والدین، در سعادت‌مند ساختن فرزندان خود چه کاری می‌توانند و یا باید انجام دهند.

۱. ابراهیم امینی، تربیت، ص ۳۹.

۲. علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند، ص ۶۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۲؛ «خدایا! برای من فرزند شایسته‌ای مقدر کن و او را فرزند صالحی در حیاتم و پس از مرگم قرار ده.»

۱. دعا

نقش دعای والدین در سعادت فرزند، بسیار مهم است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: سه دعاست که از آستان پروردگار ردّ نمی‌شود؛ یکی از آنها، دعای پدر برای فرزندی که به او نیکی نموده: «دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهُ»^۱ از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز روایت است که دعای چهار نفر ردّ نمی‌شود؛ از جمله، دعای پدر در حق فرزند است: «وَالِدٌ لِوَلَدِهِ»^۲

در قرآن کریم یکی از اوصاف «عِبَادُ الرَّحْمَنِ»، دعامودن برای داشتن همسران و فرزندانی است که سبب روشنایی چشم آنان شمرده شده است: «... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ»^۳

محمدتقی مجلسی می‌گوید: در سحرگاهی پس از نماز شب و به هنگام مناجات با پروردگار، حال خوشی به من دست داد که دریافتم اگر در آن هنگام درخواستی نمایم، اجابت خواهد شد. اندیشیدم که چه دعا و درخواستی نمایم که ناگاه صدای گریه محمدباقر از گهواره‌اش بلند شد. بی‌درنگ گفتم: «پروردگارا! به حق محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، این کودک را از مبلغان دینت، ناشران احکام پیامبرت و از یاران امام زمانت قرار ده و در این راه، او را به توفیق‌های بی‌پایان نایل گردان.»^۴

۲. انتخاب همسر شایسته

انتخاب همسر شایسته، از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت فرزند است؛ زیرا طبق

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۵۶۹۳.

۲. همان، ح ۵۶۹۵.

۳. فرقان، آیه ۷۴: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان.»

۴. علی محمد رفیعی، زندگی ملامحمدباقر مجلسی، ص ۴۲.

قانون وراثت، همان‌طور که صفات ظاهری والدین و اجداد به فرزند منتقل می‌شود، رذایل و فضایل اخلاقی آنان نیز به او انتقال می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از طایفه پاک‌دامن و خوش‌اخلاق، همسر انتخاب کنید. به‌درستی که عِزْق (ژن) در فرزند اثر می‌گذارد.»^۱ محمد حنفیه، فرزند علی علیه السلام در جنگ جمل پرچمدار بود. امام علی علیه السلام به وی فرمان حمله داد و او نیز حمله کرد؛ ولی دشمن با تیر و ضربات نیزه، جلوی او را گرفت. محمد از پیشروی باز ماند. حضرت فرمود: از حملات دشمن مترس، حمله کن. محمد، قدری پیشروی کرد؛ ولی باز متوقف شد. علی علیه السلام از ضعف فرزندش آزرده‌خاطر شده، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوشش کوبید و فرمود: «أَذْرَكَ عِزْقُ أُمَّكَ؛^۲ این ترس را از مادرت به ارث برده‌ای.»؛ یعنی من که پدر تو هستم، ترسی ندارم.

۳. لقمه حلال

در روایات آمده است که شقی و بدبخت، در همان شکم مادر، بدبخت است و سعید و رستگار، در همان شکم مادر، رستگار است. احادیث متعددی در این مورد وجود دارد؛ از جمله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيءُ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.»^۳ این سخن، به معنای آن است که ریشه‌های سعادت و شقاوت، حتی از دوران بارداری شکل می‌گیرد. اصل ازدواج و چگونگی انعقاد نطفه، غذاهایی که مادر در دوران حمل می‌خورد، افکار و روحیاتش، فضای خانه، نوع زندگی، دوستان و معاشران، فیلم‌ها و

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷: «تَزَوَّجُوا فِي الْجِجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ.»

۲. میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۶۸.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۹۵۳۳.

عکس‌هایی که می‌بیند و صداها و حرف‌هایی که می‌شنود، همگی در شکل‌گیری روحیه و شخصیت فرزند مؤثر است. از این رو، افراد آگاه نسبت به سپری شدن سالم این دوران، بسیار حساس‌اند و هر غذایی را نمی‌خورند و خانه هرکسی نمی‌روند و در هر مهمانی شرکت نمی‌کنند و بیشتر به یاد خدا و مشغول دعا و ذکرند. نمونه این تأثیرگذاری را می‌توان در این داستان دریافت؛ نقل شده که روزی خانمی فرانسوی، تحت عمل جراحی قرار گرفت. زمانی که تیغ جراح به عصبی از اعصاب مغز او رسید، در حالت بی‌هوشی، شروع به خواندن سرودی آلمانی کرد. گروه جراح شگفت‌زده شدند و شگفتی آنان زمانی بیشتر شد که بعد از عمل جراحی فهمیدند این خانم، اصلاً زبان آلمانی بلد نیست! بعد از بررسی، روشن شد که وقتی این خانم نوزاد بوده، سربازان آلمانی به فرانسه حمله کرده بودند و وارد محل سکونت این نوزاد شده بودند و در آن لحظه، سرود می‌خواندند و این سرود، در واقع، در ضمیر ناخودآگاه کودک نقش بسته است.^۱

به جهت اهمیت این موضوع، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت به تهیه لقمه حلال حساس بودند؛ چنان‌که در شرح حال رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «پس از روزی بس سوزان، امّ عبدالله ظرف شیری برای افطار رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد. حضرت ظرف را به وی بازگرداند و به وی پیغام فرستاد که: این شیر را از کجا آورده‌ای؟ امّ عبدالله گفت: از گوسفند خویش. سپس فرمود: این گوسفند را از کجا آورده‌ای؟ امّ عبدالله گفت: از مال خود خریده‌ام. سپس، ایشان شیر را آشامید. فردای آن روز، امّ عبدالله نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! به جهت گرمی هوا و درازی روز، ظرف شیری برایتان فرستادم؛ اما

۱. ر.ک: حسین دهنوی، نسیم مهر، ج ۱، ص ۶۶ و ۶۷؛ محمدعلی کریمی‌نیا، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، ص ۴۰ و ۴۱.

شما آن را همراه پیکی بازگردانید! پیامبر خدا ﷺ فرمود: «بِذَلِكَ أُمِرَتِ الرُّسُلُ أَنْ لَا تَأْكُلَ إِلَّا طَيِّبًا وَلَا تَعْمَلَ إِلَّا صَالِحًا»^۱ به سبب همین، پیامبران فرمان یافته‌اند که جز حلال نخورند و جز کار نیک، انجام ندهند.»

۴. نام‌گذاری و کام‌برداری

مستحب است وقتی نوزاد به دنیا می‌آید، کام او را با آب فرات یا تربت سیدالشهداء علیه السلام بردارند؛ چراکه این کار، در ولایت‌مداری فرزندان مؤثر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «حَنُّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ أَمَانٌ»^۲ کام فرزندان را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که موجب در امان بودن [از انحراف، شرک و گرایش به دشمنان اهل بیت علیهم السلام] است.»

«نام نیکو» نیز بر شخصیت فرزند بسیار اثربخش است و در روایات، یکی از حقوق فرزندان بر والدین، انتخاب نام پسندیده شمرده شده است. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما فرزندانمان را با نام‌های شما و پدرانمان نام‌گذاری می‌کنیم. آیا این کار، نفعی برای ما دارد؟ حضرت فرمود: «آری، به خدا قسم، مگر دین، چیزی جز محبت است.»^۳

آداب و سنن دینی در مورد تولد فرزندان، از قبیل: عقیقه، ولیمه، اذان و اقامه در گوش آنان گفتن، هرکدام به گونه‌ای در سرنوشت و سعادت آنان مؤثر است.

۵. تربیت شایسته

از مهم‌ترین وظایف والدین نسبت به فرزندان، تربیت شایسته آنان از نظر

۱. اسماعیل حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۶، ص ۸۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰.

اخلاق، دیانت، تعلیم، قرآن‌آموزی و تربیت ولایی است. روح و قلب فرزندان در دوران کودکی، بسیار نقش‌پذیر است. به فرموده امام علی علیه السلام: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ»^۱ دل نوجوان و کودک، همچون زمین خالی است؛ هر بذری که در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در نقش‌پذیری ذهن و دل کودکان می‌فرماید: «مَثَلُ الْعِلْمِ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ»^۲ مثال دانش در کوچکی، همچون نقش بر سنگ است.»

حضرت علی علیه السلام در نامه خود به امام مجتبی علیه السلام فرمود: «فرزندم! پیش از آنکه من از دنیا بروم و قبل از آنکه قلب تو سخت شود، یا هوس‌ها و فتنه‌های دنیا بر تو غلبه یابد و اندیشه‌ات قساوت گیرد، من مبادرت به این وصیت‌ها کردم؛ تا آنها را جدی بگیری و به کار بندی و راهت در آینده، روشن و بدون ابهام باشد؛

«... فَبَادِرْتِكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوَ قَلْبَكَ وَ يَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ...»^۳

والدین نباید نسبت به تربیت فرزندان خویش بی‌خیال باشند و آن را بر عهده مهد کودک‌ها، مدارس و رسانه‌ها بگذارند؛ به‌خصوص در زمینه «تربیت دینی» فرزندان، لازم است که اهتمام بیشتری از خود نشان دهند.

۶. نظارت بر دوستان

فرزندان ما بیرون از خانه و در مدرسه و محله، دوستانی دارند که در اثر رابطه با آنان، به رنگ و بوی آنها درمی‌آیند.

تو اول بگو با کیان زیستی پس آنگه بگویم که تو کیستی

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، حکمت‌نامه، ص ۱۳۰.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

بسیاری از انحراف‌ها و مفسد فرزندان و اعتیاد و گناه آنان، از طریق دوستان نایاب پدید می‌آید. والدین نمی‌توانند نسبت به این مسئله که فرزندانشان با چه کسانی رفاقت و حشر و نشر دارند و کجا می‌روند و چه می‌کنند و دوستانشان چه کسانی‌اند و چه افکار و اخلاقی دارند، بی‌تفاوت باشند. ثمره این بی‌تفاوتی، جز ندامت والدین را در پی نخواهد داشت و پس از انحراف و گرایش‌های نامناسب فرزندان نیز، پشیمانی سودی ندارد. پس، علاج واقعه، قبل از وقوع باید نمود.

امام سجاد علیه السلام به فرزندش، امام باقر علیه السلام، توصیه می‌کند: فرزندم! با پنج نفر، مصاحبت، رفاقت و گفت‌وگو و همنشینی نکن: دروغگو، فاسق گنهکار، بخیل، احمق و کسی که با خویشاوندانش قطع رابطه کرده است.^۱

حضرت در ادامه توصیه‌های خویش، ضمن نهی از همنشینی با این پنج گروه، مفسد و زیان‌های هر یک را هم متذکر شده است. این، نمونه‌ای از نظارت و دقت و مشورت‌دادن والدین به فرزندان در مورد دوستی‌هاست.

۷. زمینه‌سازی برای تحصیل

از آنجا که بسیاری از تبهکاری‌ها و جرایم و شقاوت‌ها، در اثر ضعف فرهنگی و بی‌سوادی است و نیز داشتن تحصیلات خوب، در سعادت و آینده نیک فرزندان بسیار مؤثر است، والدین باید کمک کنند تا فرزندانشان باسواد شوند، خوب درس بخوانند، مدرسه و معلم خوبی داشته باشند و برای آینده جامعه هم مفید باشند. امام علی علیه السلام فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ»^۲ فرزندان خود را به آموختن دانش امر کنید.»

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۸۴، ح ۴۵۹۵۳.

فراگیری دانش و تحصیل فرزندان، می‌تواند شامل: آموزش مباحث اعتقادی و دینی، احکام شرعی، علوم قرآنی و حدیثی و نیز معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد تا مبادا به سبب ضعف شناخت دینی، دچار انحراف عقیدتی و شبهات فکری شوند.

۸. جاذبه و محبت

معمولاً ریشه عقده‌های روانی، جرایم اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر، فرار از خانه، به دام منحرفان افتادن و یا ترک تحصیل، به «کمبود محبت» برمی‌گردد. از این‌رو، اگر والدین نسبت به فرزندان خویش مهرورزی کنند و در عمل به آنها علاقه نشان دهند و برایشان احترام و شخصیت قائل شوند، هرگز آنان دچار عقده خودکم‌بینی و کمبود محبت نمی‌شوند و به دام و دامن گمراهان نمی‌افتند.

اگر محیط خانه، گرم و پُر محبت باشد، فرزندان به آغوش محبت‌های بیرون از خانه روی نمی‌آورند. اگر آنان احساس کنند که مورد توجه والدین و افراد خانه‌اند و در در دل اهل خانه جای دارند، فکر فرار از منزل به سرشان نمی‌زند و با کمترین محبت بیرونی، جذب دیگران نمی‌شوند. در روایات، توصیه‌های فراوانی شده که فرزندان خود را بیوسید، نوازش کنید، با ادب و احترام با آنان برخورد کنید و میان آنها به عدالت رفتار نمایید؛ زیرا این رفتارها، در شکل‌گیری شخصیت فرزندان کمک می‌کند و در سعادت آنان نقشی اساسی دارد. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَحْبِبُوا الصَّبِيَانَ وَ اِرْحَمُوهُمْ...»^۱ بچه‌ها را دوست بدارید و به آنان ترحم کنید و هرگاه به آنان وعده‌ای دادید، عمل نمایید.»

البته محبت‌های افراطی و لوس و پُر توقع بارآوردن کودکان هم زیان‌هایی دارد. از این‌رو، باید مراقب بود و از مرز اعتدال فراتر نرفت. رابطه والدین و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

فرزندان، باید دوستانه و بر مبنای صمیمیت باشد. امام سجاده علیه السلام در دعای خود از خداوند می‌خواند: «وَصَيَّرَنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا»^۱ خدایا! مرا نسبت به پدر و مادرم رفیق و دلسوز قرار بده.»

و یا در دعا برای فرزندان از خداوند می‌خواهد: «وَأَجْعَلُهُمْ لِي مُحِبِّينَ، وَعَلَى حَدِيبٍ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ»^۲ خدایا! فرزندانم را نسبت به من دوستدار، مهربان، علاقه‌مند، درست و مطیع قرار بده.»

از این دو دعا برمی‌آید که رابطه میان فرزندان و والدین، باید بر اساس محبت‌ورزی و علاقه‌طرفینی باشد.

۹. الگودهی

فرزندان ما در مقطع کودکی، نوجوانی و جوانی، تحت تأثیر الگوها و قهرمان‌ها قرار می‌گیرند. اگر کسانی در نظرشان محبوب و قهرمانی شایسته باشند، در افکار و رفتار، لباس و وضع ظاهر و حتی سبک زندگی نیز از آنان تبعیت می‌کنند.

از این رو، علاوه بر اینکه والدین، در صفات نیک و تعهد و اخلاق و دیانت، باید خود الگوی خوبی برای فرزندان باشند، لازم است که الگوهای شایسته را نیز به آنان نشان دهند. برای این کار، باید به تناسب سطح فکری و سنی فرزندان، الگوی مناسبی را به آنها معرفی کرد؛ مثلاً داستان‌گویی برای بچه‌ها می‌تواند زمینه بروز سلسله ارزش‌های اخلاقی در نزد آنان باشد. بیان خوبی‌ها و فضایل و مجاهدت‌ها و فداکاری‌های پیامبران، امامان، اصحاب، یاران ائمه، انسان‌های نمونه، سرداران شهید، مبارزان انقلابی، زنان محجبه و باتقوا، عالمان

۱. صحیفه سجاده، دعای ۲۴.

۲. همان، دعای ۲۵.

سخت‌کوش، مخترعان و دانشمندان برجسته، روشی مناسب برای الگودهی است.

تماشای فیلم‌های مثبت و اثرگذار، داستان‌های خوب و سازنده نیز، از جمله این راه‌هاست. بسیاری از قصه‌ها و شجاعت‌های امام علی علیه السلام که در دوران خردسالی برای بچه‌ها گفته می‌شود، در ذهن آنان نقش می‌بندد و تا آخر عمر، آن حضرت را به‌عنوان قهرمانی دوست‌داشتنی و الگوی جوانمردی، در یاد و خاطر خویش حفظ خواهند کرد.

۱۰. تأمین نیازهای کودکی

فرزندان در دوران کودکی، به لحاظ سن و سالشان، باید بازی و جست‌وخیز داشته باشند و اگر در کودکی بازی نکنند، در بزرگسالی حرکات بچه‌گانه از آنان سر می‌زند. در این زمینه، تهیه وسایل تفریح و بازی کودکان، بازی کردن با ایشان، تأمین و انتخاب هم‌بازی مناسب، بردن آنها به اماکنی جهت تفریح سالم و یا آزادگذاشتن آنان برای بازی‌های کودکانه، از جمله کارهای لازم است؛ وگرنه باعث بروز عقده‌های روانی برای ایشان در سال‌های بعد خواهد شد.

در احادیث اسلامی آمده است که کودک را تا هفت سال آزاد بگذارید تا بازی کند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده است: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ.»^۱ امام کاظم علیه السلام نیز فرمود: «تُسْتَحَبُّ عِرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِبْرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ»^۲ پسندیده است که پسر بچه در کودکی بازی و جست‌وخیز داشته باشد، تا در بزرگی بردبار باشد. «همچنین، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عِرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۷۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۶۱. در برخی نقل‌ها، «غرامه» است.

صِبْرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛^۱ جست‌وخیز و بازی کودک در کوچکی، مایه فزونی عقل او در بزرگی است.»

مقصود، آن است که اگر فرزندان در کودکی بازی نکنند و انرژی آنان تخلیه نشود، در بزرگسالی به مشکل برمی‌خورند. برخی آثار بازی در کودکی، عبارت است از: تخلیه انرژی‌های دوران کودکی، آرامش و وقار در بزرگسالی، اعتماد به نفس، برطرف شدن کم‌رویی، همدلی و مسئولیت‌پذیری.

در سیره پیامبر خدا ﷺ هم‌بازی با کودکان، بر دوش خود سوارکردن آنان و نیز بازی با حسن و حسین علیهما السلام نقل شده است. همچنین، آن حضرت فرموده: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛^۲ هرکس بچه‌ای دارد، با او هم‌بازی شود.»

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از عوامل اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و هدایت دیگران است. این کار، وظیفه‌ای همگانی است؛ چه اینکه بی‌تفاوتی در این زمینه، گناه است و موجب گسترش و عادی‌شدن گناهان در جامعه می‌شود. در خانواده و نسبت به فرزندان نیز این مسئله وجود دارد.

مطابق آیات قرآن کریم، حضرت لقمان علیه السلام فرزندش را نصیحت می‌کرد و او را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر هم دستور می‌داد.^۳ لقمان علیه السلام با دعوت فرزند خود به پرهیز از شرک، انجام عمل صالح، نماز خواندن، امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها، هم عملاً خودش هدایتگری و ارشاد می‌کرد و هم فرزند خویش

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۱۰.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۳. لقمان، آیه ۷ و ۱۳.

را به امر به معروف و نهی از منکر توصیه می نمود؛ زیرا به سعادت و کمال فرزندش علاقه مند بود.

قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و خانواده تان را از آتش شعله ور دوزخ حفظ کنید.» در روایات آمده است که مقصود از حفظ خانواده (زن و فرزندان) از آتش، دعوت آنان به خیر و امر به معروف و نهی از منکر است. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد، یکی از مؤمنان نشست و گریه آغاز کرد و گفت: من از حفظ خودم از آتش جهنم ناتوانم، تکلیف حفظ خانواده هم بر دوش من آمد! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همین که آنان را به آنچه خود را امر می کنی، فرمان دهی و آنان را از آنچه خودت را پرهیز می دهی، نهی کنی، کافی است.^۲

۱۲. فراهم نمودن شرایط ازدواج

ازدواج، نیاز طبیعی انسان است. اگر فرزندان به سن ازدواج رسیدند، پدر و مادر وظیفه دارند شرایط ازدواج آنها را فراهم کنند، تا عفاف و پاکدامنی و دینشان حفظ شود. در روایات بسیاری، ازدواج، عامل حفظ نیمی از دین به شمار آمده و نیم دیگر را باید به وسیله تقوا حفظ کرد.^۳

از این رو، کمک در راستای سامان گرفتن فرزندان با ازدواج و آسان گیری آن و پرهیز از مانع تراشی و بهانه های مختلف، از وظایف والدین است. بالا رفتن سن ازدواج و مشکلات تشکیل خانواده، زمینه ساز بسیاری از روابط مجرمانه و به گناه افتادن جوانان است. اگر والدین در این مسئله کوتاهی کنند، در گناه فرزندان

۱. تحریم، آیه ۶.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۹۵، ذیل آیه شریفه.

۳. ملامحسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۵۳.

خود شریک‌اند.

امام رضا علیه السلام فرموده: جبرئیل بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و پیام آورد که خداوند سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران باکره، همچون میوه‌های رسیده بر درخت‌اند که درمانی جز چیدن ندارند؛ وگرنه خورشید و باد آنها را خراب می‌کند. دختران باکره نیز وقتی به سنّ بلوغ و رشد رسیدند، چاره‌ای جز شوهر ندارند؛ وگرنه از فتنه و لغزش ایمن نیستند. پیامبر نیز به منبر رفت و این پیام را به مردم رساند.^۱

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹.

اهمیت پوشش در برابر محارم

گروه تأمین منابع

دیدگاه فقه و اخلاق

یکی از مسائل اخلاقی که بایسته است مورد توجه قرار گیرد، پوشش در برابر افراد محرم است. عده‌ای گمان می‌کنند که فقط باید در برابر افراد نامحرم حجاب را رعایت کنند؛ در حالی که مسئله حجاب، دامنه‌ای گسترده دارد و افراد خانواده و محارم را نیز شامل می‌شود. متأسفانه، این موضوع در برخی خانواده‌ها اهمیت چندانی ندارد و کمتر به آن پرداخته می‌شود.

پوشش دختران در برابر محارم، از دو بُعد قابل بررسی است:

۱. **از نظر حکم فقهی:** پوشش دختران در برابر محارم، ضرورت ندارد و واجب نیست همه اعضای بدن خود را بپوشانند. مراجع تقلید در این باره فرموده‌اند: «مرد و زنی که با یکدیگر محرم هستند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می‌توانند غیر از عورت، به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.»^۱

۲. **از نظر اخلاقی:** اگرچه بر اساس فقه، مقدار پوشش محارم - مانند برادر و خواهر - در منزل، کمتر از مواقعی است که در مقابل نامحرم هستند، اما رعایت نکردن معیارهای عرفی میان محارم، می‌تواند قواعد شرعی را نیز به

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۴۱۹، م ۲۴۳۷.

چالش بکشاند. از این‌رو، شرع برای تقویت جایگاه عرف و اخلاق در خانواده و محارم، به‌ویژه خواهر و برادر و جنس موافق یا مخالف، نگاه با قصد لذت و مفسده‌انگیز را میان خواهر و برادر و دیگر محارم، منع کرده است.

پدر و مادر، نباید با شعار معروف «چهاردیواری - اختیاری» و به بهانه اینکه همه خانواده، محرم یکدیگرند، هرگونه خواستند، بپوشند و هرچه خواستند، با هم بگویند. چگونگی معاشرت بین تک‌تک افراد خانواده باید تابع مقررات ویژه‌ای باشد و مادر و دختر خانواده، از پوشیدن لباس‌های کوتاه و تنگ و آرایش‌های زننده خودداری کنند. ممکن است گفته شود چه کسی نزدیک‌تر از خواهر یا برادر؟ برادر و خواهر، یعنی کسانی که از گوشت، پوست و استخوان همدیگرند. پس، در برابر آنها می‌توان راحت بود. در پاسخ، به یک حدیث اشاره می‌کنیم. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «مردی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: ای رسول خدا! خواهرم موهای خود را در مقابل من باز می‌گذارد.» حضرت فرمودند: «نه (نباید این کار را انجام دهد)؛ زیرا می‌ترسم وقتی چیزی از زیبایی‌ها، موها یا ساعد خود را برای تو نمایان کند، به گناه بیفتی.»^۱

امام علی علیه‌السلام گفت: «ای رسول خدا! آیا هنگام ورود بر مادرم، از او اجازه بگیرم؟» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «بله.» علی علیه‌السلام عرض کرد: «برای چه؟» فرمود: «آیا خوشحال می‌شوی مادرت را عریان ببینی؟» علی علیه‌السلام گفت: «خیر.» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «بنابراین، اجازه بگیر!»^۲

پیامدهای نوع پوشش در برابر محارم

گاهی پسر خانواده‌ای می‌گوید به دلیل نوع پوشش مادر یا خواهرم در خانه،

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۳۸.

ذهن آرامی ندارم و آنان عامل تحریک من شده‌اند و یا گاهی مادر یا خواهر می‌گوید پسر خانواده، بعضی مواقع رفتاری می‌کند که احساس می‌کنیم قصد سوئی دارد؛ با ریشه‌یابی این رفتارها، مشخص می‌شود که در بسیاری از این خانواده‌ها، مادر و دختر در مقابل پدر و پسر، پوشش‌های نامناسبی دارند و آرام‌آرام قبح پوشش نامتعارف دختر و مادر، در برابر مردان خانواده ریخته شده و دیگر این نوع رفتار را زشت نمی‌بینند. در نتیجه، حیا و عفت در دیدگاه آنها کم‌اهمیت جلوه می‌کند و نوجوانی که همیشه مادر خود را نیمه‌عریان می‌بیند، احساس شرم نمی‌کند از اینکه خاله، دخترخاله و زن بیگانه را نیز با همان وضع ببیند.

پوشش اطرافیان، می‌تواند در بلوغ زودرس فرزندان نقش مهمی داشته باشد. زمینه تحریک جنسی در کودکی که پیش از نوجوانی، هر روز با بدن نیمه‌عریان مادر و خواهر مواجه است و قسمت‌های برجسته بدن آنان را می‌بیند، سریع‌تر و زیادتر است و آنچه را در خانواده می‌بیند، ناخودآگاه در کوچه و خیابان بر افراد دیگر منطبق می‌کند و باعث می‌شود زودتر از موعد بالغ شود.

بعضی چنین می‌پندارند که: «اگر کودک در خانواده با چنین صحنه‌هایی مواجه باشد، وقتی در مجالس و جوامع با چنین صحنه‌هایی برخورد کند، با حرص و ولع به چنین افرادی نگاه نمی‌کند.»؛ درحالی‌که واقعیت امر، چیز دیگری است؛ چنان‌که زنان و دختران اروپا و آمریکا، سربرهنه شدند و کودکان خود را به چنین صحنه‌هایی عادت دادند؛ اما باز هم کودکان آنها به جامعه، با نظر شهوت نگاه کردند و همچنان آمار جنایات جنسی در جامعه آنان بالاتر رفت.

پایه‌های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان، بر مبنای تقلیدی است که از راه شنیداری و دیداری حاصل می‌شود. بنابراین، گفتار و رفتار مادر و پدر

تأثیر فراوانی بر کودک دارد. این امر درباره پوشش نیز صدق می‌نماید. اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد، کودک هم سعی می‌کند همان پوشش را از مادر تقلید نماید و در دوران نوجوانی، با او همانندسازی کرده و همان شیوه را به‌عنوان سبک زندگی برگزیند.

توصیه‌ها و راهکارها

۱. **خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم، پس از سنّ معین:** با وجود اینکه در اسلام به محبت و نوازش و بوسیدن بچه‌ها سفارش شده، اما این رفتار، پس از سنّ معین، از سوی افراد نامحرم منع می‌شود. «احمد کاهلی از امام صادق علیه السلام پرسید: دختر بچه نامحرمی، خود را در آغوش من می‌اندازد و من او را بلند می‌کنم و می‌بوسم. حکمش چیست؟ امام علیه السلام پاسخ دادند: اگر دختر شش ساله شد، او را روی پای خود نشان.»^۱

۲. **خودداری از عمل جنسی در برابر فرزندان:** یکی از شیوه‌های پیشگیری از تحریک جنسی، خودداری والدین از انجام عمل جنسی در برابر دیدگان فرزندان است که از دوران نوزادی تا سنین نوجوانی و بعد از آن را شامل می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قسم به آن‌که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسرش هم‌آغوش شود و در خانه، کودکی بیدار باشد و آنها را ببیند و صدا و نفسشان را بشنود، هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود.»^۲

۳. **اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین:** اسلام از والدین خواسته به کودک خود آموزش دهند که پیش از وارد شدن به استراحتگاه آنان، اجازه بگیرد. هدف از این دستور، پیشگیری از روبه‌رو شدن کودک با صحنه‌های

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۳.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۳.

جنسی پدر و مادر و پیامدهای آن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی، برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست [که بدون اذن وارد شوند] و بر گرد یکدیگر بگردید.»^۱

۴. خودداری از لخت‌شدن در برابر کودکان: متأسفانه، برخی پدر و مادران

تصور می‌کنند که کودکان متوجه مسائل جنسی نمی‌شوند. از این رو، در حضور کودکان لخت می‌شوند و حال اینکه این امر، در تربیت جنسی کودکان اثر منفی می‌گذارد. افزون بر آن، لخت‌شدن در برابر کودکان، حیای آنها را از بین می‌برد و باعث تحریک جنسی کودکان می‌شود. این مسئله، در مورد لخت‌کردن کودکان و دیدن عورت آنها نیز مطرح است.

۵. پوشش مناسب مادر در مقابل فرزند: اگرچه از نظر شرعی، ضرورت

ندارد که مادر همه اعضای بدن خود را از فرزندان پبوشاند، اما از نظر تربیتی و روان‌شناختی، کودک شکل پوشش مادر را تقلید می‌کند. اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد، کودک آنچه را می‌بیند، در حافظه خود ضبط کرده، می‌کوشد تا نوع پوشش خود را از مادرش تقلید نماید.

علل مخالفت فرزندان با والدین

حمیده اسماعیلی*

اشاره

ناسازگاری فرزندان با والدین، از جمله مشکلات بزرگی است که در گذشته و حال، کم‌وبیش در میان خانواده‌ها وجود داشته و دارد. چه بسا روابط خانوادگی که بر اثر این اختلاف بر هم خورده و مصائب سنگینی به بار آمده است. حقیقت، آن است که والدین و فرزندان باید حرمت یکدیگر را حفظ نمایند؛ اما متأسفانه، این اصل رعایت نمی‌شود و اختلاف میان آنها شایع گردیده است. «آخرین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ۵۹ درصد دخترها و ۴۰ درصد پسرها، با خانواده احساس راحتی نمی‌کنند.»^۱

حرمت و احترام والدین، تا آنجاست که در هر کار و شرایطی، جز معصیت الهی، باید از آنان اطاعت و حرف‌شنوی داشت؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده: «فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ حَقُّ

* کارشناس ارشد مشاوره.

۱. ر.ک: پایگاه سلامت‌نیوز، «تاریخ دسترسی در: ۱۳۹۲/۱۰/۲۶»، کد خبر: ۱۰۳۸۸۶.

پدر بر فرزند، این است که از او در همه چیز اطاعت کند؛ جز معصیت خدا.^۱ نظر به اهمیت این بحث، در این مقاله به بررسی علل و زمینه‌های مخالفت فرزندان با والدین می‌پردازیم و راهکارهایی چند را یادآور می‌شویم.

علل و زمینه‌های مخالفت

در ناسازگاری فرزندان با والدین، عوامل متعدد: فردی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی تأثیرگذارند. البته این ناسازگاری، دوسویه است؛ یعنی هم فرزندان در این امر نقش دارند و هم والدین. علت اصلی این اختلاف نیز ناشی از تفاوت دو نسل است؛ روحیات و ظاهر جوانان، با پدران و مادران خود، متفاوت است. والدین و فرزندان، باید این واقعیت ساده را بپذیرند که هر یک، متعلق به دو نسل مختلف‌اند. با در نظر گرفتن این تفاوت، بروز برخی اختلاف‌نظرها و ناسازگاری‌ها میان آنها، طبیعی و قابل قبول است؛ اما گاهی این اختلاف‌ها، قابل پذیرش نیست. از این‌رو، باید فاصله میان دو نسل را کاهش داد. بر این اساس، علی‌علیه می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»^۲ آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید که آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»

در ادامه، مهم‌ترین دلایل و زمینه‌های مخالفت فرزندان با والدین را برمی‌شماریم:

۱. ناآگاهی نسبت به آموزه‌های دینی

گرچه فرزندان ما در جامعه‌ای دینی زندگی می‌کنند و زمینه‌های یادگیری

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۴۶.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

معارف اسلامی برایشان فراهم می‌باشد، اما برخی از آنها با آموزه‌های دینی آشنایی ندارند و جایگاه والدین را نمی‌دانند. از این رو، به راحتی با آنان مخالفت می‌کنند؛ غافل از اینکه پدر و مادر جایگاهی بس سترگ دارد و سعادت فرزند با نیکی به این دو، گره خورده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛^۱ بهشت، زیر پای مادران است.»

ابی‌ولاد حنط، از امام صادق علیه السلام پرسید: اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَيَالِوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲، چه معنایی دارد و چگونه می‌توان به پدر و مادر نیکی نمود؟ امام فرمود: احسان، این است که با آنان نیک‌رفتار باشی، آنان را مجبور نکنی که نیازهای خود را از تو درخواست کنند؛ هرچند غنی باشند. از حال و روزگارشان آگاه باشی و مشکلات آنها را درک کنی. آیا خداوند نمی‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۳ به مقام نیکوکاران نمی‌رسید، مگر از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.»

سپس، امام صادق علیه السلام در ادامه معنای آیه فرمود: «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا؛ اگر آنان به سنّ پیری رسیدند، کمترین اهانتی را به آنان روا مدار و بر سر آنان فریاد نزن.»؛ یعنی اگر تو را ناراحت کردند، به آنان اهانت ننما و اگر تو را زدند، بر سرشان دادو فریاد نکن و در برابرشان سخنان تند نگو؛ بلکه «قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ به آنان سخن نیک و محبت‌آمیز بگو.»؛ مثلاً به آنان بگو: خداوند شما را بیخشد. این، از تو گفتاری نیک است...»^۴

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۲. بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۶؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ اسراء، آیه ۲۳.

۳. آل‌عمران، آیه ۹۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۴۰.

ابراهیم بن مهزم می‌گوید: روزی از محضر امام صادق علیه السلام بیرون آمدم و در مدینه به خانه‌ام رفتم. مادرم با من زندگی می‌کرد. در خانه به دلیل موضوعی با مادرم مجادله کرده، سخن خشن و ناهنجاری به او گفتم. فردای آن روز، بعد از ادای نماز صبح، دوباره به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم. هنگام ورود، بدون آنکه حرفی زده باشم، امام به من فرمود: «ای پسر مهزم! شب گذشته با مادرت تند و خشن صحبت کردی. آیا نمی‌دانی شکم او مدت‌ها منزل، و آغوشش گهواره، و سینه‌اش ظرف غذای تو بوده است. چرا با او به‌تندی سخن گفتی؟ دیگر چنین مکن!»^۱

گفته‌اند: یکی از مراجع بزرگوار نجف اشرف که هر روز بالای منبر درس می‌گفت، روزی بر زمین نشست و تدریس کرد. پس از درس، شاگردان از او پرسیدند: «چرا امروز بر فراز منبر نرفتید؟» پاسخ داد: «امروز پدرم که در ایران پیشه کشاورزی دارد، به مجلس درس آمده بود و من نخواستم بالاتر از او بنشینم.»^۲

۲. خودخواهی فرزندان

یکی از عوامل مخالفت فرزندان با والدین، خودخواهی و لجاجت فرزندان است؛ چه بسا والدینی که همه اصول روان‌شناسی، اخلاقی و تربیتی را رعایت می‌نمایند، اما فرزندان با آنان ناسازگاری دارند. نمونه این گونه فرزندان، فرزند نوح علیه السلام می‌باشد: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^۳ گفت: ای نوح! او از اهل تو نیست. او، عملی غیر صالح (فرد ناشایسته‌ای) است.»

۱. همان، ص ۷۶.

۲. ر.ک: پایگاه خبری قدس آنلاین، کد خبر: ۲۰۹۲۷۰.

۳. هود، آیه ۴۶؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۱۷.

بدین‌سان در بعضی مواقع، اختلالات خانوادگی و دشمنی‌های پدران و مادران با فرزندان، ناشی از خودسری و استبداد رأی نوجوانان متجاوز است. پدر و مادر عاقل حاضرند در حدود مصلحت به فرزند خود آزادی و استقلال بدهند؛ ولی فرزند نادان و تندرو، به حدّ خویش قانع نیست و به حق و مصلحت اعتنا ندارد. او به پدر و مادر خود اهانت می‌کند و به نصایح حکیمانه آنان گوش نمی‌سپارد. چنین فرزندی، همواره در معرض بدبختی و سقوط قرار دارد و ممکن است با روش‌های ناپسند خویش، مشکلات غیرقابل حلی برای خود و خانواده فراهم آورد.^۱

۳. ناسازگاری والدین با یگدیگر

شیوه معاشرت زن و شوهر در افکار فرزندان اثر می‌گذارد از این‌رو، پدر و مادر وظیفه دارند با رفتارهای سالم، محبت‌آمیز و مؤدبانه کانون خانواده را به آرامش تبدیل نمایند.^۲ اگر زن و شوهر به یک دیگر بی‌احترامی نمود، فرزندان نیز به والدین بی‌احترامی خواهند کرد، و حال اینکه محیط خانواده، باید محیط آرمش باشد بدین جهت قرآن تأکید می‌کند سرپرست خانواده‌ها با اعضای خانواده، مخصوصاً با همسرانشان نیکو رفتار کنند؛^۳ از سوی دیگر مادران وظیفه دارند با اطاعت از شوهران شان نظام خانواده را حفظ کنند و فرزند خود را از گرایش به ناسازگاری جلوگیری نمایند. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «جُرْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ»^۴ جرأت و

۱. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. روم، آیه ۲۱: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»

۳. نساء، آیه ۳۴.

۴. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

جسارت فرزند در کودکی به پدرش، سبب می‌شود که در بزرگسالی به انسان عاق و ناصالح کشانده شود. این حدیث ناظر به شیوه تربیتی است که والدین باید از اول مواظب باشند، بچه‌ها حریم پدر و مادر را نشکنند، زیرا حرمت شکنی دوران کودکی زمینه مخالفت دوران جوانی با پدر و مادر را فراهم می‌نماید.^۱

۴. عدم مهارت‌های روان‌شناختی و رفتاری

بی‌تردید، شناخت و روش رفتار با فرزندان، نوعی مهارت است. اگر والدین با مهارت‌های روان‌شناختی، رفتاری و گفتاری آشنا باشند، می‌توانند با فرزندان رفتار معقول و منطقی داشته باشند و بدین وسیله، زمینه‌های مخالفت فرزندان را کاهش دهند؛ درحالی‌که برخی والدین، برای رفتار سازنده با فرزندان، مهارت‌های روان‌شناختی و رفتارشناسی لازم را ندارند. ازاین‌رو، بعضی پدران و مادران ناآگاه، به علل مختلفی با استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی فرزندان که حق طبیعی آنهاست، مخالفت می‌کنند و تمایل فطری آنان را حمل بر خودسری، بی‌حیایی و تدروی می‌نمایند و با رفتار و گفتار ناپسند خود، نه‌تنها زندگی گرم و پرمحبت خانواده را به محیطی سرد و بی‌مهر تبدیل می‌کنند، بلکه در بعضی مواقع، موجبات طغیان و عصیان جوانان را فراهم می‌آورند و عملاً آنان را به کارهای ناروا و خطرناک وامی‌دارند.^۲

بسیاری از والدین تصور می‌کنند که فرزندان باید فقط شنونده گفته‌های آنان باشند؛ زیرا فرزندان در هر سنی که باشند، باز هم بچه‌اند و بدون حضور والدین، قادر نخواهند بود گلیم خود را از آب بیرون بکشند. یکی از روان‌شناسان

۱. نساء، آیه ۱۹: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.»

۱۶. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۴۳۸.

می‌گوید: بعضی از پدران و مادران که دارای حُسن نیت هستند، ولی نمی‌توانند روحیه و احتیاجات فرزند خود را درک کنند، غالباً همان اشتباهاتی را مرتکب می‌شوند که پدران و مادران خودشان در تربیت آنها مرتکب شده‌اند. آنها مشکلات و گرفتاری‌های دوران نوجوانی خویش را فراموش کرده‌اند و نمی‌دانند که طرز فکر غلط و نواقص روحی و اخلاقی خود آنان، در نتیجه این است که پدران و مادرانشان، در عین حال که حُسن نیت داشته‌اند، متأسفانه به علت کوتاه‌بینی، سخت‌گیری‌های بی‌موردی نسبت به آنها روا داشته‌اند. آن وقت از خود می‌پرسند: چرا فرزندان ما از ما فرار می‌کنند!

به دلیل عدم روان‌شناختی و رفتارشناسی است که برخی والدین بین فرزندان خود رفتار تبعیض‌آمیزی دارند؛ درحالی‌که این امر موجب کاهش علاقه به پدر و مادر و یا ایجاد کینه بین خواهران و برادران می‌شود. والدین باید بکوشند با فرزندان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علتی، یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند؛ زیرا فرزندان به این مسئله حساس‌اند و تحمل آن برایشان دشوار است. در برخی خانواده‌ها، والدین میان دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند. بدیهی است که این‌گونه برخوردها، از نظر تربیتی، آثار ویرانگری دارد و باید از آن پرهیز کرد.^۲ «بر اساس یک نظرسنجی اینترنتی، نزدیک به ۸۸ درصد مادران، اقرار کرده‌اند که با پسران خود به شیوه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند و رفتار آنها، تبعیض‌آمیز است. در این نظرسنجی، مشخص شده که مادران، دختران خود را دو برابر بیشتر از پسران مورد انتقاد قرار می‌دهند. میزان انتقاد از دختران، ۲۱ درصد و از پسران، نزدیک به ۱۲ درصد

۱۷. همان، ص ۴۳۹.

۱۸. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

است. بیش از یک پنجم مادران (۲۱/۵ درصد)، اعتراف کرده‌اند، در صورتی که پسر آنها شیطنت به خرج بدهد، آن را نادیده می‌گیرند؛ اما این موضوع درباره دختران، فقط ۱۷/۸ درصد است.^۱

بر این اساس، اگر پدران و مادران و فرزندان آنها با طرز فکر و احساسات و تمایلات یکدیگر آشنا باشند، بین آنان اعتماد حقیقی پیدا می‌شود. در این صورت، پدر یا مادر، بی‌دلیل از فرزندان ایراد نخواهند گرفت. فرزندان نیز آماده پذیرفتن بعضی محدودیت‌های لازم بوده، اندرز و راهنمایی پدر و مادر خود را به‌کار خواهند بست.^۲

۵. بی‌احترامی

یکی از خواسته‌های طبیعی نوجوانان و جوانان، این است که به‌شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند و پدران و مادران در معاشرت و تمام شئون زندگی، با آنان مانند بزرگسالان برخورد نمایند.^۳ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدْبَهُمْ»^۴ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید. امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَجْمَلْ مُعَاشَرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»^۵ برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ، زیبا گردان.

بنابراین، فرزندان نیازمند احترام‌اند و اگر به آنان احترام نکنیم، دچار بحران هویت و انحراف‌های اخلاقی می‌شوند. اگر فرزندی بی‌احترامی ببیند، احساس

۱. پایگاه اینترنتی جام جم، «دسترسى در: ۱۳۹۱/۱۱/۲۶».

۲. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۴۳۸.

۳. همان، ص ۴۳۵.

۴. حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۴.

حقارت می‌نماید و از این احساس، رنج می‌برد. او می‌کوشد تا به هر وسیله، اظهار وجود کند و شخصیت خویش را در محیط خانواده و اجتماع اثبات نماید. جایی که از راه مشروع، به این کار موفق نشود، به کارهای غیرمشروع دست می‌زند و با خود می‌گوید:

در دل دوست، به هر حيله ره‌ی باید کرد

طاعت از دست نیاید، گنه‌ی باید کرد

نمونه این کار، قتل متوکل توسط پسرش منتصر است. متوکل عباسی، نسبت به علی علیه السلام به شدت اظهار دشمنی می‌کرد و حضرت را فقط با کلمه «ابوتراب» می‌خواند و در مجالس عمومی و خصوصی، نام مبارکش را به بدی یاد می‌نمود. منتصر عباسی، فرزند متوکل، از رفتار زشت پدرش نسبت به علی علیه السلام سخت ناراضی بود. روزی متوکل، طبق معمول، در مجلس خود با حضور جمعی از رجال کشور، نام علی علیه السلام را به زشتی یاد کرد و به صراحت جسارت نمود. منتصر که در مجلس حاضر بود، مانند همیشه از گفتار پدر ناراحت شد و رنگش تغییر کرد. این بار، متوکل ساکت نماند و در حضور مردم، فرزندش را توبیخ و تحقیر کرد و به وی دشنام داد. برای منتصر که دارای مقام ولایت‌عهدی بود، دشنام پدرش غیرقابل تحمل بود. منتصر، از توهین متوکل سخت به هیجان آمد و آتش نفرت و کینه در ضمیرش شعله‌ور شد. تصمیم گرفت که عمل پدر را تلافی کند و انتقام بگیرد. در همان لحظه، کشتن پدر از خاطرش گذشت. از این رو، در اولین فرصت با چند نفر از غلامان مخصوص متوکل، نقشه قتل پدر را طرح کرد و مجریان نقشه را با وعده مال و مقام آماده نمود.

شبی متوکل در قصر اختصاصی خود با ندیمان می‌گساری می‌کرد. نزدیک نیمه‌شب، بغای صغیر که رئیس تشریفات کاخ خلافت بود، به تالار وارد شد و

اعلام کرد وقت استراحت خلیفه است؛ ندیمان مرخص‌اند. همه از قصر خارج شدند و تنها فتح‌بن‌خاقان که مقام رفیعی نزد متوکل داشت، در حضور خلیفه ماند. در این موقع، غلامان قوی که برای قتل متوکل تعیین شده بودند، از مخفی‌گاه‌ها بیرون آمدند. فتح‌بن‌خاقان که از مشاهده این وضع به وحشت افتاده بود، فریاد کشید: مگر می‌خواهید خلیفه را بکشید؟ او برای محافظت از متوکل، خود را روی وی افکند؛ ولی غلامان مهلت ندادند و با ضربات پی‌درپی، متوکل و فتح‌بن‌خاقان را کشتند و در همان نیمه‌شب، به قصر مخصوص منتصر رفتند.^۱

همچنین، گفته‌اند که دو دانشمند به نام «هلی» و «برونر»، ۱۰۵ جفت جوان را که مرتکب خلاف بزرگی شده بودند و نیز برادران و خواهران غیر مجرم ایشان را با دقت مورد معاینه قرار دادند؛ یعنی جوانان مجرم را با خواهران و برادرانشان طوری مقایسه کردند که بتوانند عوامل مربوط به وراثت و محیط اجتماعی و اقتصادی را درست زیر نظر بگیرند. در آخر، به این نتیجه رسیدند که تقریباً ۹۱ جوان مجرم، از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند؛ یعنی از حیث روابط عاطفی و اینکه مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند، هم احساس ناامنی می‌کردند و هم از اختلالات عاطفی مربوط به انضباط خانوادگی رنج می‌بردند و نیز حس حقارت، حسادت و رقابت با برادران خود در آنان دیده می‌شد.^۲

۶. ماهواره و شبکه‌های مجازی

در خانواده‌های دینی، والدین جایگاه ویژه‌ای دارند و فرزندان برای آنان احترام خاصی قائل هستند؛ اما اگر در خانواده‌ای، جایگاه پدر و مادر متزلزل شود، بنیان‌های آن نیز متزلزل می‌گردد؛ زیرا آنان رکن خانواده هستند و این در

۱. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۴۶۲ - ۴۶۳.

2. http://dlia.ir/Paygah.E.F/ghadeer/social/afkar_tam.

حالی است که در معمول فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، حرمت و قداست والدین شکسته می‌شود؛ یعنی مادر به‌عنوان آشپز، و پدر به‌عنوان کارگر معرفی می‌شود. تا زمانی که پدر پول درمی‌آورد و مادر آشپزی می‌کند، احترام حداقلی وجود دارد؛ ولی همین که این نیاز برآورده شد، جایگاه پدر و مادر متزلزل می‌شود.^۱

متأسفانه، تبلیغات رسانه‌ها، در نگرش برخی فرزندان اثر گذاشته است؛ زیرا آنان می‌پندارند احترام به والدین، مربوط به جامعه‌های سنتی است. از این رو، وقتی از برخی جوانان در خصوص احترام والدین سؤال می‌شود، می‌گویند: دیگر گذشت آن زمان که فرزندان به والدین احترام می‌گذاشتند؛ غافل از اینکه احترام به والدین، از گزاره‌های متغییر نیست و شرایط زمان و مکان در آن اثری ندارد. نیکی به پدر و مادر، همانند عدالت، فرازمانی و فرامکانی است. از منظر اسلام، والدین کسانی هستند که خداوند حقوق آنان را در کنار توحید قرار داده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید.»

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده: «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ»^۳ سه چیز است که در آنها خداوند بلندمرتبه برای کسی رخصتی نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدرفتار، وفاداری نسبت به نیکوکار و بدرفتار، و نیز خوش‌رفتاری با والدین؛ چه آن دو نیکوکار باشند چه زشت‌کردار.»

1. <http://ch3.ir>.

۲. اسراء، آیه ۲۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

البته فراموش نشود که در جامعه ما بیشتر فرزندان به والدین خود احترام می‌گذارند. این امر، تفاوت اندیشه و نگرش فرزندان غربی و اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. شهید مطهری علیه السلام می‌نویسد: «مرحوم محققى که از طرف آیت‌الله العظمى بروجرد به آلمان رفته بود، داستانی نقل کرده است. او می‌گوید: از جمله اشخاصی که در زمان ما مسلمان شد، پروفیسوری بود عالم و دانشمند. او زیاد پیش ما می‌آمد و ما هم می‌رفتیم؛ اما بعد از مدتی، دچار سرطان گردید و در بیمارستان بستری شد. ما به همراه مسلمانان دیگر به عیادت او می‌رفتیم. روزی زبان به شکایت گشوده، گفت: من بعد از آنکه مریض شده و در بیمارستان بستری گردیدم و دکترها تشخیص داده‌اند که سرطان دارم، پسر و زنم آمدند و به من گفتند: معلوم شد که شما سرطان دارید و به این زودی خواهی مرد. هر دو خداحافظی کردند و رفتند. آنان توجه نکردند که در این شرایط سخت، این بیمار را علاج نیاز به محبت و مهربانی دارد!

مرحوم محققى در ادامه می‌گوید: ما مکرر به ملاقات او می‌رفتیم و روزی که بیمارستان خبر داد این شخص مرده است، ما برای کفن و دفن آن مسلمان آلمانی رفتیم. در آن روز، پسرش آمده بود؛ ولی کمی که منتظر ماندیم تا مراسم مذهبی را انجام دهیم، متوجه شدیم که پسرش جنازه را از پیش به بیمارستان فروخته است و حالا آمده جنازه را تحویل داده و پولش را بگیرد و برود!»^۱

۷. ازدواج تحمیلی

یکی از علل مخالفت فرزندان با والدین، گزینش همسر است؛ یعنی در پاره‌ای موارد، پدر و مادر، برای نفع مادّی، تعصّب فامیلی یا علل دیگر، ازدواج

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۲۸۴. (با اندکی تغییر در عبارت)

نامتناسبی را به فرزند خود تحمیل می‌کنند؛ غافل از آنکه چنین پیوند ناموافق، پایدار نمی‌ماند و دیر یا زود در آن اختلاف و ناسازگاری بروز می‌کند و مصائبی به بار می‌آورد.^۱

دختری می‌گوید: «سه ماه پیش، پدرم مرا به ازدواج مردی ۴۵ ساله درآورد؛ و حال آنکه من دختری هجده ساله بودم و هیچ نوع علاقه‌ای به او نداشتم. پدرم به این دلیل که به آن مرد ۴۵ ساله مقروض بود و نمی‌توانست قرض خود را بپردازد، به این کار اقدام کرد و در واقع، مرا به او فروخت. اکنون، پس از ازدواج، علاوه بر اینکه می‌بینم مهرِ درست و حسابی ندارم، شوهرم نیز با من بدرفتاری می‌کند و به علت سنّ زیادش، دوستانم نیز به من سرکوفت می‌زند.»^۲

ابن‌ابی‌یعفور به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم علاقه دارند زن دیگری را به همسری خود درآورم. حضرت فرمود: «زن دلخواه خودت را بگیر و آن را که والدینت می‌خواهند، ترک گوی.»^۳

انتخاب همسر، برای پسران و دختران، از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل زندگی است. پیوند زناشویی، نقطه عطفی است که ممکن است صدها پیروزی و کامیابی، یا شکست و ناکامی در پی داشته باشد. یک ازدواج خوب و شایسته، می‌تواند مایه آسایش جسم و آرامش روان گردد و از سوی دیگر، یک ازدواج بد ممکن است منشأ بزرگ‌ترین نگرانی و ناراحتی شود. «زناشویی، در ردیف نظم‌هایی قرار دارد که آفریدگار جهان، اساس آن را بنا نهاده است. هیچ امری در زندگی نمی‌تواند به اندازه ازدواج، بهروزی یا تیره‌بختی به بار بیاورد.»^۴

۱. محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۳۰۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۰۱.

۴. محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۲، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

بنابراین، جوانان باید از تجربه و مشورت دیگران بهره‌گیرند و بنای زندگی خویش را درست مهندسی کنند. لازمه این امر، استفاده از نظر و تجربه والدین است؛ زیرا آنان خیر و صلاح فرزندان خویش را می‌خواهند. به همین جهت، با برخی ازدواج‌ها مخالفت می‌نمایند. متأسفانه، بعضی جوانان به این موضوع توجه نمی‌کنند و با خواسته‌های والدین خویش مخالفت می‌ورزند. سرنوشت چنین ازدواج‌هایی، طلاق و یا زندگی رنج‌آور است.

آقای فلسفی، خطیب و سخنور معروف، می‌گوید: چندی قبل، جوانی به منزل آمد که سخت ناراحت و مضطرب به نظر می‌رسید. او می‌گفت: یک سال پیش با زن بیوه‌ای آشنا شدم و پس از چند بار ملاقات، دل‌باخته او شدم. با آنکه ۲۵ سال از من بزرگ‌تر بود و دو پسر جوان از دو شوهر سابق خود داشت، به فکر افتادم با وی ازدواج کنم. پیشنهاد کردم، موافقت نمود. مطلب را با مادرم در میان گذاردم. او با نگرانی به پدرم گفت و هر دو، با این ازدواج مخالفت کردند. گفت‌وگو بسیار شد. پس از چند روز، مادرم گریان نزد من آمد و با التماس خواست که از این فکر منصرف شوم. پدرم نیز مرا از این ازدواج منع نمود؛ ولی من که این وصلت را مایه خوش‌بختی و سعادت خویش تصور می‌کردم، همچنان در عزم خویش راسخ بودم. سرانجام، پدرم گفت: اگر به این کار اقدام نمایی، دیگر مجاز نیستی به منزل رفت‌وآمد کنی. از گفته پدر ناراحت شدم؛ زیرا با نداشتن مسکن، ازدواج ما به تأخیر می‌افتاد. این موضوع را به اطلاع زن مورد علاقه‌ام رساندم. او با گشاده‌رویی مرا به خانه خود دعوت نمود و گفت: در همین منزل، عروسی خواهیم کرد. خیلی خوشحال شدم. به منزل پدر رفتم. فرش و وسایلم را به منزل زَن منتقل نمودم و با مهر سنگینی، با او ازدواج کردم.

چند ماهی نگذشت که علاقه من نسبت به زن کاهش یافت و از طرف دیگر، زن از من پول زیادتری مطالبه می‌کرد و مرا به علت کمی درآمد، سرزنش می‌نمود. رفته‌رفته، بنای ناسازگاری گذارد و کار ما به اختلاف کشید. بر اثر تشویش خاطر، به‌موقع سر کار خود حاضر نمی‌شدم و نمی‌توانستم به‌درستی انجام وظیفه کنم. اولیای مؤسسه، چند بار تذکر دادند، مفید نیفتاد و بر اثر بی‌نظمی‌های مکرر، اخراج نمودند. موقعی که زن متوجه شد بیکار شده‌ام، مرا به منزل راه نداد. اثاثم را مطالبه کردم، انکار کرد. مقاومت نمودم و فریاد زدم؛ بچه‌های آن زن از منزل خارج شدند و تهدیدم کردند. اکنون، در سخت‌ترین شرایط به سر می‌برم. پدرم ناراحت است و مرا به منزل راه نمی‌دهد... زنم نیز من را طرد نموده و درخواست طلاق کرده است.^۱

بنابراین، حقیقت این است که گاهی در امر ازدواج فرزندان، افراط و تفریط صورت می‌گیرد؛ یعنی والدین خواست فرزند خود را نادیده می‌گیرند و حق انتخاب را از او سلب می‌کنند؛ درحالی‌که این امر، مخالف عقل و شرع است. از سوی دیگر، برخی فرزندان نیز خواست و تجربه والدین را نادیده می‌انگارند. این امر نیز، مخالف عرف و عقل است. حق، آن است که هر دو طرف، آموزه‌های دینی و سنت‌های خانوادگی را رعایت کرده، از کوتاهی یا زیاده‌روی در این باره پرهیز نمایند.

نقش زن در کاهش طلاق

معصومه محمدی سیف *

اشاره

آسیب‌ها یا مشکلات خانوادگی، مجموعه حوادثی هستند که بر یک یا چند تن از اعضای خانواده تحمیل می‌شوند و همه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از این آسیب‌ها، طلاق است. طلاق، در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که تعادل زندگی انسان‌ها را برهم زده و آثار شومی را برای زن و شوهر، فرزندان و نیز جامعه بر جای می‌گذارد.^۱ به همین جهت است که در نگاه دین اسلام، طلاق ناپسندترین حلال به شمار رفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْبَغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ؛^۲ هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده، نزد او منفورتر از طلاق نیست.» از این رو، در آیین اسلام به منظور ایجاد استحکام خانواده، برای زن و

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، نویسنده و پژوهشگر.

1. Solidarity.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴.

شوهر وظایف و نقش‌هایی در نظر گرفته شده تا گرفتار این بلای خانمان‌سوز نشوند. در این نوشتار، صرفاً به بررسی نقش زن در کاهش طلاق می‌پردازیم.

راه‌های نقش‌آفرینی زن در کاهش طلاق

۱. درک متقابل

در خانواده‌های سالم، زن و مرد به خواسته‌های یکدیگر توجه دارند. برای زن، مهم است که شوهرش چه غذایی دوست دارد و چه رنگی را می‌پسندد؛ چنان‌که برای مرد نیز نظر همسرش اهمیت دارد؛ ولی در خانواده‌های بیمار، هریک از زن و مرد، ساز خود را می‌زند. زن به بهانه‌های مختلف، سلیقه‌های شوهرش را نادیده می‌گیرد و خواسته‌های او را بی‌پاسخ می‌گذارد و مرد نیز با هر بهانه‌ای، از برآوردن نیازهای همسرش شانه خالی می‌کند. بنابراین، وقتی همسر تصور کند که خواسته‌هایش نادیده گرفته می‌شود، دنبال اشخاص یا مکان‌های دیگر می‌گردد. عضویت در شبکه‌های اجتماعی، شرکت در کلاس‌های گروهی یا پیدا کردن دوستان جدید، همه می‌توانند راه‌هایی برای یافتن گروهی از آدم‌ها باشند که او را بیشتر از همسرش درک می‌کنند.^۱ از این‌رو، برخی طلاق‌ها ناشی از عدم درک متقابل زن و شوهر می‌باشد. زن، همان انتظار را از شوهر دارد که شوهر از او دارد؛ درحالی‌که هریک وظایف متفاوتی دارند. اگر زن و شوهر این قوانین را رعایت نکنند، نظام خانواده فرو می‌ریزد. پس، «زن و شوهر در آغاز زندگی، باید همدیگر را خوب بشناسند و با تفکر، اخلاق، خواسته‌ها و تمایلات یکدیگر آشنا شوند؛ تا به منظور تحکیم بنیان خانواده و تعدیل خواسته‌های یکدیگر گام بردارند؛ نه به قصد عیب‌جویی و کشف نقاط ضعف همدیگر؛

۱. جباران، «طلاق عاطفی»، برگرفته از مجموعه مقالات سیمای خانواده در اسلام، ص ۲۱۱.

یعنی درصدد شناخت بهتر از هم برآیند و اگر ضعفی از یکدیگر دیدند، هرگز به بزرگ‌نمایی آن مبادرت ننموده، سعی کنند وضع موجود را به‌خوبی اصلاح نمایند.^۱

۲. صبر و تحمل

«در گیرودار خانواده، وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها اجتناب‌ناپذیر است؛ اما آنچه می‌تواند تهدیدها و شکست‌ها را به فرصت و پیروزی تبدیل کند، پرهیز از ستیزه‌جویی و امید به رضایت حق است. در متون اسلام، تحمل سختی‌ها و صبر در ناکامی‌ها و تحمل رفتارهای ناشایست همسر، مورد تأکید بوده و رعایت‌کنندگان آن، مستوجب پاداش الهی هستند.»^۲ داشتن صبر در زندگی زناشویی به همراه یاد خداوند، بزرگ‌ترین تکیه‌گاه آدمی است و موجب ایجاد آرامش و افزایش احساس لذت از زندگی می‌شود؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳ تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد.» از این رو، زن می‌تواند با صبر در مقابل نامالایمات زندگی، آرامش را در خانواده حفظ نموده، با رفتار نیک خود، تحمل و بزرگ‌منشی را به فرزندان خویش بیاموزد تا آنها نیز در زندگی آینده خویش، با کوچک‌ترین مشکلی، همسر و فرزند را رها ننموده، خانواده را به چالش نکشانند.

۳. خوش اخلاقی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ بَرُّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ»^۴ کسی

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۱۷.

۲. نحوی، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، ص ۸۶.

۳. رعد، آیه ۲۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۹.

که با خانواده‌اش خوش‌رفتار باشد، خداوند بر عمرش می‌افزاید.» یکی از نعمت‌های بزرگ الهی، آرامش است. اگر مردی در منزل، آرامش لازم را برای زندگی نداشته باشد، روحی افسرده و اعصابی ناراحت خواهد داشت. همچنان‌که زن نیز اگر امنیت، آسایش و رفاه را که لازمه شخصیت یک بانوی مسلمان است، نداشته باشد، وظایف خود را نمی‌تواند به‌خوبی ایفا کند. امام علی علیه السلام فرمود: «انسان مؤمن، در برخورد با اعضای خانواده و سایر مؤمنان، خوش‌روست و اندوه و غصه‌اش را در دل دارد.»^۱ اگر زن و مرد، زمینه‌های لازم در عرصه جسم و روان را رعایت کنند، بی‌تردید، بسیاری از کشمکش‌ها و اختلاف‌های ناشی از خستگی و افسردگی روحی حل خواهد شد. مرد عاقل، هرگز ناراحتی‌های بیرون از منزل را به داخل خانه نمی‌برد.

از این رو، داشتن اخلاق نیکو، زندگی را به بهشت تبدیل می‌سازد. اگر زنان به دنبال جلب نظر همسر بوده و می‌خواهند طعم سعادت و خوشبختی را بچشند، بهتر است اخلاق خود را به‌درستی اصلاح نموده، همواره با چهره‌ای شاداب، کانون خانواده را اداره کنند و مواظب رفتار و به‌خصوص زبان خود باشند؛ تا مبادا این محیط امن را با بدخلقی و بدزبانی، به جهنمی سوزان تبدیل نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «هر زنی که شوهرش را با زبان بیازارد، خداوند هیچ کار واجب و مستحبی را از او نمی‌پذیرد و هیچ عمل نیکش را قبول نمی‌کند؛ تا وقتی که شوهرش را راضی نماید؛ هرچند روزها، روزه بگیرد و شب‌ها به عبادت مشغول شود.»^۲

۴. توجه به مسائل معنوی و دینی

برخورداری زن از عقاید و اندیشه‌های دینی و رفتارهای اخلاقی، موجب

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۵.

۲. همان، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

کاهش اختلاف‌های خانوادگی می‌شود. قطعاً دیانت زن، ضمن اینکه زندگی را برای همسر شیرین می‌کند، باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می‌گردد. زن دین‌دار، رستگاری خویش را در گرو سعادت خانواده می‌داند و در جهت تحقق آن تلاش می‌کند. همچنین، حفظ اموال و آبروی شوهرش را از واجبات به شمار آورده، همواره با شوهرش صادقانه برخورد می‌نماید. توجه زن به این اصل مهم قرآنی که «زنان، لباسی برای مردان و مردان نیز لباسی برای زنان هستند»، او را از لکه‌دارکردن و ضایع نمودن همسرش بر حذر خواهد داشت؛ زیرا هریک از همسران، خود را آینه‌ای برای دیگری می‌دانند.^۱

بهره‌مندی از همسر دین‌دار، ضمن کمک به سعادت و خوشبختی در زندگی مشترک، زمینه‌های لازم برای برخورداری از فرزندان صالح را نیز فراهم می‌سازد؛ اما اگر مادری اهل پرهیزکاری نباشد، چگونه می‌تواند فرزندان دین‌دار و نیکی را به جامعه تقدیم کند. از این رو، «شایسته است، والدین محترم همواره برای تقویت حسّ مذهبی و استحکام پایه‌های اعتقادی خانواده و فرزندان خویش، تلاش کنند و با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، مطالعه کتب سودمند دینی، ارتباط دوستانه و خانوادگی با افراد و خانواده‌های متدین، شرکت در مجالس مذهبی و انجام وظایف شرعی و صحبت‌های صمیمانه خانوادگی، به این امر سرنوشت‌ساز اقدام نمایند.»^۲ خداوند می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۳ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرگزار من باشید و کفران نورزید.» ذکر خدا، مصادیق فراوانی دارد. انسانی که در تمامی لحظات زندگی به یاد خداست، خداوند نیز در تمامی مراحل زندگانی، به خصوص سختی‌ها، او

۱. نحوی، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، ص ۸۵ - ۸۶.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. بقره، آیه ۱۵۲.

را تنها نمی گذارد.

۵. عفت و پاکدامنی

خداوند یکی از ویژگی های همسران بهشتی را طهارت و پاکی آنان دانسته است: «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ»^۱ و برای آنها در آنجا (بهشت)، همسرانی پاکیزه است. «گرچه در این آیات، سخن از همسران بهشتی است، اما انتخاب این ویژگی از میان سایر ویژگی ها، می تواند نشانگر اهمیت آن باشد.^۲

بی تردید، یکی از بنیادی ترین رکن های حفظ و ماندگاری بنای خانواده، عقیف بودن همسران، پیش و پس از ازدواج است. متأسفانه، امروزه برخی زنان بدون رعایت عفاف و حجاب در جامعه حاضر می شوند و این موضوع، باعث بروز ناملایمات در زندگی شده، چه بسا منجر به طلاق نیز می شود. اهمیت عفت و پاکدامنی، تا آنجاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «از گیاه روئیده در مزبله، دوری کنید.» پرسیدند: «ای رسول خدا! مقصود از چنین گیاهی چیست؟» فرمود: «زنی زیبا که در خانواده ای ناصالح رشد کرده است.»^۳ شاید تمثیل چنین دخترانی به گیاهان روئیده در مزبله، بدان جهت است که آنان باوجود زیبایی ظاهری، به دلیل تربیت غلط و همنشینی با خانواده لجام گسیخته، زندگی سرشار از زشتی و بدی را تجربه کرده اند و شایستگی همسری و مادری را ندارند.

۶. تمکین در مقابل شوهر

از دیگر وظیفه قانونی زن در مقابل شوهر، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی

۱. بقره، آیه ۲۵؛ آل عمران، آیه ۵؛ نساء، آیه ۵۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۹۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

اوست؛ تا زمینه‌ای برای اختلاف و فساد پیش نیاید. بنابراین، در اسلام سفارش شده که به همان اندازه‌ای که زن در برابر نامحرم حیا دارد، برعکس باید در برابر شوهر حیا را کنار گذاشته و برای او به آراسته‌ترین وضع ظاهر شود. همچنین، به مرد سفارش شده که نزد همسرش آراسته باشد.^۱

«بر اساس گزارش‌ها و آمارهای محاکم قضایی و نیز نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات پژوهشگران امور خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل جدایی خانوادها، عدم پابندی کامل طرفین یا یکی از آنها به حقوق و ضوابط زناشویی و رفتارهای جنسی است. به گفته کارشناسان، بسیاری از طلاق‌ها به دلیل مشکلات در روابط جنسی رخ می‌دهد؛ حتی اگر زوجین، این علت اصلی را پنهان نگاه دارند. نزدیک به چهل درصد زنان، از اختلالات جنسی روابط زناشویی رنج می‌برند.»^۲ در متون اسلامی، این‌گونه مباحث به‌صورتی عفیفانه بررسی و تشریح شده است و اسلام به روابط جنسی زوجین با نگاهی مثبت و رفتاری معنوی نگریسته است؛ به‌طوری‌که برخی احادیث، پاداش روابط جنسی را معادل با برخی تکالیف دینی مانند جهاد دانسته، آن را موجب ریزش گناهان برشمرده‌اند.^۳ همچنین، قرآن کریم زنان را به کشتزار تشبیه می‌کند که صاحبش در چارچوب شرعی به هر نوعی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.^۴ بر اساس روایات، زن یا مرد برای سر باز زدن از این امور، نباید عبادت خود را طولانی کنند.^۵ رسول خدا ﷺ خطاب به زنان می‌فرمود: «لَا تَطْوُلْنَ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ

۱. سید احمد خاتمی، درآمدی بر جایگاه خانواده در اسلام، ص ۸۳.

۲. نحوی، نقش خانواده در پیشگیری از انحراف، ص ۸۷-۸۸.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۴. بقره، آیه ۲۲۳.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴، ۱۱۲ و ۱۱۷.

أَزْوَاجِكُنَّ؛^۱ نمازتان را طول ندهید تا شوهر خود را از کامروایی مشروع منع کنید.» بنابراین، در کانون خانواده، زن و شوهر باید توجه داشته باشند که ارضای معقول نیازهای جنسی، هیچ‌گونه منافاتی با عفت و حیا ندارد. بدیهی است، زن و شوهر ضمن رعایت مسائل اخلاقی در حریم خانواده، باید توصیه‌های دینی مربوط به پوشیدن لباس زیبا، داشتن بدن تمیز، استفاده از عطر و لوازم آرایشی مناسب، و اقدام توأم با رضایتمندی کامل را در این موضوع مدّ نظر قرار دهند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «حَيْرٌ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْعَلِمَةُ؛^۲ بهترین زنان شما، زنی است که نسبت به بیگانه عقیف و پاکدامن، و شوهردوست باشد.» آن حضرت در بیانی دیگر فرموده: «زن، وظیفه دارد که با بدن و لباس معطر و پاکیزه، توأم با آرایش و آراستگی کنار شوهر باشد و با ظرافت خاص، آمادگی خویش را در تمام ساعات مناسب شبانه‌روز به شوهرش اعلان نماید.»^۳

۷. تواضع و فروتنی

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا؛^۴ اگر سجده بر غیر خدا جایز بود، هرآینه به زن دستور می‌دادم که بر شوهرش سجده کند.» خودخواهی طرفین، از مهم‌ترین عوامل اختلاف در خانواده‌هاست. خودخواهی، در همه عرصه‌ها، از جمله خانواده، سبب ناهنجاری و بداخلاقی شده، گاهی موجب جدایی زوجین می‌شود؛ چراکه هریک از زوجین، در برخورد با دیگری احترام لازم را برای طرف مقابل قایل

۱. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۸، ص ۳۶۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۴.

۳. همان، ص ۵۰۸.

۴. همان، ص ۵۰.

نیست و دلیل این امر نیز غرور و خودخواهی یکی از زوجین می‌باشد. در این میان، زن می‌تواند با فروتنی و گذشت، رفتار خودپسندانه شوهر را نادیده گرفته، او را متوجه اشتباهش نماید و این‌گونه، در پرتو تواضع و حفظ حرمت شوهر، به او توانایی و انرژی بخشیده، وی را برای تلاش بیشتر آماده کند؛ چراکه واکنش مثبت در برابر کنش منفی، انرژی‌بخش می‌باشد. در اسلام نیز بارها به این نکته تأکید شده است. یکی از مصادیق تواضع، احترام است. امام صادق علیه السلام در خصوص احترام گذاشتن زن به شوهر خود می‌فرماید: «هر زنی که به شوهرش احترام بگذارد و آزارش نرساند، خوشبخت و سعادتمند خواهد بود.»^۱ امام علی علیه السلام نیز فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُلِ؛^۲ جهاد زن، خوب‌شوهرداری است.»؛ حتی کوچک‌ترین احترامی که زن برای شوهرش قائل می‌شود، تأثیر شایسته‌ای در روح و روان او بر جای می‌گذارد.

بر این اساس، زن و شوهر باید از خودخواهی پرهیز نموده، نسبت به یکدیگر تواضع داشته باشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنَ أَقْبَحِ الْكِبْرِ تَكْبُرُ الرَّجُلِ عَلَى ذِي رَجْمِهِ وَأَبْنَاءِ جَنْسِهِ»^۳ زشت‌ترین نوع خودخواهی و تکبر، آن است که انسان با خویشان و اعضای خانواده و نزدیکانش تکبر نماید.» این آفت اخلاقی، چنان نفرت ایجاد می‌کند که هرگز کسی حاضر نمی‌شود با فرد خودخواه زیر یک سقف زندگی نماید. امام علی علیه السلام فرمود: «هیچ آسیب اخلاقی، مثل خودخواهی و تکبر، بغض و نفرت ایجاد نمی‌کند.»^۴

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۲. همان، ج ۷۲، ص ۳۵۴.

۳. لثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۷۳.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، ص ۳۱۰.

۸. پرهیز از چشم‌وهم‌چشمی

یکی از عوامل فروپاشی خانواده‌ها، چشم‌وهم‌چشمی است. گاه دیده می‌شود که رقابت‌های بیجا و چشم‌وهم‌چشمی جاهلانه، موجب می‌شود که زنان همواره همسر خود را با دیگران مقایسه کنند و سطح زندگی خویش را بدون توجه به قدرت مادی و توانایی‌های ذاتی خود بسنجند. از این رو، نمی‌توانند زندگی آرامی داشته باشند؛ چراکه همواره دست بالای دست وجود دارد و معمولاً انسان‌ها در مسابقات مادی نمی‌توانند به کسانی که از او جلوترند، برسند.

به همین جهت، قرآن انسان‌ها را از چشم‌وهم‌چشمی نهی کرده است: «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن. اینها شکوفه‌ها و مظاهر زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت، بهتر و پایدارتر است.»^۱ آموزه‌های اسلامی به ما مسلمانان می‌آموزد که پیوسته در مقابل نعمت‌هایی الهی شکر نموده، در مسائل مادی، به طبقات پایین‌تر از خود نگاه کنیم و هرگز افکار خویش را با چشم‌وهم‌چشمی‌ها مشوّش نسازیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندگی دنیوی، همواره به کسانی نگاه کن که رتبه پایین‌تری از تو دارند؛ تا در مقابل نعمت‌ها و الطاف بی‌پایان خداوند، شاکر و سپاس‌گزار باشی و خود را شایسته افزایش نعمت‌های الهی قرار داده، جود و بخشش الهی را به سوی خود جذب کنی.»^۲

۹. قناعت‌مداری

هرکدام از زوجین دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های محدودی هستند که پذیرفته‌اند در پرتو همان سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و بهره‌مندی‌های

۱. طه، آیه ۱۳۱.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۷.

اخلاقی و روانی، در زیر یک سقف زندگی کنند. از این رو، تقاضاهایی که در طول زندگی از سوی هریک از آنان صادر می‌شود، باید در محدوده توانمندی‌های طرفین باشد و چنانچه درخواست‌های آنان فراتر از توان مالی، روحی، جسمی و یا علمی طرف مقابل باشد، موجب فشار و اذیت و آزار هر دو خواهد شد. «بنابراین، بسیار مناسب است که همواره به داشته‌های خود از قبیل: سلامتی، فرزندان، اشتغال، عزت‌مندی و آرامش، بیندیشند و بر نداشته‌های خویش حسرت نخورند. توجه به خانواده‌های پایین‌دست، دقت در محرومیت‌ها و بحران‌های خانوادگی دیگران، عدم یا کاهش ارتباط با خانواده‌های مرفه و تجمل‌گرا و امثال آن، موجب کاهش توقعات طرفین خواهد شد. خانواده‌ها باید همواره شاکر خداوندی باشند که نعمت‌های بی‌شماری، از جمله نعمت حیات را به آنان بخشیده است. برخی بر این باورند که زرق و برق‌های زندگی خانواده‌های دیگر، نشان از خوشبختی آنان است؛ درحالی‌که بسیاری از اینان آرزو دارند، به جای این زرق و برق‌های ظاهری، روشنی و صفای باطن و آرامش خانوادگی داشتند.»^۱

۱۰. بخشش و عذرپذیری

یکی از مهارت‌هایی که انسان باید در زندگی بیاموزد، مهارت عذرخواهی و نیز پذیرش عذر دیگران است؛ به این معنا که یک همسر، هم باید بیاموزد که چگونه عذرخواهی کند و هم اینکه چگونه معذرت‌خواهی طرف مقابل را بپذیرد و نسبت به همسر خطاکار خود، گذشت داشته باشد. اصولاً عذرخواهی، نشانه عقلانیت شخص است. در واقع، به غیر از معصومان علیهم‌السلام، هر انسانی در زندگی دچار لغزش و خطا می‌شود. از این رو، زوجین، باید از لغزش‌ها و اشتباهات

۱. نحوی، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، ص ۸۷.

یکدیگر چشم‌پوشی نمایند و زندگی را بر خود دشوار نسازند. در این میان، بهتر است زنان در این امر پیشقدم شوند و از خطاهای شوهر خود گذشته، با پذیرش عذرخواهی شوهر، به ناراحتی‌ها خاتمه دهند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «زن بد، عذر شوهرش را نمی‌پذیرد و خطاهایش را نمی‌بخشد.»^۱ «اگر اعضای خانواده بخواهند نسبت به یکدیگر سخت‌گیری نمایند و خطاهای یکدیگر را دنبال کنند، زندگی آنها از هم می‌پاشد یا بدترین زندگی را تجربه خواهند کرد.»^۲

امام علی عَلِيٌّ نیز در این خصوص فرموده: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَلَا يُعْقِلُ الذَّنْبَ»^۳ بدترین مردم، کسی است که عذرخواهی دیگران را نپذیرد و از خطای آنان نگذرد.» از این رو، پذیرش عذرخواهی، یکی از رفتارهای انسانی ارزشمند است. در اسلام نیز توصیه فراوانی به این امر مهم شده است. عذرخواهی از همسر بعد از خطا و اشتباه، از ایجاد کدورت‌های عمیق در زندگی جلوگیری می‌کند و موجب محبت بیشتر نسبت به همسر می‌شود.

سخن پایانی

امروزه طلاق، مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار رفته، چگونگی مقابله با آن در محیط خانواده، از اولویت‌های مهم به شمار می‌آید. از طرفی، این پدیده دارای جوانبی به تعداد تمامی ابعاد جامعه انسانی است. نخست، یک پدیده اجتماعی است و تعامل اجتماعی اعضای خانواده را دگرگون می‌سازد؛ چراکه نه تنها بر نوع روابط دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها نیز اثر گذاشته، محدودیت‌هایی را در تعامل بین این افراد به وجود می‌آورد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسرمداری، ص ۲۱.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، ج ۴، ص ۱۶۵.

دوم اینکه پدیده‌ای است اقتصادی که به از هم‌پاشیدگی خانواده به‌عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد.

گذشته از این، طلاق، معضلی است که از یک طرف، بر کمیت جمعیت اثر می‌گذارد؛ چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل، یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و از سوی دیگر، بر کیفیت جمعیت اثر دارد. چراکه موجب می‌شود فرزندی محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد، فاقد شرایط لازم برای احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند.

پس، طلاق، نه تنها از دیدگاه فردی مشکل‌آفرین و قابل توجه است، بلکه از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی جمعیتی نیز، موضوعی مهم و اثربخش می‌باشد. در مجموع، طلاق، نمادی از یک مشکل جدی در حوزه ارتباط‌های سالم و صحیح بین افراد است. این مشکل ارتباطی، از سطح کوچک، یعنی خانواده شروع می‌شود و در عرصه وسیع‌تر به جامعه نیز گسترش می‌یابد و ارتباطات انسانی را مختل می‌نماید. از این رو، زنان به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع، می‌توانند نقش بسیار سازنده‌ای در جلوگیری از بروز این معضل خانمان‌سوز داشته، با درایت و هوشمندی، راهکارهایی را در پیش گیرند که به‌راحتی بر مشکلات زندگی غلبه نمایند و با بهره‌گیری از مهارت‌های ارتباطی سالم، تمام نیازهای شوهر را برآورده سازند و اگر خطایی از شوهر خود دیدند، با بزرگ‌منشی عذر او را پذیرفته، سعی کنند از اشتباهات او چشم‌پوشند.

کتابنامه

الف. کتاب:

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، مصحح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویة، اول، ۱۳۵۶ش.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الاثمه، مقدمه: احمد حسینی اشکوری، قم: شریف رضی.
۶. اسدی، اکبر و مهدی رضایی، زیباترین شکیب، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۷. الهی، حسن، زینب کبری علیها السلام، عقيله بنی هاشم، آفرینه، ۱۳۷۵ش.
۸. امینی، ابراهیم، آیین همسرداری، قم: بوستان کتاب، بیست و نهم، ۱۳۸۹ش.
۹. —، جوان و همسرگزینی، قم: بوستان کتاب، دهم، ۱۳۹۴ش.
۱۰. —، همسرداری، قم: بوستان کتاب، سی و یکم، ۱۳۹۱ش.
۱۱. انصاری شیرازی، عبدالرحمن، پیام زینب علیها السلام، قم: زمینه سازان ظهور، ۱۳۷۶ش.
۱۲. بابازاده، علی اکبر، سیمای زینب کبری علیها السلام، مکیال، بی تا.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: مهدی رجایی، قم: دار الکتاب الإسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۵. —، غرر الحکم و درر الکلم، قم: نشر دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶ش.
۱۶. —، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: چاپ دانشگاه تهران.

۱۷. تیجانی، محمد، اهل بیت علیهم‌السلام کلید مشکل‌ها، ترجمه: سید محمدجواد مهری.
۱۸. جزائری، نعمت‌الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، اول، ۱۴۲۷ق.
۱۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل‌البيت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۰. حسنی، ابولقاسم، ازدواجم دیر شد، قم: نورالزهر علیها‌السلام، اول، ۱۳۹۴ش.
۲۱. حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۶۶ش.
۲۲. حمیری، عبدالله، قرب الإسناد، مصحح: مؤسسة آل‌البيت علیهم‌السلام، قم: مؤسسة آل‌البيت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۱۳ق.
۲۳. خاتمی، سید احمد، در آمدی بر جایگاه خانواده در اسلام، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.
۲۴. خامنه‌ای، سید علی، أجوبة الإستفتانات، قم: دفتر رهبر معظم انقلاب در قم، ۱۴۲۴ق.
۲۵. —، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
۲۶. دادستان، پریخ، روان‌شناسی مرضی تحولی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰ش.
۲۷. دوآن، شولتز و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، نشر ویرایش.
۲۸. رجبی، فاطمه، زن در حماسه کربلا، قم: مطهر، ۱۳۷۷ش.
۲۹. سعدی، مصلح‌بن عبدالله، گلستان، تهران: دانش، ۱۳۷۶ش.
۳۰. سفیدگران، غلامحسین، بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰ش.
۳۱. شیخ بهائی، محمدبن حسین، کشکول، قم: صبح پیروزی، ۱۳۸۸ش.
۳۲. شیخ صدوق، الأمالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۰۷ق.
۳۳. —، الخصال، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.
۳۴. —، علل الشرائع، قم: کتاب‌فروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ش.
۳۵. —، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.

۳۶. —، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات انصاریان.
۳۷. —، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۳ق.
۳۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵ش.
۳۹. —، گفتمان عاشورایی، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۴۰. صبحی صالح، نهج البلاغة، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۴۱. صحتی سردودی، محمد، عاشوراپژوهی، قم: خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۵ش.
۴۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۳. —، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
۴۴. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چهارم، ۱۳۷۰ش.
۴۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، دوم، ۱۳۴۴ش.
۴۶. عایشه، بنت الشاطی، زینب بانوی قهرمان کربلا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۴.
۴۷. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، بی جا: بی نا، ۱۳۸۳ش.
۴۸. فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضة الواعظین، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۶ق.
۴۹. فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهارم، ۱۳۸۵ش.
۵۰. —، جوان از نظر عقل و احساسات، هیئت نشر معارف اسلامی.
۵۱. فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البیضاء، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. قزوینی، محمدکاظم، زینب کبری علیها السلام از ولادت تا شهادت، ترجمه: کاظم حاتمی طبری، پیام مقدس، ششم، ۱۳۹۴ش.
۵۳. قمی، شیخ عباس، سفینة البحار، تهران: انتشارات اسوه.
۵۴. —، منتهی الآمال، قم: دلیل، اول، ۱۳۷۹ش.

۵۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۵۶. گروهی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۳۹۴ش.
۵۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۵۸. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف اشرف: مطبعة المرتضویة.
۵۹. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۶۰. محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق. مجلسی،
۶۱. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محقق: اشتهاردی و علی پناه، قم: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، بی تا.
۶۲. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ش.
۶۳. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه، قم: دار الحدیث.
۶۴. —، محمد، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث.
۶۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
۶۶. مظاهری، علی اکبر، جوان و انتخاب همسر، مجتمع چاپ قدسیان، سی وهفتم، ۱۳۹۳ش.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۶۸. —، استفتانات، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۹. نحوی، سیف اله، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، قم: نور السجاده، ۱۳۸۸ش.
۷۰. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۷۱. همپتن، الوود، نگرش مثبت، ترجمه فهمیه نظری، بی تا.

ب. مقاله:

۱. الهی منش، محمدحسن و مرتضی اشرافی. «حضرت زینب، الگوی زنان مسلمان». فصلنامه علمی و ترویجی بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۷ش: ۷-۱۸.
۲. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی. «تحلیل خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار». فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۳ش: ۲۵-۵۱.
۳. جباران، محمدرضا. «طلاق عاطفی». برگرفته از مجموعه مقالات سیمای خانواده در اسلام، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه)، ۱۳۹۴ش: ۲۰۹-۲۳۵.
۴. خلجی، حسن. «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام». طهورا، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱ش: ۹۳-۱۱۰.
۵. سبحانی نژاد، مهدی، آذر تاجور و سیاوش پورطهماسبی. «بررسی تحلیلی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و ارائه راهکارهایی به نظام تعلیم و تربیت کشور». فصلنامه علمی و ترویجی بانوان شیعه، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۷ش: ۳۵-۶۰.
۶. علاء الدین، سید محمد رضا. «حضرت زینب علیها السلام، مدیر نمونه جنگ نرم در نهضت قرآنی عاشورا». فصلنامه مطالعات علوم قرآن و حدیث کوثر، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۹ش: ۲۵-۳۴.
۷. فقیهی، علی نقی و سمیه خورشیدی. «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام». فصلنامه علمی تخصصی تربیت تبلیغی، پیش شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱ش: ۷-۲۲.
۸. فولادی، اصغر و نویده شاه نعمتی گاوگانی. «بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی - تبریز». جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴ش.
۹. مروتی، سهراب و زهرا منصورزاده. «واکاوی سبک زندگی علمی حضرت زینب علیها السلام با رویکردی به قرآن و حدیث». فصلنامه تخصصی مطالعات علوم قرآن و حدیث سراج منیر، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۳ش: ۱۲۷-۱۴۸.

۱۰. نساجی زواره، اسماعیل. «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب علیها السلام». مکتب اسلام، سال ۴۵، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۴ ش: ۴۸ - ۵۶.
۱۱. نوری، اعظم. «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام». پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش: ۱۰۱ - ۱۲۲.

ج. پایگاه اینترنتی:

۱. آرشیو شبکه سوم سیما: <http://ch3.ir>
۲. آستان نیوز (پایگاه اطلاع‌رسانی آستان قدس رضوی): <http://news.aqr.ir>
۳. آفتاب: www.aftabir.com
۴. پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین: www.qudsonline.ir
۵. پرتال جامع ایران ناز: <http://www.irannaz.com>
۶. تبیان: www.tebyan.net
۷. جام جم آنلاین: <http://jamejamonline.ir/Online>
۸. حقوق نیوز (پایگاه خبری تحلیلی حقوقی کشور): www.newslaw.ir
۹. خبرگزاری تابناک: www.tabnak.ir
۱۰. راسخون: <https://rasekhoon.net>
۱۱. سلامت نیوز: www.salamatnews.com
۱۲. کتابخانه دیجیتال امام علی علیه السلام: <http://dlia.ir>

د. نشریه:

۱. دوماهنامه حدیث زندگی، ش ۹.
۲. روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۳۰۱.
۳. مجله اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.
۴. مجله علمی - پژوهشی تحقیقات نظام سلامت، دوره ۷، ش ۳.